



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق 7

ره‌توشه محرم

۱۲ گفتار پیرامون نهضت عاشورا

محتوای تبلیغی بصیرتی ویژه محرم الحرام ۱۴۰۴
به سفارش: نمایندگی محترم ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تهیه‌کنندگان: سیدرضی سیدنژاد - علیرضا صداقت - علی کارشناس - اسدالله فیروجایی

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق 7 - مرکز تدوین متون آموزشی

تابستان - ۱۴۰۴

فهرست مطالب

مقدمه	۶
۱. کارکرد درس ها و عبرت های عاشورا در مقابله با رژیم صهیونیستی	۸
۱-۱. استکبار فکری: مشترکات امویان و صهیونیست ها	۸
درس های عاشورا:	۹
۲-۱. فریب افکار عمومی: شیوه های مشترک امویان و صهیونیست ها	۹
درس های عاشورا برای امروز	۱۰
رسالت امروز ما	۱۰
۳-۱. حق کشی: از کربلا تا فلسطین	۱۰
درس های عاشورا برای امروز	۱۱
۴-۱. ذلت پذیری: خط قرمز امت اسلام	۱۱
درس های عاشورا:	۱۲
۵-۱. کشتار زنان و کودکان: از کربلا تا غزه	۱۲
درس های عاشورا:	۱۲
۶-۱. عدالت خواهی و ستم ستیزی: از کربلا تا فلسطین	۱۳
درس های عاشورا	۱۳
۷-۱. جدایی امت از رهبری الهی	۱۳
درس های عاشورا	۱۳
۸-۱. ولایت مداری، رمز پیروزی جبهه مقاومت	۱۴
درس های عاشورا	۱۴
۹-۱. مسئولیت خواص در جبهه مقاومت	۱۴
درس های عاشورا	۱۴
۲. مدیریت عاشورایی در مبارزه با استکبار جهانی	۱۵
۱.۲. محور اول: مفهوم مدیریت عاشورایی	۱۷
۲.۲. محور دوم: اصول مدیریت عاشورایی	۱۷
۳.۲. محور سوم: کاربردهای مدیریت عاشورایی در مبارزه با استکبار	۱۹
۴.۲. محور چهارم: نقش عاشورا در مبارزه با استکبار	۲۴

۳۸	۳. نصرت ولایت پاسخنی به «هل من ناصر ينصرونی، حسینی»
۳۸	۱.۳. الزامات معرفتی
۴۱	۲.۳. الزامات اعتقادی
۴۳	۳.۳. الزامات رفتاری
۴۷	۴. آزادگی و عزت حسینی (ع) در مقابل زیاده‌خواهی استکبار جهانی
۴۷	۱.۴. مفهوم آزادگی و عزت‌مداری در سیره امام حسین (ع)
۴۷	۲.۴. زیاده‌خواهی دشمنان امام حسین (ع)؛ تحلیل رفتاری یزید و اطرافیان
۴۸	۳.۴. تقابل دو مکتب: عزت در مقابل ذلت
۴۸	۴.۴. درس‌های کاربردی برای امروز
۴۹	۵.۴. آزادگی حسینی در تقابل با زیاده‌خواهی استکبار جهانی: تحلیل مصادیق معاصر
۵۴	۵. عزاداری اثر بخش؛ بصیرت‌آفرین و برانگیزاننده در مکتب حسینی
۵۴	۱.۵. تعریف «عزاداری اثر بخش» از نگاه دینی و علمی
۵۵	۲.۵. الگوهای تاریخی عزاداری‌های اثرگذار
۵۵	۳.۵. آسیب‌شناسی عزاداری‌های غیر اثر بخش
۵۵	۴.۵. راهکارهای طراحی عزاداری بصیرت‌آفرین
۵۶	۵.۵. جزئیات شاخصه‌های بصیرت‌آفرینی
۵۷	۶.۵. مکانیسم‌های انگیزشی در عزاداری
۵۸	۷.۵. فلسفه عزاداری
۶۶	۶. جلوه‌های مقاومت و جانفشانی در عاشورا
۶۸	۱-۶. نهضت عاشورا جلوه مقاومت و جانفشانی
۷۰	۲-۶. عوامل استقامت و پایداری سیدالشهدا (ع) و اصحابش
۷۰	الف. ایمان آگاهانه
۷۱	ب. یاد خدا
۷۴	پ. اخلاص و انگیزه الهی
۷۶	ت. بصیرت و روشنی‌بینی
۷۹	ث. ولایت‌مداری
۸۲	ج. روحیه شهادت‌طلبی
۸۴	چ. عدم دلبستگی به مادیات

۷. تکلیف‌شناسی و تکلیف‌گرایی عاشورایی در مقابله با رژیم صهیونیستی.....	۸۶
۱.۷. محور اول: مفهوم تکلیف‌شناسی و تکلیف‌گرایی.....	۸۷
۲.۷. محور دوم: تکلیف‌گرایی در عاشورا.....	۹۳
۳.۷. محور سوم: عوامل جاودانگی نهضت عاشورا.....	۹۹
۴.۷. محور چهارم: آثار دیدگاه تکلیف‌گرایی.....	۱۰۳
۸. جلوه‌های ولایت (تولی) و برائت (تبری) در روزگار ما.....	۱۰۷
۱.۸. معناشناسی ولایت و برائت.....	۱۰۷
۲.۸. تلازم ولایت و برائت.....	۱۰۹
۳.۸. جلوه‌های ولایت و برائت در زمان ما.....	۱۱۰
۹. شاخص‌های حسینی بودن (باحسین، بودن در عاشورا و یا حسین، گفتن در زمان حاضر).....	۱۱۱
۱.۹. شناخت تکلیف و عمل به آن.....	۱۱۲
۲.۹. ذلت‌ناپذیری و حفظ کرامت انسانی.....	۱۱۴
۳.۹. ضرورت کسب معرفت و بصیرت.....	۱۱۶
۴.۹. ضرورت زمان‌شناسی و اقدام به موقع.....	۱۱۷
۵.۹. ولایت‌مداری.....	۱۱۸
۶.۹. وحدت‌گرایی و تفرقه‌گریزی.....	۱۲۲
۷.۹. آگاهی‌خواص به نقش و وظیفه خود.....	۱۲۳
۱۰. عاشورا مصاف با خودکامگی و استکبار.....	۱۲۵
۱.۱۰. محور اول: علل مصاف با مستکبران و خودکامگان.....	۱۲۸
۲.۱۰. محور دوم: ویژگی‌های مجاهدان عاشورایی در مصاف با خودکامگان و مستکبران.....	۱۲۹
۳.۱۰. محور سوم: ویژگی‌های خودکامگان و مستکبران.....	۱۳۲
۴.۱۰. محور چهارم: تأثیرات نهضت حسینی بر انقلاب اسلامی در مبارزه با خودکامگی و استکبار.....	۱۳۴
۵.۱۰. محور پنجم: نقش انقلاب اسلامی در تدوین نهضت امام حسین (ع) و گسترش فرهنگ حسینی در مواجهه با استکبار.....	۱۳۵
۱۱. عاشورا؛ تقابل حق و باطل در همه عصرها.....	۱۳۹
۱.۱۱. تحلیل عمیق تر زمینه‌های تاریخی قیام.....	۱۳۹
۲.۱۱. تبارشناسی جبهه حق و باطل در عاشورا.....	۱۴۰
۳.۱۱. مکانیسم تأثیرگذاری عاشورا در طول تاریخ.....	۱۴۱

۴.۱۱. عاشورا به عنوان نماد مبارزه با ظلم در همه عصرها ۱۴۱

۵.۱۱. درس های عاشورا برای جهان امروز ۱۴۲

12. راهبردهای کلان در عمل به تکلیف در عصر

حاضر ۱۴۳

۱.۱۲. حفظ وحدت ۱۴۴

۲.۱۲. تدبیر و روشنگری ۱۴۷

۳.۱۲. تقویت ولایت مؤمنین ۱۴۹

۴.۱۲. استقامت و پایداری ۱۵۰

۵.۱۲. امید و نگاه خوش بینانه به آینده ۱۵۲

۶.۱۲. توجه به علم و دانش و ارتقای آن ۱۵۵

۷.۱۲. توجه به معنویت و اخلاق ۱۵۶

کتابنامه ۱۵۸

رویدادها در تاریخ هرچه از زمان وقوع و ولادت خویش فاصله می‌گیرند، کمرنگ‌تر و بی‌فروغ‌تر می‌شوند و سرانجام به سایه‌روشنی از یک خاطره یا حادثه در ذهن‌ها بدل می‌گردند، اما تنها یک حادثه را می‌شناسیم که در روزی داغ در سرزمینی کوچک و گمنام به نام «کربلا» رخ داد و امروز پس از قرن‌ها و روزگاران دراز، دامن‌گستر و تأثیرگذار و حرکت‌آفرین، به سمت فردایی درخشان‌تر راه می‌سپارد. شور و شکوه و شراره‌ای که عاشورا آفرید، هنوز و هماره قلمرو قلب و ذهن انسان‌ها را فتح می‌کند و خون خیزش و حرکت در رگ‌های دواند. این ویژگی، این سخن پیامبر را به یاد می‌آورد: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا؛ از شهادت حسین آتشی در قلب مؤمنان افروخته شود که هرگز سردی و خاموشی نمی‌پذیرد.»

کربلا، زند، زاینده و فزاینده است؛ کوثری است که می‌جوشد و هر عصر و نسلی به نسبت توان و تکاپو و ظرفیت خویش از آن بهره می‌گیرد. کربلا به روح‌ها طراوت، زیبایی، سرزندگی و شیوه خوب زیستن می‌آموزد که حسین (ع) یعنی خوب، یعنی زیبا. کربلا، اساسنامه ایمان، فهرست همه خوبی‌ها و فرهنگ‌نامه قبیله معرفت و عشق است. هیچ‌کس نیست که با کربلا انس و الفت بیابد و شکفتن و بالیدن و جوشش و حیات را در خود احساس نکند. جامعه‌ای نیز که با فرهنگ عاشورا پیوند و آشنایی بیابد، سرشار پویایی، زایایی و توانایی خواهد شد.

عاشورا و کربلا تابلو خون‌رنگ و آموزه بخش برای تمام اعصار و قرون است تا تمام نسل‌ها در همه عصرها، ندای حق‌طلبی و مبارزه با ظلم را سردهند و فرهنگ جامعه را فرهنگ مقاومت در برابر زور و قدرت و فرهنگ بصیرت و عمل به هنگام قرار دهند. امروز تداوم عزت و رشد در جنبه فردی و اجتماعی در گرو الگوگیری کامل از فرهنگ عاشورا است و هر کس بخواهد در هر زمینه رشد کند و به تکامل برسد راهی جز تامل در این حرکت و عمل به آن را ندارد چنان که رسول خدا (ص) فرمود: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَسَفِينَةُ النَّجَا».^۲

۱. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

۲. جعفر بن محمد بن نماحلی، مثير الأحران، قم، مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۶، ص ۴.

دهه محرم فرصت ویژه و استثنایی برای برای بهره‌مندی از این سرمایه عظیم و انتقال ارزش‌ها، مفاهیم، آموزه‌های جانبخش الهی آن و نیز فرصتی ویژه برای رساندن پیام نهضت عاشورا و اصلاح و تغییر رفتار در مسیر تعالی و رشد است.

آنچه پیش روی شماست، محتوای تبلیغی- بصیرتی است که در دوازده گفتار (موضوع) بر اساس نیازسنجی و ابلاغ آن به پژوهشگاه، مبتنی بر آیات و روایات، تاریخ اسلام، تاریخ کربلا و بیانات علمای بزرگ به ویژه امامین انقلاب اسلامی تدوین شده، به عنوان ره‌توشه، در اختیار مبلغان و مروجان مکتب حسینی قرار می‌گیرد. هرچند اذعان داریم حق این موضوعات با این گونه تلاش‌ها ادا نخواهد شد، اما امید است این تلاش اندک مرضی خدای سبحان و مورد توجه مولا و مقتدایمان حضرت ولی عصر امام زمان (عج) قرار گیرد و مخاطبان گرامی از آن بهره‌کافی و وافی را ببرند و با مددگیری از خداوند متعال، برای تأثیرگذاری در تلاش‌های خود، در تبلیغ فرهنگ دینی موفق شوند.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از همکاری و مساعدت‌های ریاست محترم پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی عزیزان، و سایر دست‌اندرکاران که در تهیه و تنظیم این محتوا نقش داشته‌اند، صمیمانه تشکر کرده و توفیقات روزافزون آنان را از خداوند متعال خواهانیم.

پژوهشگاه الهیات و معارف اسلامی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) - تابستان ۱۴۰۴

۱. کارکرد درس ها و عبرت های عاشورا در مقابله با رژیم صهیونیستی

سیدرضی سیدنژاد

یکی از اساسی ترین ابعاد حادثه عاشورا، درس ها و عبرت های این نهضت است. درس های عاشورا همواره بخشی زنده، حیات بخش و حرکت آفرین است. هر چند این رویداد در مکان و زمان محدودی به وقوع پیوست اما درس های آن ویژه زمان و مکان خاصی نیست. عدالت خواهی و ستم ستیزی، عزت، پاسداری از اسلام و ارزش های اسلامی، شهادت در راه خدا، جمع میان سیاست و معنویت، امر به معروف و نهی از منکر از جمله درس های مهم در عرصه رفتار سیاسی رویداد عاشورا است که برای امروز جامعه اسلامی ماضوری است

۱-۱ استکبار فکری: مشترکات امویان و صهیونیست ها

- **بیماری «خود برترینی» و استکبار فکری:** از دیرباز عامل جنایات بزرگ تاریخ بوده است. فرعون با ادعای «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» (نازعات: ۲۴)؛ من پروردگار برتر شما هستم، بنی امیه با تظاهر به اسلام و تحریف حقایق دینی، و امروز رژیم صهیونیستی با ادعای «قوم برگزیده» و «ملت متمدن»، همگی در یک چیز مشترک هستند.

- **تزویر دینی:** همان گونه که بنی امیه با سوء استفاده از آیات قرآن، جنایات خود را توجیه می کرد، صهیونیست ها نیز با تحریف تورات و ادعای «ارض موعود»، کشتار فلسطینیان را مشروع جلوه می دهند.

- **جبرگرایی دروغین:** امویان جنایات خود را به خدا نسبت می دادند: «خدا او را کشت». و امروز صهیونیست ها نیز کشتار مردم غزه را «دفاع از خود» و «اراده الهی» می نامند!

- نگاه استکباری به دیگران: شمر با تمسخر امام حسین (ع) فریاد زد: «پیش از دوزخ، خود به میان آتش رفته ای!» و امروز صهیونیست ها نیز فلسطینیان را «تروریست» و «وحشی» می خوانند تا جنایات خود را پوشش دهند.

نکته: همان گونه که امویان با فریب و جبرگرایی، اسلام را تحریف کردند، رژیم صهیونیستی نیز با رسانه هایش، حقایق را وارونه جلوه می دهد. وظیفه ما، مقاومت فکری و عملی در برابر این استکبار جهانی است.

درس های عاشورا:

قیام امام حسین (ع) به ما می آموزد که:

- هرگز در برابر ادعاهای دروغین مستکبران سکوت نکنیم.
- تبلیغات شیطانی دشمن را با منطق و استدلال افشا کنیم. مانند پاسخ قاطع امام سجاد (ع) به عیدالله.

- استکبار فکری صهیونیست ها را با مقاومت و آگاهی بخشی شکست دهیم.
- امروز، فلسطین کربلای ماست و صهیونیست ها، یزیدیان زمان!

۱-۲. فریب افکار عمومی: شیوه های مشترک امویان و صهیونیست ها

- **تحریف حقایق و شست و شوی مغزی مردم:** در واقعه عاشورا، حاکمان اموی با تبلیغات دروغین، چهره اسلام را تحریف کردند و مردم را به اطاعت از حکومت فاسد واداشتند. امروز نیز رژیم صهیونیستی با استفاده از رسانه های جهانی، جنایات خود در فلسطین را توجیه و افکار عمومی را فریب می دهد.

- **دروغ پردازی و تحریف دین:** امویان با سوء استفاده از آیات قرآن مانند آیه «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ... (آل عمران: ۲۶)»، حکومت یزید را «مشروع» جلوه می دادند. امروز صهیونیست ها نیز با تفسیرهای نادرست از تورات، سرزمین های فلسطینیان را «ارض موعود» می نامند!

- **اطاعت کورکورانه از حاکمان ستمگر:** برخی مردم کوفه با وجود فساد یزید، از ترس یا جهل، از او اطاعت می کردند و حتی علیه امام حسین (ع) شمشیر کشیدند. امروز نیز برخی حکومت های عربی، با نادیده گرفتن حقوق فلسطین، به سازش با رژیم صهیونیستی روی آورده اند.

- **پرده افکنی بر چشمان و دل های مردم:** حضرت فاطمه صغری (س) در کوفه فرمودند: «قَسَتْ قُلُوبُكُمْ... وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ... وَسَوَّلَ لَكُمْ الشَّيْطَانُ؛ دل های شما سخت شد... بر قلب هایتان مهر زده شد... و شیطان شما را فریفت.»

امروز نیز رسانه های صهیونیستی با جنگ روانی، چهره مقاومت اسلامی را «تروریسم» نشان می دهند تا مردم جهان از حقیقت فلسطین دور بمانند.

درس های عاشورا برای امروز

- هرگز فریب تبلیغات دشمن را نخوریم. مانند یاران فریب خورده کوفه.
- حقایق را با آگاهی بخشیدن افشا کنیم. همان گونه که اهل بیت (ع) در کوفه و شام مردم را بیدار کردند.
- در برابر حکومت های ظالم، سکوت نکنیم. امام حسین (ع) فرمود: «أَتَمَّا خَرَجْتُ لَطَلَبِ الْإِصْلَاحِ؛ من برای اصلاح امت قیام کردم.»

رسالت امروز ما

- مقاومت در برابر دروغ پردازی های صهیونیست ها
- افشای جنایات آنان در غزه و کرانه باختری
- حمایت از جبهه مقاومت (حزب الله، حماس، جهاد اسلامی و..)

۳-۱. حق کشی: از کربلا تا فلسطین

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (یونس: ۸۲)؛ و خداوند با کلمات خود، حق را ثابت می گرداند، هر چند مجرمان را خوش نیاید.»

امام حسین (ع) نیز در برابر حاکمان اموی که حق را فدای باطل می کردند، قیام کرد و فرمود: «لَا تَرَوْنَ إِلَى الْحَقِّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَإِلَى الْبَاطِلِ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ؟» آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی گردد؟

امروز رژیم صهیونیستی همان مسیر امویان را ادامه می دهد:

- کشتار کودکان فلسطینی: مانند شهادت حضرت علی اصغر در کربلا.
- تجاوز به سرزمین های اسلامی (اشغال فلسطین، مانند غصب خلافت توسط یزید)
- تحریف حقایق (دروغ پردازی های رسانه ای، همانند تبلیغات امویان)

درس های عاشورا برای امروز

- حق طلبی، تنها راه نجات است. همانطور که امام حسین (ع) فرمود: «لَا يَرْغَبُ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ مُحِقًّا؛^۲ باید مؤمن به دیدار پروردگارش بشتابد، در حالی که حق طلب است.»
- حمایت از مبارزان فلسطینی: همانند یاران امام حسین (ع).۱.
- مقاومت در برابر ظلم صهیونیست ها

۴-۱. ذلت پذیری: خط قرمز امت اسلام

- صهیونیست ها و پروژه ذلیل سازی مسلمانان: رژیم صهیونیستی همانند بنی امیه می خواهد:
- مسلمانان را تحقیر کند (اشغال فلسطین، تخریب مساجد و..)
 - روحیه مقاومت را تضعیف نماید (تبلیغات رسانه ای برای ناامید سازی).
 - حکام دست نشانده را تحمیل کند (مانند معاویه های امروزی که با اسرائیل رابطه برقرار می کنند).

۱. حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۵.

۲. همان، ص ۲۴۵.

درس‌های عاشورا:

- انسان مسلمان نباید زیر بار ذلت برود او باید عزیز باشد و عزت فقط با مقاومت به دست می‌آید. چنان‌که امام حسین (ع) فرمود: «هیهات منا الذلة».
- سکوت در برابر ظلم = همکاری با ظالم است.
- پیروزی نهایی از آن مجاهدان راه حق است.

۵-۱. کشتار زنان و کودکان: از کربلا تا غزه

در واقعه عاشورا، بنی‌امیه تمام اصول انسانی و اسلامی را زیر پا گذاشتند و حتی به کودکان شیرخوار و زنان بی‌پناه رحم نکردند. امروز نیز رژیم صهیونیستی با همان سبعت، کودکان و زنان فلسطینی را به خاک و خون می‌کشد.

درس‌های عاشورا:

- ستمگران در هیچ زمانی به اخلاق پایبند نیستند. امام حسین (ع) فرمود: «انْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا أَحْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ؛ اگر دین ندارید و از روز جزا نمی‌ترسید، لا اقل در دنیا آزاد باشید».
- سکوت در برابر جنایت یعنی همکاری با ظالم: قیام امام حسین (ع) به مای آموزد که در برابر کشتار زنان و کودکان هرگز سکوت نکنیم.
- مقاومت تنها راه مبارزه با باطل است: همان‌گونه که اهل بیت (ع) پس از عاشورا، جنایات امویان را افشا کردند، امروز نیز رسانه‌های جهادی باید جنایات صهیونیست‌ها را به جهانیان نشان دهند.

۶-۱. عدالت خواهی و ستم ستیزی: از کربلا تا فلسطین

امام حسین (ع) در منزل بیضه خطاب به سپاه حرّ فرمودند: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا... فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ، كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ؛» هر کس حاکم ستمگری را ببیند که حدود الهی را نقض می کند، ولی با گفتاری یا کردار مقابلش نایستد، سزاوار است که خداوند او را با همان ستمگر محسور کند.» این سخن، پایه گذار مکتب مبارزه با استکبار جهانی است که امروز در مقاومت ضد صهیونیستی تجلی یافته است.

درس های عاشورا

مبارزه با ستمگر، واجب شرعی است. امام حسین (ع) یزید را مصداق بارز «حاکم جائر» معرفی کرد که: حدود الهی را تعطیل کرده؛ اموال عمومی را غارت می کند؛ حرام و حلال خدا را تحریف می کند. امروز رژیم صهیونیستی با اشغال فلسطین، کشتار غیر نظامیان و نقض قوانین بین المللی، همان مسیر یزید را ادامه داده است.

۷-۱. جدایی امت از رهبری الهی

واقعۀ عاشورا تنها یک نبرد نظامی نبود، بلکه نتیجۀ یک فرآیند طولانی انحراف از مسیر پیامبر (ص) و جدا کردن تدریجی مردم از اهل بیت (ع) بود. امروز نیز رژیم صهیونیستی و حامیانش با همان روش های امویان، تلاش می کنند امت اسلامی را از رهبری الهی و جبهه مقاومت جدا کنند.

درس های عاشورا

پرهیز از جدایی از رهبری الهی (ولایت فقیه در عصر حاضر)
مقاومت در برابر تبلیغات دشمن که می خواهد اسلام ناب را از مردم جدا کند.
افشای دروغ های رسانه های صهیونیستی که همان نقش کعب الاحبارها و ابوهریره های زمان معاویه را بازی می کنند.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۳۸۲.

۸-۱. ولایت‌مداری، رمزپروزی جبهه مقاومت

قیام عاشورا به مای آموزد که ولایت‌مداری تنها راه نجات امت اسلامی است. یاران امام حسین (ع) با پیروی بی‌قید و شرط از امام زمان خود، الگویی جاودانه از وفاداری آفریدند. امروز نیز مقاومت اسلامی در برابر رژیم صهیونیستی، باید ادامه دهند همین مسیر باشد.

درس‌های عاشورا

- رهبری واحد: همانگونه که امام حسین (ع) محور وحدت و عامل اصلی پیروزی نهضت عاشورا بود، امروز نیز ولایت فقیه باید محور مقاومت در برابر صهیونیسم است.
- بصیرت در تشخیص حق: مردم کوفه به دلیل عدم بصیرت، فریب تبلیغات امویان را خوردند. امروز نیز باید رسانه‌های صهیونیستی را شناخت و فریب آنان را نخورد.
- ثبات قدم: یاران امام (ع) تا آخرین نفس ایستادند. امروز نیز جبهه مقاومت باید در برابر فشارهای دشمن پایدار بماند.

۹-۱. مسئولیت‌خواص در جبهه مقاومت

واقعۀ عاشورا به روشنی نشان می‌دهد که سستی خواص و نخبگان جامعه در انجام تکلیف الهی، چگونه می‌تواند به فاجعه‌ای بزرگ منجر شود. امروز نیز در نبرد بارزیم صهیونیستی، مسئولیت‌خواص از اهمیت حیاتی برخوردار است.

درس‌های عاشورا

- پرهیز از سکوت مصلحت‌آمیز در برابر جنایات صهیونیست‌ها
- عدم فداکردن اصول برای منافع مادی
- پذیرش مسئولیت تاریخی در قبال امت اسلامی
- تلاش برای تدبیر و روشنگری
- حمایت از جبهه مقاومت

۲. مدیریت عاشورایی در مبارزه با استکبار جهانی

علی کارشناس

مدیریت عاشورایی در مبارزه با استکبار جهانی به معنای بهره‌گیری از الگوها و درس‌های قیام امام حسین (ع) در کربلا برای مقابله با ظلم و ستم و استکبار در جهان امروز است. این رویکرد مبتنی بر ارزش‌هایی چون ایثار، مقاومت، عدالت‌خواهی، و ایستادگی در برابر باطل است و به عنوان یک راهبرد فکری و عملی در مبارزه با استکبار جهانی مطرح می‌شود. مقصود از استکبارستیزی این است که ملت ایران، در مقابل کید و تعرض و دست‌اندازی و تلاش‌های سیاسی دشمن و انواع و اقسام کارهایی که می‌کند تا دوباره کشور ایران را به یکی از اقمار خود تبدیل نماید، با شدت و قدرت خواهد ایستاد و مقاومت خواهد کرد. مبارزه، یعنی این. مبارزه با استکبار، یعنی هر جا که در سطح جهان، دستان برسد، نسبت به استکبار، افشاگری خواهیم کرد. هر جایی که مظلومی، از ظلم استکبار دچار آسیب است و به جان آمده، ما هر طور بتوانیم، طرف آن مظلوم را خواهیم گرفت.^۱

از دیدگاه مقام معظم رهبری، پیام انقلاب اسلامی و محتوا و مضمون این پیام، ضدیت با استکبار است. انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی، پیامش این است که معنای دارد یک دولت، و یک ملت، از چارچوب مرزهای خود، پارا فراتر بگذارد و برای آحاد ملت‌های دیگر و شرکت‌های کشورهای دیگر، تکلیف معین کند!^۲

۱. امام سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان، دسترسی در:

۱۳۷۵/۰۸/۰۹، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2817>.

۲. امام سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار با کارمندان و کارکنان دولت، دسترسی در:

۱۳۷۵/۰۶/۰۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2808>.

ملت ایران، شعار مبارزه با استکبار را باید به عنوان پرچم و مشعلی حفظ کند. زیرا اگر این علم برافراشته، حفظ نشود و این شعار، افسرده و گم شود، راه ملت گم خواهد شد. از ای رو، مبارزه با استکبار، یک شعار همیشگی است.^۱

ملت ایران، از روز اول نشان داده است؛ امروز هم پای این حرف ایستاده است که اگر امریکا و قدرتهای جهانی، دست به یکی کنند و بخواهند فشار بیاورند و این ملت و این نظام را وادار نمایند که از مواضع صحیح و عاقلانه و انسانی و برگزیده خودش - که این مواضع را ما انتخاب کرده ایم و کسی آنها را به ما دیکته نکرده است؛ خود ما انتخاب کرده ایم، خود این ملت انتخاب کرده اند - عقب نشینی کند، این ملت ترجیح می دهد که آن قدر مبارزه کند، تا آن جبهه ی متحد را به زانو در آورد. این ملت، تسلیم کسی نخواهد شد.^۲

تا وقتی که نظام جمهوری اسلامی در خط صحیح حرکت می کند و تا وقتی که آرمانها و اهداف قرآنی و الهی و اسلامی بر ما و بر این نظام حاکم است، این نفرت و مقابله با سردمداران استکبار جهانی و در رأس همه، امریکا، به قوت خود باقی است.^۳

البته جهاد اسلام برای تحمیل عقیده نیست؛ برای مبارزه ی با کسانی است که انسانها را به بردگی می کشند. جهاد اسلام جنگ با ملتهای نیست؛ بلکه جنگ با قدرتهای ستمگر و ظالم است. این، تاریخ اسلام است؛ این، عمل کرد و توصیه ی پیشوایان اسلام و قرآن کریم است: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (ممتحنه: ۸)؛ خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با

۱. امام سیدعلی حسینی خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش آموزان، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۳۷۵/۰۸/۰۹،۲۸۱۷>

۲. امام سیدعلی حسینی خامنه ای، بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2823>، ۱۳۷۵/۱۰/۲۸

۳. امام سیدعلی حسینی خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2731>، ۱۳۷۳/۰۸/۱۱

شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد، بر این اساس می‌بایست با کفار و کسانی که با ما هم عقیده نیستند و مرتکب تعدی و ظلم نشدند، با قسط و عدالت برخورد شود.^۱

نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقابله با نفوذ استکبار از یک سو متأثر از ضربات جبران‌ناپذیری که نظام سیاسی اسلام از دیرباز تا کنون از ناحیه این شیوه‌برد استکبار در ابعاد مختلف متحمل شده؛ از سوی دیگر توانمندی و پیچیدگی رفتار بازیگران این شیوه‌برد در ترکیب و کاربرد قدرت شمشیر، فکر، اقدام مستقیم و عملیات روانی در میدان مبارزات است. از ناحیه نقش سپاه در قبال نفوذ استکبار طیف کاملی از گزینه‌ها و ظرفیت‌ها از قبیل عمق‌بخشی داخلی، عمق‌بخشی خارجی، مقابله با تهدیدات سخت، نیمه سخت و نرم، یک دفاع لایه‌بندی شده برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.^۲

۱.۲. محور اول: مفهوم مدیریت عاشورایی

مدیریت عاشورایی به معنای مطالعه و درک عمیق قیام امام حسین (ع) و بهره‌گیری از آموزه‌های آن در تمام ابعاد زندگی، به ویژه در مبارزه با استکبار. این رویکرد بر اساس ارزش‌هایی چون ایثار، شهادت، امر به معروف و نهی از منکر، عدالت‌خواهی، صبر و پایداری در برابر ظلم شکل گرفته است.

۲.۲. محور دوم: اصول مدیریت عاشورایی

۱. مقاومت در برابر ظلم: یکی از مهمترین اصول مدیریت عاشورایی، مقاومت در برابر هرگونه ظلم و ستم و ایستادگی در برابر استکبار است: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ

۱. امام سید علی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3352>، ۱۳۸۵/۶/۲۷.

۲. اسماعیل خان احمدی و سپهر خیبری، «راهبردهای نفوذ استکبار و نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقابله با آن‌ها»، نشریه تربیت پاسدار انقلاب اسلامی، س ۹، ش ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۳۵-۶۲.

لَقَدِيرٌ (حج: ۳۹)؛ به کسانی که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می گیرند، چون به آنان ستم شده اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست.

«وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰)؛ و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود، ویران می گردد؛ و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

سیدالشهداء (علیه السلام)، می فرماید:

«أَيُّهَا النَّاسُ؛ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ، وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ» (طبری، ۱۳۷۵، ج ۴: ۳۰۴)

«ای مردم؛ پیامبر خدا (ص) فرمودند: «هر کس سلطان ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال شمرده، پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا مخالفت ورزیده، در میان بندگان خدا به ستم رفتاری کند؛ و او با زبان و کردارش باوی به مخالفت بر نخیزد، سزاوارست خداوند او را در جایگاه آن سلطان ستمگر (دوزخ) بیاندازد.»

این گفتار تاریخی سیدالشهداء (علیه السلام) با صراحت تمام هدف قیام تمدن ساز عاشورا را شرح می دهد، امام (علیه السلام) قیام خود را تبلوری از مسئولیت عمومی مسلمانان در برابر حکام جائر می داند.

۲. مبارزه با باطل: مدیریت عاشورایی با تکیه بر آموزه های کربلا، مبارزه با باطل و طاغوت را وظیفه ای دینی و انسانی می داند: «لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ» (انفال: ۸)؛ تاحق را ثابت [و پابرجا و استوار نماید] و باطل را نابود سازد، هر چند مجرمان خوش نداشته باشند.

۳. امید به پیروزی: با وجود سختی ها و مصائب، مدیریت عاشورایی بر اساس وعده های الهی، امید به پیروزی نهایی حق بر باطل را زنده نگه می دارد: «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا

رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبُيُوعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكِّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (حج: ۴۰)؛ همانان که به ناحق از خانه هایشان اخراج شدند [و گناه و جرمی نداشتند] جز اینکه می گفتند: پروردگار ما خداست و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد، همانا صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مسجد هایی که در آنها بسیار نام خدا ذکر می شود به شدت ویران می شدند؛ و قطعاً خدا به کسانی که [دین] او را یاری می دهند یاری می رساند؛ مسلماً خدا نیر و مند و توانای شکست ناپذیر است.

«وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَّاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ (یوسف: ۸۷)؛ و از رحمت خدا مأیوس نباشید؛ زیرا جزم مردم کافر از رحمت خدا مأیوس نمی شوند.»

۴. عدم اعتماد و تکیه بر ظالمان و ستمگران: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ (هود: ۱۱۳)؛ و به کسانی که [به آیات خدا، پیامبر و مردم مؤمن] ستم کرده اند، تمایل و اطمینان نداشته باشید و تکیه نکنید که آتش [دوزخ] به شما خواهد رسید و در آن حال شمارا جز خدا هیچ سرپرستی نیست، سپس یاری نمی شوید.

۳.۲. محور سوم: کاربردهای مدیریت عاشورایی در مبارزه با استکبار

۱. تقویت روحیه مقاومت: مدیریت عاشورایی می تواند با تکیه بر الگوهای مقاومت عاشورا، روحیه مقاومت و ایستادگی در برابر استکبار را در میان مردم و گروه های مبارز تقویت کند: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخْفُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت: ۳۰)؛ بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند [و می گویند]: [مترسید و اندوهگین نباشید و شمارا به بهشتی که وعده می دادند، بشارت باد.»

«وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا (جن: ۱۶)؛ و اگر [انس و جن] بر طریقه حق پایداری کنند حتماً آنان را از آب فراوانی سیراب خواهیم کرد.»

۲. تبیین اهداف و آرمان ها: باتبیین اهداف و آرمان های قیام امام حسین (ع)، می توان اهداف مبارزه با استکبار را برای نسل های جدید تبیین کرد: «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ

الْأَرْضِ وَمَعَارِبِهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (اعراف: ۱۳۷)؛ و به آن گروهی که همواره ناتوان و زبونشان شمرده بودند، نواحی شرقی و غربی آن سرزمین را که در آن [از جهت فراوانی نعمت، ارزانی و حاصل خیزی] برکت قرار داده بودیم، بخشیدیم؛ و وعده نیکو تر و زیبا تر پروردگارت بر بنی اسرائیل به [پاداش] صبری که [بر سختی ها و بلاها] کردند تحقق یافت، و آنچه را که همواره فرعون و فرعونیان [از کاخ و قصرهای مجلل] و سایه بان های خوش نشین می افراشتند، نابود کردیم. «وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا... (نساء: ۷۵)؛ چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند، پیکار نمی کنید؟! همان افراد (ستم دیدن ای) که می گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر!»

امیر مؤمنان (علیه السلام) نیز در آخرین وصیت خویش به فرزندانش در هنگام شهادت می فرماید: «وَكُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ دشمن ستمگرو یاور ستم دیدن باشید.»^۱

پیامبر اسلام (ص) در این زمینه می فرماید: «مَنْ أَخَذَ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ مُصَاحِبًا؛ کسی که حق مظلوم را از ظالم بگیرد [چه مظلوم، مسلمان باشد، و چه غیر مسلمان] در بهشت با من خواهد بود.»^۲

خطبه ی ۲۷ نهج البلاغه که بیانگر اندوه فراوان امیر مؤمنان (علیه السلام) از تعرض به زنان مسلمان و ذمی است؛ آن حضرت می فرماید: «اکنون این شخص غامدی است که سواران او وارد شهر انبار شده و... شنیدم که مردی از لشکریان او به خانه ی زن مسلمان وزن دیگر غیر مسلمانی که در پناه اسلام جان و مال شان محفوظ بوده است، وارد شده اند و خلخال از پا و دست بند از دست و

۱. شریف الرضی، نهج البلاغه، نامه ۴۷، ص ۳۹۸.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۹.

کردن بند از گردن و گوشواره‌های آن‌ها را از گوش‌شان بیرون آورده و روبرو شده‌اند... اگر از این پس، مسلمانی از غم چنین حادثه‌ای بمیرد، جای ملامت نیست.^۱

۳. جذب نیروهای مردمی: مدیریت عاشورایی می‌تواند با بهره‌گیری از جذابیت‌های حماسه کربلا، نیروهای مردمی بیشتری را در مبارزه با استکبار جذب کند. جذب حداکثری و دفع حداقلی به معنای جذب بیشتر افراد جامعه به ویژه قشر خاکستری به سوی انقلاب اسلامی و آرمانهای والای آن است. بسیج مردمی، باید اکثر افراد جامعه را به رسمیت شمرده و تعامل با همه آنان را شامل شود، بدین معنا که برنامه‌های فرهنگی ارائه شده و فرهنگ ترویج شده در این حرکت‌ها موجب مرزگذاری بین مردم و تلقین خود حق‌پنداری در قشر خاصی از جامعه و در نتیجه ارائه نمادهای منجرکننده و نفرت برانگیز برای اکثریت مردم نشود بلکه تنها افراد معاند را نسبت به این حرکت‌ها منزجر نموده و اکثر مردم را به همراهی و تأیید تشویق نماید.

چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی معتقد است که باید جذب حداکثری شود و جبهه‌ی انقلاب گسترش یابد و نباید صرف اختلاف سلیقه و اختلاف نظر در باره‌ی فلان مسئله موجب طرد افراد از انقلاب و دایره‌ی انقلابی‌گری شود.^۲ البته به باور ایشان، جذب حداکثری به معنای تسامح در اصول نیست.^۳ به باور مقام معظم رهبری مقصود از اصول انقلاب، اسلام، قانون اساسی، رهنمودهای امام، وصیت‌نامه‌ی امام و سیاست‌های کلی نظام است که در قانون اساسی معین شده است که در این چهارچوب، اختلاف نظر، اختلاف مذهب، اختلاف سلیقه نه تنها عیب نیست، بلکه مفید و نافع است. بنابراین آنجایی که افراد در چهارچوب اصول رفتار کنند، دنبال خشونت نروند، در صدد برهم زدن امنیت جامعه نباشند، آسایش جامعه را نخواهند به هم بزنند و دروغ‌پراکنی و شایعه‌نکنند،

۱. شریف‌الرضی، نهج البلاغه، خ ۲۷: ۵۰.

۲. [امام] سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content-id=45639>، ۱۳۹۹/۲/۲۸.

۳. [امام] سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار نمونه بسیج سراسر کشور، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content-id=18087>، ۱۳۹۰/۹/۶.

نظام هیچگونه مسئله‌ای ندارد. بنای نظام در اینجا، جذب حداکثری و دفع حداقلی است. اما اگر کسی بامبانی نظام معارضة کند، با امنیت مردم مخالفت کند، نظام مجبور است در مقابل او بایستد.^۱ مقام معظم رهبری با اشاره به دعای چهلم صحیفه سجادیه می‌فرماید:

این کسانی که از جماعت مسلمین جدا میشوند، از جماعت کشور فاصله میگیرند، کوشش کنید اینهارا نزدیک کنید، منضم کنید. کسانی که میانه‌ی راه هستند، اینهارا به منزل مطلوب برسانید. نگذاریم با رفتار ما، با عمل ما، با اظهارات ما، با منش ما، کسانی که يك ايمان نیمه‌کاره‌ای دارند، بکلی از ایمان ببرد؛ کسانی که نیمه‌ارتباطی با نظام دارند، از نظام منقطع شوند. عکس این عمل کنیم؛ کسانی که در نیمه‌ی راه هستند، اینهارا جذب کنیم.^۲

۴. ایجاد وحدت و همدلی: با تکیه بر مشترکات دینی و فرهنگی، مدیریت عاشورایی می‌تواند به ایجاد وحدت و همدلی در میان مسلمانان و آزادی خواهان جهان کمک کند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

۱. [امام] سید علی حسینی خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech>

content-id-8033، ۱۳۸۸/۶/۲۰.

۲. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَلِّئِي بِمُحَلِّيَةِ الصَّالِحِينَ، وَأَلْبِسِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكُظْمِ الْغَيْظِ، وَإِطْفَاءِ النَّارِ، وَ ضَمِّ أَهْلِ الْقُرْبَى، وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَسَرِّ الْعَائِنَةِ، وَلَيْنِ الْعَرِيكَ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَ سَكُونِ الرَّيْحِ، وَطِيبِ الْخَالِقَةِ، وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَإِثَارِ التَّفَضُّلِ، وَتَرْكِ التَّغْيِيرِ، وَالْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحَقِّ، وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَ إِنْ عَزَّ، وَاسْتِقْلَالَ الْحَيْرِ، وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِي وَفَعَلِي، وَاسْتِكْثَارِ الشَّرِّ، وَإِنْ قَلَّ مِنْ قَوْلِي وَفَعَلِي، وَأَكْمَلَ ذَلِكَ لِي بِدَوَامِ الطَّاعَةِ، وَلُزُومِ الْجُمَاعَةِ، وَرَفْضِ أَهْلِ الْبِدْعِ، وَمُسْتَعْمِلِ الرَّأْيِ الْخَطَرِ...؛ بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست، ای خداوند، مراسمی صالحان ده و جامه پرهیزگاران: درگستردن عدل و فرو خوردن خشم و خاموش کردن آتش دشمنی و به هم پیوستن تفرقه جوینان و آشتی دادن خصمان و فاش کردن نیکی و پوشیدن عیبه‌ها و نرمخویی و فروتنی و نیک سیرتی و بیرون راندن باد غرور از سر و خوشخویی و سبقت در فضیلت و ایثار در بخشش و دم فرو بستن از عیب دیگران و ترک افضال در حق کسی که در خور افضال نباشد و گفتن سخن حق، هر چند دشوار بود و اندک شمردن نیکی‌های خود در کردار و گفتار هر چند بسیار بود و بسیار شمردن بدیهای خود در کردار و گفتار هر چند اندک بود. ای خداوند، این صفات را در من به کمال رسان به دوام طاعت خود و همسویی با جماعت مقبول و دوری از بدعت جوینان و پیروان باورهای مجعول (امام علی بن الحسین السجاد (علیهما السلام)، الصحیفه السجادیة، دعای ۲۰، قم، الهادی، ۱۳۷۶، ص ۹۲)

«وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ
بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آل
عمران: ۱۰۳)

وهمگی به ریسمان خدا [=قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ و
نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما،
الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید؛ و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از
آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت
شوید.»

۵. افزایش بصیرت و آگاهی: با مطالعه و بررسی ابعاد مختلف قیام عاشورا، می‌توان بصیرت و
آگاهی نسبت به اهداف و دسیسه‌های استکبار را افزایش داد. یکی از هدف‌های بزرگ
دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتن افکار وورها کردن اذهان
مردم و بخصوص جوانها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده‌ی این توطئه‌ی دشمن و این حرکت دشمن است و
هرکس باید چون چراغی فروزان، پیرامون خویش را از نور حقیقت روشن سازد. رهبر انقلاب بر
این باور است که اگر حقایق جامعه و انقلاب روایت نشود، دشمن آن گونه که می‌خواهد آن را روایت
خواهد کرد و از دروغ و تحریف حقایق بهره خواهد جست.^۱

جهاد تبیین، فریضه‌ای قطعی (واجب حتمی) است زیرا جدی‌ترین و اصلی‌ترین راه مقابله با دشمن
در شرایط فعلی است و در دل قطعی بودن نیز این گزاره نمایان است که در گام نهادن همه جانبه و
فوری در جهاد تبیین نباید کوچکترین تردیدی جبهه انقلاب به خود راه بدهد و حتی به نسبت برخی
دیگر از محورهای جهادی در کشور در فوریت بیشتری قرار دارد و البته دور از واقع نیز نیست که
بگویم پیروزی مؤثر در محورهای دیگر جهاد در انقلاب مثل اقتصادی، سیاسی، دیپلماسی،
نظامی و امنیتی، علمی و... منوط به پیروزی در جهاد تبیین در شرایط فعلی است.

۱. ر.ک. [امام] سید علی حسینی خامنه‌ای، بیانات در پایان مراسم عزاداری حسینی (علیه السلام)، دسترسی در:

۱۴۰۰/۷/۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48746>

فریضه بودن جهاد تبیین بدین معنا است که جایگزینی ندارد و وجودش لازم و ضروری است؛ از جمله نمونه‌های فریضه بودن جهاد تبیین، لزوم مقابله با شبهات گوناگون اعتقادی، اقتصادی و فرهنگی پیرامون اسلام و نظام اسلامی است؛ از جمله در عرصه سیاست، شبهه نفی شعار نه شرقی مطرح شده است که دلیل آن روابط نزدیک و استراتژیک ایران و روسیه است؛ در حالی که سیاست نگاه به شرق نظام اسلامی، برخاسته از الزامات و شرایط سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی ایران بوده و کاملاً درست و منطقی است. از سوی دیگر اصول روابط خارجی نظام اسلامی مبتنی بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت است. از سوی دیگر این اقدام در راستای متوازن سازی سیاست خارجی است که در گذشته از کم توجهی به قدرت‌های شرقی رنج می‌برد.^۱

قطعی بودن فریضه جهاد تبیین بدین معنا است که هیچ جایگزینی برای آن نیست و بی توجهی نسبت به آن سرمایه اجتماعی نظام اسلامی و اعتماد مردمی نسبت بدان را با خدشه و صدمات جبران ناپذیر مواجه می‌سازد. برای نمونه فقدان جهاد تبیین از سوی خواص در ایام فتنه ۸۸ موجب شد که تعدادی از بهترین فرزندان بسیجی میهن اسلامی به شهادت برسند و فتنه‌گران با بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ها و فضای مجازی، کشور را ملتهب سازند و برای نظام اسلامی بحران سازی کنند. در کشور عراق نیز فقدان جهاد تبیین و بیانیه دیر هنگام سید مقتدی صدر موجب شهادت تعداد زیادی از نیروهای امنیتی عراق شد که این مسأله به خوبی بیانگر لزوم جهاد تبیین و روشنگری در برابر هجمه‌های دشمن در کمین نشسته است.^۲

۴.۲. محور چهارم: نقش عاشورا در مبارزه با استکبار

۱. الگوی مقاومت: قیام عاشورا به عنوان يك الگوی بی نظیر مقاومت در برابر ظلم و ستم، الهام بخش مبارزات آزادی بخش در طول تاریخ بوده است: امام حسین علیه السلام. در بخشی از

۱. ر.ک. جمعی از نویسندگان، راهنمایی برای جهادگران تبیین، تهران، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۴۰۰، ص ۳۴-۳۵.

۲. خبرگزاری فارس، «سردرگمی آشوبگران حامی جریان صدر در منطقه سبز عراق»، دسترسی در:

۱۴۰۱/۸/۱۹، <https://www.farsnews.ir/news/1401060700741>.

سخنانش در روز عاشورا. فرمود: **أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَّزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السُّلَّةِ وَالذِّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مَنَا الذِّلَّةُ يَا بِي اللَّهِ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطُهِرَتْ وَأَنْفُ حَمِيَّةٍ وَنُفُوسُ أُيَّةٍ مِنْ أَنْ تُؤْثِرَ طَاعَةَ اللِّثَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ؛**^۱ هان! این حرامزاده پسر حرامزاده مرا میان دو چیز محتر کرده است: میان شمشیر و تن دادن به خواری. و هیئات که ماتن به ذلت و خواری دهیم. خدا و رسول او و مؤمنان و دامنهای پاک و مطهر [ی که مادر آن پرورش یافته ایم] و دلهای غیر تمند و جانهای بزرگمنش، این را بر مانمی پذیرند که فرمانبری از فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح دهیم.

۲. زند ننگه داشتن روحیه مبارزه: واقعه عاشورا باز ند ننگه داشتن روحیه مبارزه و مقاومت در برابر ظالمان، در طول تاریخ باعث شده است تا ملت ها هیچگاه در برابر ستم تسلیم نشوند. امام حسین (ع): **أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ، وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحَقًّا؛** آیا نمی بینید که به حق رفتار نمی شود و کسی از باطل نهی نمی کند، پس بخواهد مؤمن دیدار خدا را، در حالی که بر حق باشد.^۲

۳. نفی سلطه و استکبار: قیام امام حسین (ع) بانفی سلطه و استکبار، راه را برای مبارزه با هرگونه ظلم و ستم هموار کرد: **«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنْ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»** (نساء: ۱۴۱)؛

آنان که همواره حوادثی را برای شما انتظار می برند، اگر از سوی خدا برایتان فتح و پیروزی رسد، می گویند: مگر ما باشما [در میدان جنگ] نبودیم؟ [پس سهم ما را از غنائم جنگی پیردا زید.] و اگر برای کافران بهره ای اندک [از غلبه و پیروزی] باشد، به آنان می گویند: آیا [ما که در میان ارتش اسلام بودیم] بر شما چیره و مسلط نبودیم؟ [ولی دیدید که از ضربه زدن به شما خودداری کردیم] و شما را

۱. لهُوف، ص ۹۷.

۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱۶.

[از آسیب و زیان مؤمنان] مانع می شدیم [پس سهم غنیمت ما را بدهید]. خدا روز قیامت میان شما داوری می کند؛ و خدا هرگز هیچ راه سلطه ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است.

۴. ایجاد وحدت و همدلی: واقعه عاشورا با برجسته کردن ارزش های دینی و اخلاقی، می تواند به ایجاد وحدت و همدلی میان مسلمانان در مبارزه با استکبار کمک کند: «واعتصموا بحبلِ الله جميعاً ولا تفرقوا واذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخواناً وکنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون (آل عمران: ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)] چنگ زنید، و پراکنده و گروه گروه نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] بایکدیگر دشمن بودید، پس میان دل های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید، پس شمارا از آن نجات داد؛ خدا این گونه، نشانه های [قدرت، لطف و رحمت] خود را برای شمار روشن می سازد تا هدایت شوید.

۵. زمینه سازی برای ظهور و آرمان خواهی: فرهنگ عاشورا زمینه ساز ظهور و آرمان خواهی است؛ زمینه سازی در لغت، به معنای به وجود آوردن مقدمات انجام دادن امری است؛ یکی از انگاره هایی که پیوسته درباره انقلاب جهانی امام مهدی (عج) مطرح است، زمینه سازی برای ظهور است. منتظران و شیعیان واقعی امام زمان (عج)، نقش و مسئولیت مهم تمدنی در راستای ظهور و شکل گیری حکومت جهان گستر مهدوی دارند و به همین جهت باید با تمام توان و امکانات در بستر سازی و مقدمه چینی آن بکوشند؛ در میان نقش سپاه پاسداران بسیار برجسته است؛ سپاه با بهره گیری از ظرفیت های داخلی و خارجی خود می تواند بیش از پیش در زمینه بسیج شدن مردم در ساحت تمدنی به منظور زمینه سازی برای ظهور و تقویت آرمان خواهی در آنان بکوشد.

زمینه سازی؛ آماده کردن خود و جامعه و فراهم ساختن لوازم، عوامل و شرایط یک خیزش عمومی و جهانی و حرکت به سمت تشکیل جامعه فاضله اسلامی به رهبری مصلح کل و منجی موعود حضرت

۱. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۳۸۷۷.

مهدی (عج) است که مستلزم کار تمدنی و جهادی قوی و فراگیر است و انقلاب اسلامی ایران، می‌تواند طلیعه مبارکی برای این امر باشد.

امام خمینی (ره) در این باره معتقد است که انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام، به پرچمداری حضرت حجت. ارواحنا فداه. است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.^۱

یکی از ابعاد مهم زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت جهانی مهدوی، پاسداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و تلاش در جهت تداوم آن تا عصر ظهور است. امام خمینی قدس سره در این باره می‌گوید: «من با تأیید خداوند متعال و تمسک به مکتب پر افتخار قرآن، به شما فرزندان عزیز اسلام، مژده پیروزی نهایی می‌دهم؛ به شرط اینکه نهضت بزرگ اسلامی و ملی ادامه یابد و پیوند بین شما جوانان برومند اسلام، ناگسستنی باشد؛ و به شرط آگاهی از حیل‌های استعمارگران راست و چپ و جنود ابلیسی آن»^۲

امام معتقد است که کشور ایران با همین قدرت که تا اینجا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا اینجا رسانده است، باقی است و این نهضت و انقلاب را به رسم امانت تقدیم صاحب اصلی آن یعنی امام زمان (علیه السلام) خواهد داد.^۳

یکی دیگر از زمینه‌های تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) بالا بردن قدرت اسلام و تلاش در جهت تحقق آموزه‌های متعالی آن در سراسر زمین و تثبیت حاکمیت اسلام است. اسلام باید گسترش یابد و زیبایی‌های آن بر همگان آشکار گردد تا مقدمه‌ای شود برای پذیرش عمومی و جهانی انقلاب و حکومت مهدوی. از نظر امام خمینی ره: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است

۱. [امام] سید روح‌الله موسوی خمینی (ره)، صحیفه امام، همان، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۱۲.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۲۳۰.

و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود.^۱ رسیدن به جامعه آرمانی و موعود، نیازمند جهاد و ایثارگری است؛ امام خمینی (ره) در این باره فرمودند: «اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود، یک اشتباه است و در تمام طول تاریخ بشر، چنین معجزه‌ای روی نداده است و نخواهد داد و آن روزی که ان شاء الله تعالی مصلح کل ظهور نماید، گمان نکنید که یک معجزه شود و یک روزه عالم اصلاح شود؛ بلکه با کوشش‌ها و فداکاری‌ها، ستمکاران سرکوب و منزوی می‌شوند...»^۲

در این راستا امام خمینی قدس سره امت مسلمان ایران را به جهت جهاد، ایثارگری و فداکاری‌شان، زمینه سازان ظهور معرفی می‌کند: «سلام بر امت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت، راه ظهورش را هموار می‌کنند...»^۳

بنابراین، رسیدن به «جامعه موعود الهی» و شکل‌گیری انقلاب جهانی مهدوی، مبتنی بر یک سری عوامل، شرایط و زمینه‌ها است که باید آن‌ها را هم در جامعه جست و جو کرد، هم در درون افراد. بر این اساس هم نیاز به آگاهی بخشی و آماده‌سازی درونی افراد است و هم فراهم‌سازی مقدمات و امکانات و اسباب ظاهری و مادی و هم شکل‌گیری اراده‌ها و تلاش‌های بیرونی افراد.

کاری که انقلاب در آغاز انجام می‌دهد، ترسیم آرمان‌ها است؛ آرمان‌ها را ترسیم می‌کند. البته آرمان‌های عالی، تغییر ناپذیرند؛ وسایل تغییر پذیر است، تحولات روزمره تغییر پذیر است، اما آن اصول که همان آرمان‌های اساسی است، تغییر ناپذیر است؛ یعنی از اول خلقت بشر تا امروز، عدالت یک آرمان است؛ هیچوقت نیست که عدالت از آرمان بودن بیفتد؛ آزادی انسان یک آرمان است، آرمان‌های یعنی اینچیزها، آرمان‌ها را انقلاب تصویر می‌کند، ترسیم می‌کند، بعد آنوقت به سمت این آرمان‌ها حرکت می‌کند. حالا آرمان را ما اگر بخواهیم در یک کلمه بگوییم و یک تعبیر قرآنی برایش بیاوریم، «حیات طیبه» است که: فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً؛ اِسْتَجِیْبُوا لِلّٰهِ وَاِذَا دَعَاكُمْ لِمَا

۱. همان، ج ۸، ص ۳۷۴.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۴۴۷.

۳. همان، ص ۳۲۵.

يُحييكم؛ شما را زنده کند. دعوت پیغمبر و همه پیغمبران به حیات است؛ چه جور حیاتی؟ طبعاً حیات طیبه. رهبر معظم انقلاب درباره وفاداری مسئولان نظام به آرمان‌های انقلاب می‌فرماید: «خدا را شکر می‌کنیم که مسئولان نظام جمهوری اسلامی از آرمان‌های اسلامی و آنچه به عنوان اهداف والا برای این انقلاب و این مردم تعریف شده است، تخلف نکرده‌اند. این اهداف را همه پذیرفته‌اند و شرط خدمت به این مردم و شرط احراز مسئولیت‌های اساسی برای این مردم همین است که هر مسئولی به این اهداف والا و آرمان‌های الهی و اسلامی از بن دندان و از عمق جان معتقد باشد و در راه آن تلاش و مجاهدت کند.»^۲ رهبر فرزانه انقلاب، همچنین شعار ضدیت با ظلم، ضدیت با سلطه، دفاع از مظلومان، دفاع از ملت فلسطین و دشمنی با شبکه اختاپوسی صهیونیسم را از آرمان‌های انقلاب معرفی می‌کند.^۳

حقیقت انتظار، همان آمادگی و زمینه‌سازی است و برای زمینه‌سازی، به چیزی بیش از روایات انتظار که به برخی از آنها اشاره شد، نیازی نیست. علاوه بر اینها در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «يَخْرُجُ أَنْاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْني سُلْطَانَهُ؛ مردی از مشرق قیام می‌کند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می‌آورند.»^۴ این روایت در زمره روایاتی است که بر تأثیر عملکرد انسان‌ها در ظهور دلالت دارند؛ زیرا اساساً توطئه، به معنای تمهید و تسهیل است؛ یعنی مقدمات چیزی را فراهم کردن و تحقق آن را آسان نمودن. بنابراین بر اساس این روایت، گروهی که از مشرق خروج می‌کنند، نقش تسهیل‌کننده و تهیه‌کننده مقدمات ظهور را بر عهده دارند. زمینه‌سازی ظهور یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور به گونه‌ای که شرایط برای

۱. [امام] سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دسترسی در:

۱۳۹۴/۶/۲۵، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>

۲. [امام] سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مردم رفسنجان، دسترسی در:

۱۳۸۴/۲/۱۸، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3288>

۳. [امام] سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات در نوزدهمین سالگرد امام راحل، دسترسی در:

۱۴/۳/۱۳۸۷، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3463>

۴. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۵۱، ص ۸۷.

تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا امام بتواند حرکت خود را آغاز و حاکمیت جهانی اش را تحقق بخشد؛ چراکه در منطق قرآن، تغییر و تحول باید از درون انسان‌ها آغاز گردد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)؛ همانا خداوند سرنوشت هیچ قومی (وملّتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنان آن چه را در خودشان است تغییر دهند.

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بخشی از نامه دوم خود به شیخ مفید (ره) می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَافِعِ مَا يُحْسِنُ عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِمَا مَنَّا كَرَهُهُ وَلَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ»

اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد- در وفای به عهدی که بر عهد دارند، هم دل بودند، مبارکی دیدار ما از آنها به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار (ظهور) ما زودتر نصیب آنان می‌گشت. دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان درباره ما. پس ما را چیزی جز اعمال ناشایست آنها که انتظارش را از آنها نداشتیم، محبوس نکرده است (ظهور را به تأخیر نینداخته است).

بر پایه این روایت، عملکرد مردم در تحقق ظهور تأثیرگذار است. همچنین عبارت «على اجتماع من القلوب» احتمال ناظر بودن این توفیق شریف به بحث ملاقات رانفی می‌کند؛ زیرا اگر این توفیق، به بحث ملاقات و بیان ضابطه‌ای برای تشرف به محضر مبارک آن حضرت در عصر غیبت ناظر بود، وجهی برای تأکید بر اجتماع قلوب نبود؛ چون عنصر اجتماع قلوب طبیعه برای امری مورد نیاز است که به شکل جمعی می‌خواهد تحقق یابد، در حالی که تشرف به محضر مبارک امام، امری کاملاً فردی به شمار می‌رود و مشروط بودن تحقق این امر فردی به اجتماع قلوب، فاقد توجیه منطقی است.

تاریخ نشان داده است که تا مردم نخواهند و تلاش نکنند، حق بر جای خویش قرار نمی‌گیرد و حکومت به دست اهلش نمی‌رسد. و در صورت قیام مردم و تحقق جامعه و نظامی مبتنی بر حیات

۱. محمد بن حسن طوسی، الاحتجاج علی اهل الجاح، بیروت، دارالنعمان، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۴۹۹؛ محمد باقر مجلسی، همان،

طبیعی اسلامی که دنیا و آخرت و ماده و معنا و علم و عبادت و رفاه در آن جمع شده است، شکست واقعی را برای دشمنان جهانی اسلام رقم خواهد خورد. از این رهگذر زمینه ظهور حضرت حجت (علیه السلام) نیز فراهم می‌گردد. زیرا کشور و جامعه‌ای که مورد نظر اسلام است، باید هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی، پیشرو باشد.^۱

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، ایران اسلامی با صحنه‌ی عظیم گسترش تفکر اسلامی که خدای متعال در آیات قرآنی ترسیم کرده است - «يُظْهِرُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» - فاصله دارد؛ از این رو، برای تحقق این امر باید راه جهاد، تلاش، علم و عمل، اخلاص، صفا، ذکر و توجه به خدا، توسل به اهل بیت و زند نگه داشتن یادگارها و ارزشهای اسلامی را علاوه بر دل و ذهن در عمل نیز در پیش بگیرد؛ تا نتایج مطلوب حاصل گردد.^۲ ملت ایران در حال پدید آوردن یک تمدن است. پایه‌ی اصلی تمدن، نه بر صنعت و فناوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است. این است که همه چیز را برای یک ملت فراهم می‌کند و علم را هم برای او به ارمغان می‌آورد.^۳

۶. دشمن‌شناسی: از جمله شاخصهای فرهنگ عاشورا، دشمن‌شناسی است؛ بحث دشمن‌شناسی یکی از ارکان مهم انقلابی‌گری است، کسی که ادعای انقلابی‌گری داشته باشد، اما نتواند اتاق فکر دشمن را رصد کند و توان دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی را نداشته باشد، محکوم به شکست است. بنابراین، یکی از مهم‌ترین آگاهی‌های مورد نیاز برای همه افراد جامعه اسلامی، شناخت صحیح از دشمن است تا دچار آسیب‌های جدی نشوند. دشمن در لغت به معنی «بدنفس» و «زشت طبع» و در

۱. [امام] سید علی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم شاهرود، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content-id=3366>، ۱۳۸۵/۸/۲۰.

۲. [امام] سید علی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content-id=2604>، ۱۳۷۰/۱۲/۱.

۳. [امام] سید علی حسینی خامنه‌ای، بیانات به مناسبت حلول سال ۷۳ شمسی، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/message-content-id=2707>، ۱۳۷۳/۰۱/۰۱.

اصطلاح، آن است که نسبت به کسی گروه یا کشوری بدخواه، کینه جو و یا در جنگ و ستیز باشد.^۱ برای تصمیم‌گیری و چگونگی واکنش در برابر دشمن باید ابتدا او را شناخت به اهدافش پی برد و روش‌های او را در ضربه زدن و رسیدن به اهدافش باز شناخت همچنان که باید نقاط ضعف و قوت او را مورد مطالعه قرار داد. به مجموع این کارها دشمن‌شناسی گویند. اگر شناسایی دشمن خوب انجام نگیرد آثار منفی آن در مراحل تصمیم‌گیری و برخورد، خود را نشان می‌دهد.^۲

امام خمینی (ره) ضمن تأیید دشمن‌شناسی، به عنوان يك وظیفه مستمر می‌فرماید: «برنامه ملت ما- آن هم برنامه قلیل‌المدت- این است که دشمن را شناختند و از میدان رد کردند، حالا هم بشناسند دشمن را و از میدان ردش کنید... هر کس که مسیرش مسیر اسلام نباشد، دشمن ما است.»^۳

ایشان در مناسبت دیگری در معرفی دشمنان چنین می‌فرماید: «همه آن اشخاصی که ... برخلاف مسیر قرآن و اسلام هستند، برخلاف مسیر پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیه السلام هستند، این‌ها دارند با هم مجتمع می‌شوند و توطئه می‌کنند.»^۴

بدیهی است برای برنامه ریزی، تعیین و تدوین سیاست دفاعی در جهت صیانت از کیان نظام اسلامی، شناسایی دشمن و تهدیدهایی که از ناحیه او موجودیت ملی و دینی ما را تهدید می‌کند، امری واجب است؛ ایشان در این باره می‌فرماید: «لحظه‌ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم، در نهاد و سرشت آمریکا و شوروی، کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) موج می‌زند، باید برای شکستن امواج طوفان‌ها و فتنه‌ها و جلوگیری از سیلِ آفت‌ها به سلاح پولادین صبر و ایمان مسلح شویم.»^۵

۱. رک. سید علی اکبر قرشی، همان، ج ۴، ص ۳۰۵؛ علی اکبر دهنخدا، همان، ج ۲۳، ص ۱۲.

۲. حمید نگارش، دشمن‌شناسی از دیدگاه امام خمینی (ره)، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۶، ص ۲۹.

۳. [امام] سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، همان، ج ۷، ص ۴۵۷.

۴. همان، ج ۸، ص ۳۳.

۵. همان، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

امام خامنه‌ای در تذکر نسبت به لزوم هوشیاری در برابر دشمن و روش‌های پیچیده او، وظیفه آحاد ملت را دشمن‌شناسی دانسته و معتقد است: «ملت ایران به همان نسبت که دشمن، روش‌های خود را در توطئه علیه ایران اسلامی پیچیده‌تر می‌کند، باید بر هوشیاری و آگاهی خود بیفزایند و با آمادگی معنوی، فکری، سیاسی و حفظ وحدت و اتصال و ارتباط با یکدیگر، چهره دشمن را، در هر لباسی که هست، شناسایی کنند.»^۱

رهبر معظم انقلاب؛ دشمن را بر دو نوع درونی و بیرونی تقسیم می‌کند منظور از دشمن درونی یعنی اموری که فرصت را برای دشمن فراهم می‌آورد تا نقاط ضعف را به درون انسان نفوذ دهد و مدیریتش را به دست گیرد. رهبر معظم انقلاب درباره دشمن درونی می‌فرماید: «دشمن اول (درونی) در درون خود ماست. شاید این دشمن درونی از دشمن بیرونی خطرناک‌تر هم هست. آلوده شدن به شهوات، حرص به دنیا، دلبسته شدن به منافع فردی، مرعوب شدن از دشمنان بیرونی، مأیوس شدن از وعده الهی و تحقق آرمان‌های الهی، دشمنان درونی ما هستند.»^۲ ایشان خطر درونی دشمن که امت اسلامی را تهدید می‌کند؛ همان کج فهمی وجود و تجر، یا خود باختگی و التقات، یا نومیدی و ضعف نفس، یا تردید و وسوسه فکری و یا مجموعه‌ای از این‌ها و امثال آن می‌داند.^۳

امام خامنه‌ای در تبیین دشمن بیرونی می‌فرماید: «دشمن بیرونی عبارت است از نظام سلطه بین‌المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می‌گوییم استکبار جهانی. استکبار جهانی و نظام سلطه، دنیا را به سلطه‌گران و سلطه‌پذیران تقسیم می‌کند. اگر ملتی بخواهد در مقابل سلطه‌گران از منافع خود دفاع کند، سلطه‌گران با آن ملت دشمنی می‌کنند؛ روی او فشار می‌آورند و سعی می‌کنند مقاومت او

۱. [امام] سید علی حسینی خامنه‌ای، بیانات در سالروز تشکیل بسیج، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech>

content-id=2860، ۱۳۷۶/۹/۵.

۲. [امام] سید علی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار با مردم قم، دسترسی در: ۳۱۶۰

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content-id>، ۱۳۸۱/۱۰/۱۹.

۳. [امام] سید علی حسینی خامنه‌ای، پیام به کنگره حج، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/message>

content-id=2934، ۱۳۷۷/۱۲/۲۸.

را در هم بشکنند. این، دشمن يك ملتي است که مي خواهد مستقل و عزتمند و آبرومند و پیشرفته بشود و زیر بار سلطه گران نرود؛ این دشمن يروني است. امروز مظهر این دشمني عبارت است از شبکه صهیونیسم جهانی و دولت کنونی ایالات متحد آمریکا.^۱

همچنین در حال حاضر، کشور ما هدف جنگ ترکیبی دشمن قرار گرفته است؛ جنگ ترکیبی، به راهبرد پیچیده ای اطلاق می شود که ترکیبی از نبردهای متعارف، نامتعارف، سایبری، روانی و اطلاعاتی را در خود جای می دهد و متناسب با آن طیف گسترده ای از ابزارها را به شیوه متقارن یا نامتقارن در نبردی غیر خطی مورد استفاده قرار می دهد. ابعاد و مؤلفه های این جنگ که اصطلاحاً به آن جنگ هیبریدی می گویند، فعالیت های نظامی متعارف و غیر متعارف، جنگ تبلیغاتی و رسانه ای، جنگ اقتصادی و انواع تحریم ها جنگ سایبری، دیپلماسی و مذاکره، جنگ روانی و اطلاعاتی، تروریسم، شورش و ناآرامی اجتماعی را شامل می شود. با توجه به تنوع ابعاد و مؤلفه های جنگ ترکیبی این جنگ ها از چند ویژگی مهم برخوردارند:

۱- هم افزایی: اگرچه هر يك از ابعاد این جنگ کارکرد خاص خود را دارد، اما بهره گیری هم زمان سبب می شود که فشاری به مراتب بیشتر از تأثیر تك تك مؤلفه ها بر جامعه هدف وارد شود. در این وضعیت است که جامعه هدف دچار سردرگمی و بحران شناختی شده و به ناچار با تصمیم گیری های عجولانه و بعضاً نامناسب موفقیت دشمن را بیشتری کند.

۲- قابلیت تسری از ویژگی های دیگر جنگ ترکیبی است به گونه ای که هر کدام از مؤلفه های جنگ ترکیبی می تواند مکمل و پیش برنده اهداف مؤلفه های دیگر باشد، مثلاً آنگاه که دشمن تحریم فلج کننده اقتصادی علیه مردم ایران را اعمال می کند، هدفش ایجاد نارضایتی اجتماعی است و بنادارد از این نارضایتی برای ایجاد شورش اجتماعی استفاده کند؛ و یا هنگامی که در جنگ سایبری سیستم سوخت ایران را هدف قرار می دهد، تکرار غائله آبان ۹۸ را در نظر دارد.

۱. [امام] سید علی حسینی خامنه ای، بیانات در حرم مطهر رضوی، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۷۸>، ۱۳۸۶/۱/۱.

۳- پیچیدگی و ابهام ویژگی دیگر جنگ ترکیبی است، دشمن در این جنگ بنا دارد که با اعمال فشار حداکثری جامعه هدف را دچار سردرگمی کرده و ضمن برهم زدن نظام محاسباتی مسئولین تصمیم گیر، مردم را نیز بدون شناخت درست از منشا کاستی ها، در برابر مسئولین قرار دهد.

با توجه به این ویژگی ها و ویژگی های دیگری که مجال پرداخت به آن در این مقال نیست، جنگ ترکیبی از این منظر اهمیت پیدای کند که جامعه هدف به دلیل رویارویی و مواجه شدن با انبوهی از مشکلات دچار بحران تصمیم گیری شده و آنگاه زمینه پذیرش شکست و تسلیم او فراهم می شود، نظیر آنچه در ایران دولت گذشته دچار آن شده بود که تنها راه حل مشکلات را تمکین در برابر «کد خدا» می دید، نکته ای که اتفاقاً پمپئو وزیر خارجه دولت ترامپ هم بر آن تأکید کرده بود که دولت ایران اگر می خواهد که مشکلاتش حل شود، باید به حرف امریکا گوش کند.

از سوی دیگر در این جنگ ترکیبی دشمنان بنا دارند از برخی از زمینه های موجود نظیر تغییرات نسلی و به میدان آمدن نسل های جدید، آثار برجای مانده از کاربرد جنگ های گذشته نظیر مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم، و آگرایی های ناشی از تهاجم و شیخون فرهنگی دشمنان نسبت به ارزش های دینی و انقلابی، پیامدهای ناشی از ضعف ها و ناکارآمدی دولت های گذشته، گستردگی و نفوذ شبکه های اجتماعی و فضای مجازی و... برای پیشبرد اهداف خود استفاده کنند.

اما از آنجایی که دشمنان مردم ایران در طول ۴۳ سال گذشته همه این ابعاد را یک به یک تجربه کرده و در نقطه مقابل، مردم ایران توانسته اند هم در مقابله با تهدیدات نظامی و جنگ تحمیلی و هم جنگ نرم و براندازی از درون و هم تحریم های فلج کننده اقتصادی، به رغم آسیب ها و فشارهایی که متحمل شده اند پیروز و سربلند بیرون بیایند و دشمنان را وادار به اعتراف به شکست کنند که اعتراف اخیر مقام های امریکایی مصداق بارز آن است، با شناخت دقیق نسبت و ابعاد این جنگ ترکیبی و اتخاذ راهبرد مقابل نیز قادر خواهند بود که دشمنان را همچون گذشته ناکام گذاشته و کماکان پیروز این میدان باشند.

لازمه تحقق این امر عمل به چند نکته کلیدی است:

الف: رهبر معظم انقلاب مهم ترین راهبرد در مواجهه با جنگ ترکیبی دشمن را در بیان ایشان در روز گذشته در جمعی از فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، تهاجم متقابل دانسته و یادآور

شدند» در مقابل این تهاجم ترکیبی و دسته‌جمعی، نمی‌توانیم همیشه در موضع دفاعی بمانیم و مانیز باید در زمینه‌های مختلف از جمله رسانه‌ای، امنیتی و اقتصادی تهاجم ترکیبی کنیم که در این زمینه اهل فکر و اقدام به خصوص مسئولان، موظف به تلاش هستند.»

ب: آگاهی بخشی به مخاطبین و افزایش اعتماد به نفس آن‌ها در برابر این جنگ ترکیبی و شناختی از طریق جهاد تبیین لازمه دیگر این مواجهه است. رهبر معظم انقلاب در همین دیدار با اشاره به گسترش انواع رسانه‌ها در بسترهای مختلف، سیاست قطعی رسانه‌های معاند اسلام و ایران را تحریف واقعیت‌ها با بکار بستن دروغ‌های حرفه‌ای دانستند و افزودند: آن‌ها برای اجرای این سیاست، با بزرگ کردن چهره زشت و فاسد رژیم طاغوت و پوشاندن خیانت‌های آنها، حتی به دنبال تزئین و آرایش تصویر سراپا جنایت ساواک هستند و در مقابل، با مخدوش کردن چهره انقلاب و امام بزرگوار، پیشرفت‌ها، حقایق و نقاط مثبت انقلاب را کاملاً گتمان، و نقاط ضعف را صدها برابر بزرگ‌نمایی می‌کنند، بنابراین در مقابل این تهاجم رسانه‌ای، جهاد تبیین یک فریضه قطعی و فوری است.

ج: بازنمایی واقعیت‌های امیدبخش به شکل صادقانه و هنرمندانه برای مردم، امروز واقعیت‌های عینی ایران اسلامی در درون خود پیام امید و امیدواری را به همراه دارد به شرط آنکه این واقعیت‌ها به شکل صادقانه و هنرمندانه به مردم منتقل شود. ایجاد و تقویت مؤلفه‌های قدرت داخلی و صیانت از آن‌ها بایان کارهای بزرگ و حماسه آمیزی در طول این چند دهه در عرصه‌های گوناگون همچون اقتصادی، اجتماعی، عمرانی، آموزشی، بهداشت و درمان، صنعتی، دینی و فرهنگی، دیپلماسی و سیاسی، دفاعی و امنیتی رقم خورده است، مهم‌ترین پشتوانه برای مقابله با تهاجم ترکیبی دشمنان است.

د: اطلاع‌رسانی به موقع و حفظ ابتکار عمل در خبررسانی دقیق با تکیه بر فناوری‌های جدید اطلاعاتی، دستگاه‌ها باید برای اطلاع‌رسانی، توصیف و تفسیر رویداد به واکنش سریع مبادرت ورزند تا بتوانند خود را با رخداد‌های قابل پیش‌بینی یا غیرمنتظره تطبیق دهند. این امر مستلزم نوعی

مهندسی در حوزه اخبار است که باتکیه بر فناوری های جدید اطلاعاتی و ارتباطی، دقت و سرعت در انتشار تحقق می یابد.

و: مدیریت فضای مجازی و صیانت از آحاد مردم و به ویژه جوانان در برابر آسیب ها و چالش ها حداقل به میزانی که خود کشورهای غربی عمل می کنند و همچنین تشویق به استفاده از شبکه های بومی و تقویت آن ها گامی آغازین در این مسیر است.

ز: حساس کردن مردم به ویژه نسل جدید نسبت به عمق راهبرد دشمنان برای تغییر و فروپاشی نظام اسلامی با استفاده از مستندات تاریخی.

ح: پرهیز از انتقال حس ناامیدی به جامعه و تقویت روح امید و ایجاد باور به نتیجه بخش بودن استقامت و پایداری در ناامیدسازی دشمن.^۱

۱. عباس حاجی نجاری، سایت جوان آنلاین، «تهاجم ترکیبی و الزامات موفقیت در برابر آن»، دسترسی در:

<https://www.javanonline.ir/fa/news/1078607>، ۲۴ بهمن، ۱۴۰۱

۳. نصرت ولایت پاسخی به «هل من ناصر ينصرني» حسینی

اسداله کرد فیروز جانی

«هل من ناصر ينصرني» جمله مشهوری است از امام حسین (ع) که در دقیقه‌های آخر زندگی خود در روز عاشورا بیان فرموده است. اگر چه برخی محققان نقل می‌کنند که این جمله در آثار تاریخی به عینه وجود ندارد بلکه نقل به معنا شده است^۲ و یا جمله شبیه به این وجود دارد.^۳ به هر حال سؤال این است که اگر در حال حاضر با توجه به اینکه امام معصوم (ع) حضور ندارد؛ کسی بخواهد این سؤال و ندار را اجابت کند و پاسخ دهد؛ چه عملی باید انجام دهد و وظیفه‌اش چیست؟ پاسخ این است که باید به نصرت و یاری ولی فقیه که نایب عام امام (ع) است، پردازد و نصرت و یاری ولایت دارای الزاماتی است که در اینجا به آنها اشاره می‌شود.

۱.۳. الزامات معرفتی

الزامات معرفتی آن دسته از الزاماتی هستند که مربوط به فکر، اندیشه، شناخت و نوع نگرش انسان است و به انسان این امکان را می‌دهند که حقیقت ولایت را درک کند و راه هدایت را در پرتو ولایت دریابد که در اینجا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

الف) شناخت ولایت: یکی از الزامات مهم در نصرت ولایت، شناخت آن است. از این رو، انسان در مقام یاری ولایت، لازم است تکلیف خود را در قبال ولی امر بداند و نسبت به آن شناخت داشته باشد. عنی؛ قبل از هر چیز باید نسبت به ولایت و جایگاه و اختیاراتش و هر چیزی که با آن مربوط است، شناخت کافی داشته باشد و بداند که ولایت از شأن و جایگاه الهی برخوردار است و با دیگر حاکمان متفاوت است؛ زیرا باور و اعتقاد به ولایت و همچنین پیروی و اطاعت از آن مترتب بر شناخت و معرفت آن است. انسان تا موجودی را درست نشناسد و نسبت به آن بینش درستی

۱. آیا یآوری هست که مرا یاری کند؟

۲. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف، ۱۳۷۶، ص ۴۷۱.

۳. سید ابن طاووس، الالهوف علی قتلی الطفوف، تهران، نشر جهان، ۱۳۴۸، ص ۱۱۶.

پیدا نکند نمی تواند دریاری و نصرت آن گام بردارد.^۱ و چنین اتفاقی در صدر اسلام افتاده است و برخی از افسانه‌های به ظاهر مسلمان به خاطر عدم شناخت نسبت به ولی خدا نه تنها او را یاری نکردند؛ بلکه در جبهه مقابل او قرار گرفتند و با وی جنگیدند.^۲ با این وصف، هر حرکتی بدون شناخت و معرفت محکوم به شکست است.

امام صادق (ع) مهم ترین نیاز هر مسلمانی را شناخت امام و رهبر دینی می داند و می فرماید: «إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا بِإِمَامٍ وَمَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَأَحْجُجَ مَا يَكُونُ أَحَدُكُمْ إِلَى مَعْرِفَتِهِ إِذَا بَلَغَتْ نَفْسُهُ هَاهُنَا قَالَتْ وَأَهْوَى بِبَيْتٍ إِلَى صَدْرِهِ يَقُولُ حِينَئِذٍ لَقَدْ كُنْتُ عَلَى أَمْرٍ حَسَنٍ»^۳؛ زمین آباد و اصلاح نمی شود، مگر به وجود امام و هر کس بمیرد و امام خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است و هنگامی که هریک از شمارانفس به سینه رسد، بیشتر از هر چیز به شناخت امام نیازمندتر است، تا در این حال بگوید: به کار خوبی پرداخته‌ام.

ب) شناخت دشمنان ولایت: از الزامات مهم یاری رساندن به ولایت، شناخت دشمنان ولایت و یا ولایت‌های غیر الهی یا به بیان دیگر مطلق دشمن شناسی است. منظور از شناخت دشمنان ولایت آن است که انسان در باره اهداف، شکردها، راهبردها و حتی مبانی فکری و فرهنگی دشمنان ولایت شناخت داشته باشد و خود را برای مقابله با آنها آماده سازد. بی شک، دشمن شناسی از محوری-

۴. امام علی (ع) خطاب به کمیل می فرماید: يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةِ (حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۱۷۱) ای کمیل هیچ حرکتی وجود ندارد مگر اینکه تو در آن به شناخت و معرفت نیاز

۲. مانند خوارج در عصر امام علی (ع) و مردم کوفه در عصر امام حسین (ع)

۳. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱

۴. ولایت غیر الهی در مقابل ولایت الهی قرار دارد. این نوع ولایت همان ولایت شیطان است. خداوند متعال در قرآن می- فرماید: مَا شَاطِئِينَ رَابِرَای كَسَانِی كَه اِیْمَانِی نَمِی آورند، ولی و سرپرست قرار دادیم. (اعراف: ۲۷)

ترین مباحث در موضوع دفع تهدیدها و دفاع از يك ملت شمرده می شود.^۱ مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید:

مراقب دشمن باشید؛ دشمن را خوب بشناسید؛ مبادا از شناسایی دشمن غفلت کنید. غریبه‌هایی را که در لباس خودی خودشان را در همه جا داخل می کنند؛ بشناسید؛ دست‌های پنهان را ببینید. هیچ کس به خاطر غفلت ستایش نمی شود. هیچ کس به خاطر چشم‌ها را بر هم گذاشتن، مدح نمی شود. اگر بر آدم غافل ضربه‌ای وارد شد اول کسی که مسئول و مذموم است، خود اوست؛ مراقب باشید.^۲

شناخت درست دشمنان ولایت و پی بردن به خبائث آنها، سبب می شود انسان آنان را ولی و سرپرست خود قرار ندهد و از مکر آنان بگریزد و فقط ولایت الهی را شایسته هدایتگری و رهبری جامعه در نظر بگیرد و در نتیجه به نصرت و یاری آن پردازد. بنابراین، منظور از شناخت دشمنان ولایت این است که به شناخت روش‌های دشمنان، شناخت مبانی فکری دشمنان، شناخت عناصر داخلی دشمنان نیز پرداخته شود.

ج) درک صحیح و بهنگام مواضع ولی امر: یکی دیگر از الزامات معرفتی در نصرت ولایت، درک درست و صحیح و به موقع مواضع و دیدگاه ولی امر است. طبیعی است که ولی امر مسلمانان - چه معصوم باشد یا غیر معصوم - در رویارویی با رخدادها یا حوادث مختلف مواضعی را اتخاذ می کند که تصمیم اصل نظام تلقی می گردد؛ در این صورت بر هر انسان مدعی ولایت‌مداری لازم است؛ آگاهانه، به موقع و بدون هیچ تعصب کورکورانه‌ای آن را درک کند و از آن موضع حمایت کند.

۱. امیر المؤمنین علی (ع): «مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَتَيْتُهُ الْمَكَائِدُ» (عبدالواحد تیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۴۴)؛ کسی که در مقابل دشمنش به خواب رود (از او غافل بماند) حیل‌های (غافلگیرانه دشمن) او را از خواب بیدار می کند.

۲. سید علی خامنه‌ای، بیانات در جمع مردم مشهد مقدس، ۱۳۸۶/۱/۱، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=2&year=1386>

بنابراین، یاری رساندن به ولایت وابسته به درک صحیح و به موقع مواضع ولایت است؛ یعنی امت مؤمن، باهوش و تیزبین باید نسبت به موضع گیری های مختلف ولی امر، درک و شناخت کافی داشته باشد تا بفهمد در قبال فلان موضوع چه موضعی دارند.

۲.۳. الزامات اعتقادی

الزامات اعتقادی به آن دسته از الزاماتی اطلاق می شود که جنبه اعتقادی دارند و مربوط به باور انسان می شوند. مانند ایمان، حب، بغض و مانند آن. نکته قابل توجه اینکه این دسته از الزامات متوقف بر الزامات شناختی هستند و از آنها تأثیر می پذیرند؛ زیرا تا شناخت کافی در انسان نسبت به ولایت به وجود نیاید، باور و در نتیجه عشق به ولایت حاصل نمی شود. در این قسمت از بحث به برخی از آنها اشاره می شود.

الف) باور به ولایت و شئون آن: یکی از الزامات اعتقادی در ولایت محوری ایمان قلبی و باور به ولایت و شئون آن است. یعنی قلباً ولایت و شئون و اختیارش را پذیرفته باشد و قبول داشته باشد؛ زیرا باور به ولایت، موجب یاری رساندن و نصرت به ولایت می شود. بر اساس همین باور قلبی به ولایت بود که شهدای صدر اسلام و همچنین شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی علیه ایران جهت فرمانبرداری از ولی امرشان با اشتیاق تمام گزینه شهادت را انتخاب می کردند. اگر باور به ولایت نباشد هیچ انسان مسلمانی حاضر نیست داوطلبانه خود را قربانی فرامین و دستورات ولی امر نماید. بنابر این، در امر نصرت و یاری رساندن به ولایت، باور و اعتقاد قلبی و دلی نسبت به ولایت لازم و ضروری است.

۱. باور به مسئله ولایت فقیه در حد باور به توحید و نبوت در شمار اصول دین یا هم پای امامت، در شمار اصول مذهب دانسته نمی شود. صرف ثبوت ولایت فقیه و وجوب ایمان قلبی به آن و لزوم تعهد عملی در برابر آن، سبب نمی شود این حکم، همتای توحید، نبوت و معاد و مانند آن ها باشد. (عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه ولایت فقاها و عدالت، قم، اسراء، ۱۳۷۸، ص ۳۵۱ و ۳۵۲)

ب) محبت و عشق ورزی به ولایت: یکی از الزامات یاری رساندن به ولایت، محبت ورزیدن نسبت به ولایت است. محبت، لازمه معرفت است.^۱ یعنی انسان ابتدا باید حقیقت و ماهیت «ولی» را بشناسد و محاسن آن را درک کند وقتی معرفت کافی به دست آمد و آگاهی لازم تحصیل شد و موانعی^۲ وجود نداشت، آنگاه محبتش نیز حاصل می شود و به دل می نشیند و محبت به ولایت که محبت به همه خوبی ها و زیبایی ها است و از سنخ محبت الهی می باشد، در قلب آدمی ریشه می گستراند. نا گفته پیداست که بدون معرفت، عشق و محبت را دوامی نیست اگر هم دوام داشته باشد به انحراف کشیده می شود و منجر به غلو^۳ خواهد شد. محبت نیروی بسیار عظیمی است که اگر در حد کمال در وجود انسان یافت شود، اثر بسیار عظیمی خواهد داشت؛ به عنوان مثال کسی که محبت شخصی را به جهت آن که مظهر همه خوبی ها است در دل داشته باشد، این در حقیقت بیانگر عشق و محبت او به خوبی ها است و این عشق و محبت می تواند تمام قوا را در اختیار گرفته و به سوی محبوب اصلی که همان خداوند متعال است. سوق دهد. و این همان کمال و سعادت مطلوب انسان است. بنابراین، می توان گفت عشق و محبت الهی ناشی از ایمان به خدا و اولیای الهی است و بدون آن نیز هیچ گونه ارتباط معنوی و روحی بین انسان و ولایت برقرار نمی شود. از همین رو است که قرآن کریم می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (بقره: ۱۶۵)؛ کسانی که ایمان آورده اند، بیشترین محبت را به خدا دارند.

۱. امام صادق (ع): «الْحُبُّ فَرْعُ الْمَعْرِفَةِ» (امام صادق (ع)، مصباح الشریعة، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۱۹)

۲. در برخی از مواقع انسان نسبت به ولایت معرفت و شناخت دارد و به محاسنش نیز آگاهی کامل دارد؛ اما به خاطر موانعی مانند حب دنیا، تکبر و دیگر اعمال شرک آلود، محبت لازم حاصل نمی شود. بنابراین رفع این دسته از موانع نیز لازم است.

۳. غلو در لغت به معنای تجاوز کردن از حد و اندازه و یا خارج شدن از حد اعتدال است. (محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان عرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۳۳) اما در اصطلاح شرع به معنای افراط در دین است و آن تجاوز از حد وحی به سوی هوا و هوس و سلیقه های مختلف است؛ مانند این که پیامبران و امامان را خدا بدانند؛ مثل نصاری که به پیامبران و بزرگان خود مقام الوهیت قایل شدند. مصداق بارز غلو در دین اسلام که اگر بدون قرینه به کار برود بر آن صدق می شود، اهل غلو کسانی اند که به الوهیت ائمه (ع) به ویژه امام علی (ع) اعتقاد دارند.

از این بیان فهمیده می شود کسی که بیشترین محبت را نسبت به خدا دارد به طور قطع ولایت او را نیز پذیرفته است و کسی که ولایت خدا را پذیرفته باشد ولایت برگزیدگان او اعم از پیامبر (ص)، امامان (ع) و در زمان غیبت ولایت فقیه را نیز پذیرفته است. راز لزوم عشق و رزی و محبت به ولایت - علاوه بر مورد تأکید خداوند است و به آن سفارش کرده است^۱ - آن است که «ولی» نسبت به انسان حق حاکمیت و سرپرستی الهی دارد و اگر انسان با تمام وجود محب و عاشق او باشد هرگز برخلاف جهت او حرکت نخواهد کرد و قطعاً به یاری او می شتابد. به عنوان مثال، در مسائل اجتماعی ممکن است انسان از کسی که نسبت به او متنفر است مجبور به پیروی باشد ولی اگر آن شخص حضور نداشت و در غیاب او خیلی راحت فرمان او را زیر پا می گذارد ولی اگر عشق و محبت بین انسان و آن شخص (فرمان روا) برقرار باشد حضور و غیاب برای او معنادار و در هر شرایطی از او اطاعت خواهد کرد. پس محبت است که این کشش درونی را در فرد ایجاد می کند تا در نبود او هم از دستوراتش پیروی کند و همین، راز این مطلب است که خداوند متعال از پیامبر خود خواست که از مردم محبت اهل بیت را طلب کند و همچنین محبت اولیای الهی مانند فقیه عادل در عصر غیبت نیز همینطور است؛ زیرا آنها وارثان علوم پیامبر اند.

۳.۳. الزامات رفتاری

الزامات رفتاری نصرت ولایت از الزاماتی هستند که مربوط به رفتار و اعمال انسان می شوند. عموماً این دسته از الزامات ناشی از باور انسان هستند. مانند اطاعت کردن، دفاع کردن و غیره. به عنوان مثال اگر کسی از ولایت حقیقتاً اطاعت می کند قطعاً از او دفاع می نماید اگرچه جان خودش به خطر افتد، به خاطر آن است که او را باور دارد و به او عشق می ورزد. بنابراین اگر کسی بخواهد در مسیر نصرت ولایت گام بردارد، لازم است به الزاماتش در رفتار پایبند باشد. به همین مناسبت در این قسمت به برخی از آنها اشاره می شود.

۱. قرآن می فرماید: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (شوری: ۲۳) (ای پیامبر!) بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن اهل بیت.

الف) اطاعت از ولایت: اطاعت در مقابل کراهت و به معنای انقیاد و پذیرش فرمان است. ^۱ یکی از الزامات مهم در نصرت ولایت، اطاعت از ولایت و اجرای دستورات او است؛ زیرا تنها در پرتو اطاعت از ولایت و فرمان الهی است که انسان به سیر تکاملی خود دست می یابد. پس از معرفت و باور است که اطاعت ظهور پیدا می کند؛ زیرا با معرفت و عشق ورزی به ولایت می توان به تبعیت و اطاعت از او دست یافت. تبعیت و اطاعت از ولی امر، تجلی و نمود معرفت و محبت به او است. فرمان پذیری همراه با میل، رغبت و خضوع، از مقومات اطاعت و نصرت است؛ به گونه ای که در صورت فقدان هریک از آنها، نقیض آن - یعنی کراهت و ناخوشایندی - صدق خواهد کرد. ^۲ ب) دفاع از ولایت: یکی از الزامات نصرت ولایت، دفاع از ولایت است. دفاع کردن از ولایت در اینجا به معنای دفع شر و دفع تعرض از ولی امر است. ^۳ از آنجایی که ولایت ستون خیمه انقلاب و عامل حیات اسلام ناب است و باعث حضور همراه با بصیرت مؤمنین در همه صحنه های دفاع از نظام و انقلاب است؛ دشمنان، بیشترین حملات خود را متوجه آن می نمایند و تلاش می کنند به هر وسیله ای که شده قداست، نفوذ و اقتدار ولی امر را بشکنند و زمینه را برای استعمار و استثمار بیشتر مسلمانان و امت انقلابی فراهم سازند و اینجا است که ضرورت دفاع از ولایت ظهور و بروز پیدا می کند و مؤمنین ولایت محور، به اهمیت ولایت پی برده و نصرت و دفاع از او را، دفاع و حمایت از دین، خدا، انقلاب و حفظ نظام و کشور تلقی می کنند و با تمام وجود و با بصیرت و شجاعت و قاطعیت تمام از او دفاع می نمایند. در این زمینه آیات و روایت فراوانی وجود دارند که به نمونه ای از آنها اشاره می شود.

۱. قرآن در رابطه با دفاع از پیامبر (ص) به مردم توصیه می کند و می فرماید: «مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ» (توبه: ۱۲۰) «سزاوار نیست

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۰۹.

۲. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزاره الثقافه والارشاد الاسلامی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۷۷.

۳. ر.ک. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۹۶۲۲.

۴. ر.ک. ابن شعبه الحرانی، تحف العقول، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۴۳۸.

که اهل مدینه و کسانی از اعراب بادیه نشین که اطراف آنها هستند، از پیامبر خدا جدا شوند و برای حفظ جان خویش از جان او چشم‌پوشند.

نکته قابل توجه اینکه اگر در این آیه به اهل مدینه اشاره شده است به خاطر این است که مدینه در آن زمان کانون گسترش اسلام بود و این توصیه هیچ اختصاصی به محل مخصوص یا شخصیت خاصی ندارد؛ بلکه این پیام به همه مسلمانان در هر زمان و مکان است که باید از ولی امرشان دفاع کنند و در شرایط سخت او را تنها نگذارند.^۱

۲. امیر المؤمنین علی (ع) آن گروهی که از ولایت دفاع می‌کنند را ستایش کرده می‌فرماید: «أَنْتُمُ الْأَنْصَارُ عَلَى الْحَقِّ وَالْإِخْوَانِ فِي الدِّينِ وَالْجُنْحَنِ يَوْمَ الْبَأْسِ وَالْبُطَانَةُ دُونَ النَّاسِ بِكُمْ أَضْرِبُ الْمُدْبِرَ وَأَرْجُو طَاعَةَ الْمُقْبِلِ»^۲؛ شما یاران حق و برادران دینی من هستید. در روز جنگ چون سپر محافظ دور کنند ضربت‌ها و در خلوت‌ها محرم اسرار منید باکم! شما پشت‌کنندگان حق را می‌کویم و به راه می‌آورم و فرمانبرداری استقبال‌کنندگان را امیدوارم.

ج) استقامت و پایداری در مسیر ولایت: از الزامات رفتاری نصرت ولایت استقامت و پایداری است بدین معنا که در مسیر یاری از ولایت و تحقق بخشیدن فرمان ولی امر، باید در مقابل هر مشکلی ایستادگی و استقامت کرد و در راه تحقق هدف، همچون کوهی استوار بود و هیچ مانعی نتواند انسان را از حرکت باز دارد. استقامت و پایداری از جمله کلید واژه‌های مهم ولایت محوری است که در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) به آن تأکید شده است. راز تقید به استقامت و پایداری در این مسیر آن است که ممکن است در این مسیر به خاطر عواملی برای انسان، جاذبه‌ای برخلاف نصرت ولایت، حاصل شود که بر اثر آن ناگهان مسیر را عوض کند و از محور ولایت خارج گردد. به همین خاطر قرآن بر استقامت و پایداری پای می‌فشارد و می‌فرماید: «فَاسْتَقِمُّ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» (هود: ۱۱)؛ پس همان گونه که فرمان یافتی استقامت کن، همچنین کسانی که با توبه سوی خدا آمدند (باید استقامت کنند).

۱. عبدالله حاجی صادقی، ولایت محوری، ص ۱۳۵

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، خ ۱۱۸، ص ۱۷۵.

از آنچه گذشت به دست می‌آید که اگر کسی در زمان حاضر بخواهد به ندای «هل من ناصر ینصرونی» امام حسین (ع) در چندین قرن پیش لبیک گوید، باید ولی فقیه زمان یعنی آیت الله العظمی امام خامنه‌ای را نصرت دهد و او را یاری کند و از فرمان او اطاعت کند و اطاعت از ولایت فقیه نیز دارای الزاماتی همچون الزامات معرفتی، اعتقادی و رفتاری است که با وجود آنها می‌توان به یاری ولایت شتافت و او را یاری نمود.

۴. آزادگی و عزت حسینی (ع) در مقابل زیاده‌خواهی استکبار جهانی

علیرضا صداقت

مقدمه

قیام امام حسین (ع) در کربلا، نمایی بی‌نظیر از آزادگی و عزت‌مداری در برابر زیاده‌خواهی و سلطه‌طلبی دشمنان بود. هدف این نوشتار، تبیین الگوی عزت‌مداری حسینی برای جامعه امروز است تا در برابر زیاده‌خواهی‌های نظام‌های استکباری، راه مقاومت و پایداری را بیاموزیم.

۱.۴. مفهوم آزادگی و عزت‌مداری در سیره امام حسین (ع)

۱-۱. تعریف آزادگی از دیدگاه امام حسین (ع)

امام حسین (ع) در کلمات خود به روشنی مفهوم آزادگی را بیان کرده‌اند: «هیئات من الذلة؛ هرگز تن به ذلت نمی‌دهیم».

۲-۱. مؤلفه‌های عزت‌مداری حسینی:

عدم سازش با ظلم: حتی در سخت‌ترین شرایط

ایثارگری: گذشتن از جان برای حفظ ارزش‌ها

صداقت: روشن‌گری در برابر فریب‌کاری دشمن

پایبندی به اصول: ثبات قدم در مسیر حق

۲.۴. زیاده‌خواهی دشمنان امام حسین (ع)؛ تحلیل رفتاری یزید و اطرافیان

۱-۲. انگیزه‌های سپاه یزید

بررسی انگیزه‌های لشکر عمر سعد نشان می‌دهد که زیاده‌خواهی محرک اصلی آنان بوده است:

طمع قدرت: وعده‌های حکومتی یزید

حرص مالی: طلا و پول به عنوان مزد کشتن امام حسین (ع)

ترس از دست دادن موقعیت: وحشت از توبیخ یزید

۲-۲. نمونه‌های زیاده‌خواهی در واقعه کربلا:

حرکت از کوفه به کربلا: تعقیب امام حسین (ع) برای اطمینان از نابودی ایشان

بستن آب بر اهل بیت (علیهم السلام): استفاده از تشنگی به عنوان سلاح
 - حمله به خیمه ها: تجاوز به حریم خانواده شهدا

۳.۴. تقابل دو مکتب: عزت در مقابل ذلت

۱-۳. جدول مقایسه ای دو جبهه

مؤلفه	جبهه امام حسین (ع)	جبهه یزید
انگیزه	الهی و معنوی	مادی و دنیوی
روش مبارزه	شفاف و اخلاقی	فریب و حيله
پایان کار	شهادت با عزت	مرگ با ذلت (نابودی امویان)
یادگار تاریخ	الگوی جاویدان	نماد شرم ساری

۲-۳. تحلیل روان شناختی دو طرف

- امام حسین (ع) و یاران: آرامش درونی ناشی از ایمان
 - سپاه یزید: اضطراب و ترس از آیند

۴.۴. درس های کاربردی برای امروز

۱-۴. مقاومت در برابر استکبار جهانی

امروز نیز قدرت های زیاده خواه مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی با همان منطق یزیدی می خواهند ملت ها را به تسلیم وادارند. راه مقابله، پیروی از مکتب عزت مداری حسینی است.

۲-۴. نمونه های معاصر

- مقاومت فلسطین: پایداری در برابر اشغالگران

مقاومت یمن: ایستادگی در برابر ائتلاف سعودی

ملت ایران: مقاومت در برابر تحریم‌ها

نتیجه‌گیری

الگوی حسینی نه تنها کهنه نشد، بلکه هر روز کاربردهای جدیدی در مبارزه با ظلم پیدای کند. امام حسین (ع) به بشریت آموخت که زیاده‌خواهی دشمنان همیشه با عزت‌مداری حق‌طلبان شکست می‌خورد. همان‌گونه که شهادت امام (ع) باعث سقوط امویان شد، مقاومت امروز ملت‌های مستضعف نیز سرانجام به پیروزی می‌انجامد.

«إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ؛ زندگی، عقیده و جهاد است.»

۵.۴. آزادی حسینی در تقابل با زیاده‌خواهی استکبار جهانی: تحلیل مصادیق معاصر

مقدمه: الگوی جاودانه عاشورا در جهان امروز

قیام امام حسین (ع) در کربلا تنها یک رویداد تاریخی نیست، بلکه نقشه راهی است برای همه آزادی‌خواهان جهان در برابر نظام‌های سلطه‌گر. امروز همان تقابلی که در صحرای کربلا رخ داد، در اشکال مدرن در سراسر جهان تکرار می‌شود. در ادامه به بررسی مصادیق عینی نظام‌های یزیدی زمانه پرداخته می‌شود.

بخش اول: ویژگی‌های نظام‌های یزیدی معاصر

۱. آمریکا؛ امپراتوری مدرن یزیدی

اشتراکات با حکومت یزید:

* ادعای رهبری جهان (همانند ادعای خلافت یزید)

* استفاده از زور برای تحمیل اراده خود

* نقض سیستماتیک حقوق بشر در گوانتانامو و زندان‌های مخفی

نمونه‌های عینی:

* تحریم‌های ظالمانه علیه ایران که مصداق محاصره اقتصادی کربلاست

* ترور سردار سلیمانی که یادآور شهادت حضرت عباس (ع) است

۲. رژیم صهیونیستی؛ یزیدزمانه

مقایسه تطبیقی:

* محاصره غزه (همانند محاصره آب در کربلا)

* کشتار کودکان فلسطینی (مانند شهادت حضرت علی اصغر (ع))

* تخریب خانه ها و آواره سازی (مشابه به آتش کشیدن خیمه ها)

آمارهای تکان دهنده:

* از هفتم اکتبر، بیش از ۱۴ هزار کودک در نوار غزه جان خود را از دست داده اند.

* ۲ میلیون فلسطینی در غزه تحت محاصره کامل

* ۷۷ سال اشغالگری و جنایت سازمان یافته

بخش دوم: مقاومت های حسینی در جهان معاصر

۱. مقاومت اسلامی فلسطین

حزب الله لبنان:

* عملیات های شهادت طلبانه علیه متجاوزان

* ساخت موشک های دقیق با کمترین امکانات همانند سپاه ۷۲ نفره امام حسین (ع)

* شعار "کل یوم عاشورا، کل ارض کربلا"

جهاد اسلامی فلسطین:

* عملیات های استشهادی به عنوان آخرین سلاح مظلومان

* استفاده از راکت های ساده در برابر جنگنده های پیشرفته

* فرهنگ شهادت طلبی در میان جوانان

۲. مقاومت در یمن

انصار الله یمن:

* مقاومت در برابر ائتلاف سعودی-آمریکایی

* ساخت موشک‌های بومی با وجود محاصره
* الگوگیری از تاکتیک‌های غیرمتقارن
- آمار مقاومت:

* هفت سال مقاومت در برابر ائتلاف چهارده کشور
* ۳۰۰ هزار شهید دینی

* شکست پروژه عربستان در یمن
بخش سوم: مکانیزم‌های مدرن زیاده‌خواهی
۱. جنگ نرم فرهنگی
- تهاجم فرهنگی غرب:

* ترویج فرهنگ ابتذال همانند میگزاساری یزید
* حمله به ارزش‌های دینی
* تغییر سبک زندگی اسلامی
- ابزارهای جنگ نرم:

* شبکه‌های اجتماعی
* فیلم‌ها و سریال‌های هالیوودی
* مؤسسات آموزشی تحت نفوذ

۲. تحریم‌های اقتصادی
- تحریم به عنوان سلاح مدرن:
* محاصره اقتصادی ایران مشابه محاصره کربلا
* محدودیت‌های دارویی و غذایی

* فشار بر مردم عادی
- آمار تحریم‌ها علیه ایران:
* بیش از ۱۵۰۰ مورد تحریم

* خسارت ۱۰۰۰ میلیارد دلاری

* تأثیر ۸۰ میلیون نفر

بخش چهارم: راهکارهای مقابله به سبک حسینی

۱. اقتصاد مقاومتی

.خودکفایی در تولید:

* رشد علمی علی رغم تحریم‌ها

* پیشرفت در فناوری‌های حساس

* توسعه کشاورزی و صنایع غذایی

.دستاوردهای ایران:

* رتبه چهارم جهان در نانو تکنولوژی

* خودکفایی در واکنش سازی

* رشد صادرات غیر نفتی

* پیشرفت صنعت هسته‌ای

۲. مقاومت فعال

.استراتژی موشکی:

* بازدارندگی با قدرت موشکی

* توسعه پهپادهای پیشرفته

* تشکیل محور مقاومت

.دستاوردهای نظامی:

* موشک‌های بالستیک با برد دو هزار کیلومتر

* نفوذ در عمق سرزمین دشمن

* ایجاد ترس در دل دشمنان

نتیجه‌گیری: پیروزی نهایی حق بر باطل

همان گونه که شهادت امام حسین (ع) باعث سقوط امویان شد، مقاومت امروز ملت ها نیز سرانجام به پیروزی می انجامد. مقام معظم رهبری می فرمایند:

«امروز آمریکا همان یزید زمان است و ملت ایران ادامه دهند راه حسین (ع)،

تقابل حق و باطل در هر زمان شکلی متناسب با شرایط به خود می گیرد، اما ماهیت آن همان ماهیت همیشگی است. امروز وظیفه ما این است که با الگوگیری از قیام امام حسین (ع)، در برابر زیاده خواهی های نظام سلطه ایستادگی کنیم.

۵. عزاداری اثر بخش؛ بصیرت آفرین و برانگیزاننده در مکتب حسینی

علیرضا صداقت

طرح مسئله:

چرا برخی عزاداری ها تنها به سوگواری سطحی محدود می شوند، در حالی که امام حسین (ع) فرمود: "إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا... إِلَّا طَلَبًا لِلْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي؛ من برای اصلاح امت جدم قیام کردم؟"

سؤال اصلی: چگونه می توان عزاداری را به يك حرکت آگاهي بخش، انقلابي و تغيير دهنده تبدیل کرد؟

۱.۵. تعريف، عزاداری اثر بخش، از نگاه دینی و علمی

- مؤلفه های عزاداری کارآمد:

- بصیرت افزایی (تدیین اهداف قیام عاشورا در مقابل تحریف ها)؛
- انگیزش عملی (تبدیل اشك به اقدام، مانند كمك به مظلومان)؛
- اجتماعی سازی (تبدیل هیئت ها به كانون های مردمي خدمت رسان).
- تفاوت عزاداری سنتی و عزاداری تحول آفرین:
- مثال: مقایسه هیئت های سیاسی- اجتماعی با مراسم های صرفاً احساسی.
- شاخصه های عزاداری اثر بخش:

- محتوا محوری: استفاده از مضامین عمیق عاشورایی مانند عدالت خواهی، شهادت طلبی و مقاومت؛
- روش های نوین: بهره گیری از هنر، تکنولوژی و شیوه های جذاب برای نسل جوان؛
- پیوند با زمانه: ارتباط دادن درس های عاشورا با مسائل روز جامعه (مانند مبارزه با استکبار جهانی).

عزاداری برای امام حسین (ع) و شهدای کربلا، یکی از بارزترین نمودهای فرهنگی- مذهبی جوامع شیعی است. این آیین ها نه تنها به عنوان يك سنت دینی، بلکه به عنوان ابزاری برای انتقال ارزش ها، ایجاد بصیرت و انگیزش فردی و اجتماعی عمل می کنند. اما پرسش اصلی این است که

چه نوع عزاداری‌هایی می‌توانند بیشترین تأثیر را در افزایش آگاهی دینی، سیاسی و روحیه ظلم‌ستیزی داشته باشند؟ این پژوهش با هدف بررسی شاخصه‌های عزاداری اثربخش و نقش آن در بصیرت‌آفرینی و انگیزش انجام شده است.

عزاداری اثربخش به آیین‌هایی اطلاق می‌شود که علاوه بر حفظ جنبه‌های سنتی و عاطفی، بتوانند بینش دینی و انگیزه عمل را در مخاطبان تقویت کنند. عزاداری باید به گونه‌ای باشد که مردم را از «گریه بی عمل» به «عزاداری آگاهانه و حرکت ساز» سوق دهد.

۲.۵. الگوهای تاریخی عزاداری‌های اثرگذار

- نهضت‌های انقلابی که از عاشورا الهام گرفتند؛
- قیام مختار ثقفی (شعار "یا ثارات الحسین" به عنوان محرک مبارزه)؛
- انقلاب اسلامی ایران (استفاده امام خمینی (ره) از عزاداری محرم برای بیداری مردم)؛
- جنبش‌های مقاومت در لبنان و فلسطین (هیئت‌های حزب الله و تشیع‌های پرشور شهدا).
- نقش زنان بصیر در عزاداری‌های اثرگذار؛
- حضرت زینب (س) در کربلا (تبدیل عزابه ابزار افشاگری)؛
- بانوان انقلابی ایران مانند مادران شهدا که هیئت‌ها را به مدرسه تربیت تبدیل کردند.

۳.۵. آسیب‌شناسی عزاداری‌های غیر اثربخش

- تحریف‌های رایج در عزاداری‌های امروزی؛
- تأکید صرف بر جنبه‌های عاطفی بدون انتقال پیام‌های سیاسی عاشورا؛
- رواج خرافات مانند داستان‌های غیر مستند درباره وقایع کربلا؛
- تجمل‌گرایی در مراسم (تبدیل هیئت‌ها به مجالس نمایشی).

۴.۵. راهکارهای طراحی عزاداری بصیرت‌آفرین

- محتواسازی هوشمند؛
- استفاده از شعرها و مداحی‌های مبتنی بر معارف عاشورا مانند اشعار آیینی شهریار و حمید سبزواری؛

- برگزاری پنل‌های تحلیل سیاسی پس از مراسم عزاداری؛

- پیوند عزاء و عمل؛

- اختصاص بخشی از هزینه هیئت‌ها به حمایت از خانواده‌های شهدا و محرومان؛

- سازماندهی کاروان‌های جهادی در ایام محرم مانند طرح‌های "محرم خدمت"؛

- روش‌های نوین تبلیغ؛

- تولید کلیپ‌های انیمیشنی آموزشی برای نسل جوان

- استفاده از فضای مجازی برای انتشار پیام‌های عزاداری هشتگ‌هایی مثل

#عاشورا_تنها_عزا_نیست.

- عمق بخشی به مفهوم «عزاداری اثر بخش»:

عزاداری اثر بخش صرفاً یک مراسم سوگواری نیست، بلکه یک سامانه تربیتی است که باید با اهداف زیر طراحی شود:

- تربیت فردی: تقویت ایمان، تقوا و روحیه ایثار در افراد.

مثال: شرکت در مراسم محرم باعث کاهش گرایش به گناه و جرم به خصوص در جوانان می‌شود.

- تحول اجتماعی: ایجاد روحیه جمعی برای مقابله با ظلم مانند نهضت‌های ضد استعماری.

مثال: تأثیر هیئت‌های مذهبی در انقلاب اسلامی ایران یا مقاومت مردمی فلسطین.

۵.۵. جزئیات شاخصه‌های بصیرت‌آفرینی

بصیرت در عزاداری به معنای توانایی تحلیل وقایع عاشورا و تطبیق آن با شرایط کنونی است. این امر نیازمند:

الف) محتوای غنی: استفاده از خطبه‌های امام حسین (ع) مانند خطبه مناکه به ظلم ستیزی و امر به معروف تأکید دارد.

ب) روش‌های نوین انتقال پیام:

- تکنیک‌های روایت‌گری: روایت داستان‌های شهدای معاصر مانند شهید حججی در قالب مداحی.

مثال: استفاده هیئت‌های دانشجویی از کلیپ‌های ترکیبی (عاشورا + جنگ سوریه، فلسطین) برای نشان دادن ادامه راه حسین (ع).

پ) مشارکت فعال مخاطب:

- طراحی پرسش و پاسخ‌های تعاملی در پایان سخنرانی‌ها.

مثال: برخی هیئت‌ها از اپلیکیشن‌های نظرسنجی استفاده می‌کنند تا مخاطبان سؤالات خود درباره عاشورا را پرسند.

۵.۶. مکانیسم‌های انگیزشی در عزاداری

عزاداری باید بتواند از احساس به عمل گذر کند. این تبدیل با مکانیسم‌های زیر ممکن می‌شود:

الف) الگوسازی رفتاری:

- معرفی شخصیت‌های مکمل عاشورا مانند حضرت زینب (س) به عنوان نماد مقاومت؛

- الگوسازی از شهدا: معرفی شهیدان معاصر به عنوان ادامه دهندگان راه حسین (ع).

ب) ایجاد حس مسئولیت‌پذیری:

- پیوند زدن شعارهای عاشورا (مانند "هیئات منا الذله") به دشمنان امروزی.

مثال عملی: پویش‌های مردمی مثل "هر حسینی یک یزید دارد" که به مبارزه با استکبار اشاره دارد.

پ) استفاده از هنرهای تجسمی:

- نقاشی‌های دیواری با مضامین عاشورایی در اماکن عمومی.

ت) عوامل انگیزشی در عزاداری:

- روایت‌گری حماسی: نقل حوادث عاشورا با نگاهی الهام‌بخش به جای صرفاً احساسی؛

- پروژه‌های عمل محور: مانند کمک‌های مردمی در ایام محرم که روحیه همدلی را تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

- عزاداری حسینی زمانی اثر بخش است که:

- ذهن‌ها را بیدار کند؛ افشای ظلم امروز مانند جنایت‌های رژیم صهیونیستی؛

- دست‌ها را به حرکت وادارد (همراهی با جبهه مقاومت یا محرومان)؛

-پیشنهادهات:

-تشکیل کمیته‌های علمی در هیئت‌ها برای نظارت بر محتوای مداحی‌ها.

-الگوبرداری از هیئت‌های تراز انقلاب اسلامی.

جمع‌بندی

عزاداری اثر بخش مانند یک داروی ترکیبی است که باید هم عاطفه، هم عقلانیت و هم اراده را بیدار کند. برای دستیابی به این هدف، نیاز به همکاری علما، هنرمندان و جامعه‌شناسان داریم تا آیین‌های عاشورایی را از حالت مناسک صرف به مدرسه‌ای برای ساختن انسان‌های آگاه و مسئول تبدیل کنند.

عزاداری حسینی اگر بصیرت، عمل و اخلاص داشته باشد، می‌تواند تولیدکننده تمدن اسلامی باشد، نه فقط یک آیین گذرا! یا حسین (ع).

۷.۵. فلسفه عزاداری

بی تردید فلسفه سوگواری امام حسین علیه السلام از فلسفه قیام ایشان جدا نیست. همان عاملی که موجب شد، امام حسین علیه السلام قیام کند و شهادت را با افتخار بپذیرد، دلیل و فلسفه‌ای برای اقامه سوگواری ایشان است. اگر آن حضرت برای زنده نگه داشتن اسلام، دفاع از آموزه‌های دینی و اقامه امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد، سوگواری برای آن حضرت نیز باید ابزاری برای تحقق و ترویج آموزه‌های دین مبین اسلام، اقامه عدل و امر به معروف و نهی از منکر باشد. بنابراین، محافل و مجالس سوگواری

که این اهداف را دنبال نکرده، چنین خواسته‌هایی را برآورده نکنند و محتوا و جهت‌گیری درست نداشته باشند، با اهداف حسینی سازگار نیستند.

شناخت فلسفه سوگواری امام حسین علیه السلام نخستین گام، در راه تأمین اهداف بلند این سنت مهم و سرنوشت ساز است؛ زیرا سوگواری بدون شناخت نه تنها ارزشمند نیست؛ بلکه چه بسا به اهداف اصلی این حرکت الهی ضرر برساند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «ما مِنْ حَرَكَةٍ الا وَاَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا اِلَى الْمَعْرِفَةِ؛ هیچ حرکتی نیست مگر این که تو در آن به شناخت نیاز داری»^۱

زیرا محافل و مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام، زنده نگه داشتن اندیشه اهل بیت علیهم السلام و یادکرد فرهنگ آنان است. از این رو، می توان مواردی را فلسفه برای سوگواری آن حضرت شمرده که مهم ترین آنها عبارت اند از:

۱. مبارزه با جهل و نادانی

اصلی ترین فلسفه قیام و شهادت امام حسین علیه السلام و یاران با وفایش، مبارزه با جهل است. ایشان در صدد بودند با این روش و برای حاکمیت ارزش های انسانی و اسلامی زمینه سازی کنند. امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید: «وَبَدَلٌ مُّجْتَهٍ فَيْكَ لِيُسْتَفْتَدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ؛ خونس را به خاطر تو بدل کرد تا بندگان را از جهالت و سرگردانی و گمراهی بیرون آورد»^۲

۲. نشر و انتقال فرهنگ شیعی

محافل سوگواری با قالب و محتوای مناسب، بهترین روش برای تعلیم و تربیت نسل جدید، آشنایی آنان با گفتار، کردار و فضایل اهل بیت علیهم السلام و آموزه های دین مبین اسلام است؛ زیرا توانمندی های قیام امام حسین علیه السلام و نیز کارکردهای تربیتی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مجالس سوگواری ایشان در رشد و بالندگی انسان و جامعه نقش بسزایی دارد. از سویی، این گونه محافل یکی از مهم ترین ارکان فرهنگ و جامعه شیعی است که این فرهنگ با مراسم سوگواری به نسل بعد منتقل می شود. محافل سوگواری فرصتی است ارزشمند تا الگوهای کامل معرفی شوند و زمینه استفاده از آموزه های ارزشمند فرهنگ عاشورا برای نسل آینده رقم بزنند.

۳. زنده نگه داشتن مکتب اسلام و تجدید بیعت با ائمه علیهم السلام

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۱.

۲. ابن جعفر محمد بن حسن شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۱۳، ح ۲۰۱؛ علی بن موسی سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۱۰۲.

اگر به هدف قیام حضرت امام حسین علیه السلام توجه کنیم درمی یابیم مهم ترین هدف آن حضرت زندگداشتن مکتب اسلام بوده است. از این رو، فلسفه تأکید فراوانی بر اقامه سوگواری و پاداش هایی که برای آن دیده شده است، مشخص می شود و به گفته شهید مطهری: «تکالیف شرعی بدون حکمت نیست، منظور این نبوده که همدردی و تسلیتی باشد برای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، بلکه مقصود این است که داستان کربلا به صورت یک مکتبی تعلیمی و تربیتی همیشه زندگیمان باشد.» که از این رهگذر به حفظ دین، بسط عدالت، آزادگی و رهایی از ستم یاری برساند. افزون بر این، روی دیگر سکه این است که عزاداران در آیین های عاشورایی آرزوی حضور در کربلا را اعلام و ویژگی جمعی آرمانی را که باید با تمام وجود آماده تبعیت از امام خود و همراهی او باشد، آشکار می کند گرچه ما توفیق حضور و همراهی نداشتیم، می توانیم با آن حضرت عهد ببندیم که همانند یاران باوفای ایشان، امام زمان خویش را یاری کنیم.

امام باقر علیه السلام در بیانی نورانی در توصیف این اجتماعات و فلسفه سوگواری می فرماید: «فَإِنَّ فِي إِجْتِمَاعِكُمْ وَمُذَاكِرَتِكُمْ أَحْيَاءُنَا وَخَيْرُ النَّاسِ مِنْ بَعْدِنَا مَنْ ذَكَرَ بِأَمْرِنَا وَدَعَا ذِكْرَنَا؛ به درستی که در گرد آمدن شما و سخن گفتن شما زندگه داشتن ما است و بهترین مردم پس از ما کسی است که ما را در یادها قرار دهد و امر ما را در آن محافل مطرح کند و مردم را به سوی اهل بیت بخواند.»^۱ در فرمایشی دیگر امام صادق علیه السلام بر این امر تأکید کردند که پیش از این آمده است. با توجه به این فرمایش ها، برگزاری مجالس به یاد خاندان رسالت، احیای برتری های آنان است و اهل بیت علیهم السلام نیز این گونه محافل را دوست دارند. امام رضا علیه السلام می فرماید: «مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛ هر کس در مجلسی بنشیند که در آن امر ما احیای شود، دلش در روزی که دل های میروند، نمی میرد.»^۲ امام صادق علیه السلام می فرماید:

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ۴۷۶.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۵۴.

۳. امالی، ص ۷۳، مجلس هفدهم.

«تَزَاوَرُوا وَتَلَاقُوا وَتَذَاكُرُوا أَمْرًا وَأَحْيَا»؛ به دیدن یکدیگر بروید و همدیگر را ببینید، و امر را به یاد دارید و زند و زند نگاه دارید.^۱

علامه مجلسی در تفسیر کلمه امر توضیح داده که مراد از «امر ائمه» امامت و دلایل امامت ائمه علیهم السلام، فضیلت ها، صفات، نقل آثار، یاد آوری علوم و احیای دانش آنان با نوشتن و نقل کردن است به گونه ای که مانع از فراموش شدن گردد.

براین اساس اصل تشکیل جلسات ذکر، حدیث خوانی، منقبت خوانی، مقتل خوانی و نقل معارف اهل بیت علیهم السلام، موجب زند شدن و زند ماندن فکر و فرهنگ سازند شیعی است.

۴. حرکت در مسیر کمال طلبی و انسان سازی

وقتی سوگواری همراه با معرفت باشد، سبب شکوفایی معنویت است. یاد آوری برتری ها و مناقب و آرمان های اهل بیت علیهم السلام آدمی را به سمت الگوگیری و الگوپذیری از آنان سوق می دهد.

حضور آگاهانه در مجالس سوگواری بذریعۀ محبت و فضیلت را باروری سازد و انگیزه لازم برای دریافت فضیلت ها را در افراد ایجاد می کند. افزون بر این، اشکی که نشانه ای از اهداف امام داشته باشد، عامل نجات است. از منظر قرآن کریم، مراسم سوگواری از شعائر الهی است که تعظیم آن نشانه تقوا است: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲). شرط ورود در صف عزاداران امام حسین علیه السلام آمادگی قلبی است، پرهیزکاران در این مصیبت عزاداری شوند.

محافل سوگواری امام حسین علیه السلام احیای اندیشه اسلامی، آموزه ها و معارف دینی است و روشن است که یاد آوری اهل بیت علیهم السلام که نمونه های انسان کامل بودند، زند نگه داشتن ارزش هاست. ارزش هایی که می توان با آنها در مسیر کمال و انسان کامل گام برداشت. برای پی بردن به راز تأکید زیاد ائمه علیهم السلام به سوگواری و پاداش های مقرر شده برای آن، درک فلسفه

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۷۵، باب التراحم والتعاطف؛ مرآت العقول، ج ۹، ص ۵۰.

سوگواری امام حسین علیه السلام مهم است؛ زیرا راز این همه تأکید و اهتمام به سوگواری، در فلسفه آن نهفته است.

۵. ایجاد وحدت

اگر مراسم پر شکوه حج، گرد آورنده مسلمانان از فرقه ها و ملل مختلف جهان است، مراسم عزاداری سبب می شود که پیروان امام که از نژادهای مختلف و بایندیش های متفاوت هستند، یک دل شوند.

۶. عبرت گیری و بصیرت افزایی

وقتی در یادآوری واقعه کربلا، ظلم ها، انحرافات و منکرات آن روزگار تدبیر می شود، ذهن شنوندگان به جامعه خویش معطوف می گردد و آن را مورد توجه قرار می دهد، و با مقایسه عصر خود با آن روزگار در صدد برمی آید که اگر حکومتی حسینی دارد، در حفظ آن بکوشد و اگر حاکمی ظالم بر مسند نشسته، در برابر آن بایستد. مردم عزادار عبرت می گیرند که اگر یار پیشوای خویش و تابع امر ولایت نباشند، چه بر سر جامعه و مبانی دینی خواهد آمد و درس آموزنده دیگری این که چگونه در مقابل باطل و فساد بایستند و از مبارزه با طاغوت نهراسند و بدانند آنچه باقی می ماند، حماسه ای در پر تورنگ الهی است.

۷. هدایت مردم

رسالت تمامی پیامبران الهی هدایت مردم است. هدایت با حرکت دادن انسان از ظلمات به سوی نور و از جهل به علم انجام می پذیرد. از سوی دیگر عقل انسان به تنهایی نمی تواند هدایتگر او باشد. عقل می تواند نگرش انسان را قوی سازد، اما جهت و سوی نگرش و بسیاری از مسائل دینی و حقیقی جهان اگر چه مخالف عقل نیست، در حیطه و حوزه ادراک عقلی نیز نیست. این سوی و جهت نگرش و همچنین تأکید بر ادراکات عقلی توسط پیامبران الهی صورت می پذیرد. قیام امام حسین (ع) (به منظور جهت دادن به مردم صورت گرفت، زیرا وقتی مشاهده کرد که مردم در هیاهوی تبلیغاتی دشمنان و حاکمان فاسق دچار سرگردانی شده اند، حاضر شد خون خود را در راه خدا بدهد تا مردم از حیرت ضلالت و گمراهی به سوی حقیقت نور هدایت شوند. مجالس عزاداری

امام حسین (ع) نیز همین رسالت را، دارا هستند که در جهانی که نظام های سرمایه داری، با ترویج فرهنگ خویش دست و پای انسان ها را با غل و زنجیر شهوت و هواهای نفسانی بسته است، و سبب خلا معنویت در زندگی امروز انسان شده مجالس حسینی باعث بیداری و رهایی انسان از قید شهوت ها گردد. آنچه در این مجالس رخ می دهد، چیزی جز معنویت و جلا دادن به روح های خسته نیست.

۶. شناساندن انسان کامل

آنچه بیشتر در مجالس حسینی یاد می شود اوصاف و صفات و اهداف قیام آن حضرت است. از این رو مخاطب این مجالس در می یابد که حسین انسان کامل و وارسته ای است که نه به سبب هوای نفس و یا از روی لهو و لعب، بلکه برای اصلاح امت و انسانیت جان خود را در طبق اخلاص گذاشت. بدین سان یاد آوری آن حضرت و یارانش سبب الگوسازی برای انسان هایی می شود که سرگذشت او را می شنوند. اگر مجالس عزاداری به صورت صحیح برگزار شود، سبب می گردد که الگوهای ناب از الگوهای بی ارزش شناخته شود و به گونه ای موجب استحکام ارزش های الهی در جامعه گردد، بنابراین خاطره امام و یاوران با وفایش تکرار تاریخ را متذکر می شود و وفاداری و شناخت و الگو قرار دادن انسان کامل، پیامد این مجالس است.

۹. ایجاد معنویت در جامعه

مهمترین اثری که بر برگزاری مجالس عزاداری مترتب است، این است که جامعه انسانی که در پی مشکلات خویش از معنویت و صفای باطن دور گشته است، لااقل برای مدتی حال و هوای دیگری بیابد و شیعیان در مدتی از زمان در جوی از معنویت و صفا قرار می گیرند و سبب زنده سازی و احیای دل و تقویت ترس و امید به رحمت الهی می گردد تا در پی آن جامعه به سوی اصلاح و سازندگی معنوی و مادی ناب به پیش رود. بنابراین آنان که به درستی و با خلوص نیت به عزاداری می پردازند، پس از گذشت و تکرار این معنویات، شخصیتی خدایی پیدا می کنند و بینش و معنویت آنان رشدی غیر قابل انکار، پیدا خواهد کرد. کجکاو و نوجوانان در باره برگزاری این مراسم، و دریافتن آنان، دلیل برگزاری مراسم سوگواری و در نتیجه رسیدن به اهداف امام حسین (ع) و شناخت شخصیت آن حضرت، بدون اراده، تأثیری عمیق در دل خواهد گذاشت. اگر نظر

روان شناختی به انسان بیفکنیم، خواهیم دید دو عامل عمل در رفتار آگاهانه ما مؤثرند: ۱. عامل شناخت و معرفت: وقتی انسان مطلبی را بفهمد و بپذیرد، قطعاً شناخت در رفتار او تأثیر بسزایی خواهد گذاشت و عملی ماندگار خواهد بود که مبتنی بر شناخت حقیقی باشد. ۲. عامل احساسات و تمایلات: شاید عامل دیگری که در رفتار ما بیشتر از شناخت تأثیر دارد، عامل انگیزه و به تعبیر دیگر احساسات، تمایلات، گرایش ها و میل ها باشد. هرگاه رفتار انسان ها را تحلیل می کنیم در می یابیم که عامل اصلی در برانگیختن انسان نقش اساسی داشته است که عامل انگیزه و تمایل و احساسات است. بعد از شناخت حرکت سید الشهداء (ع) و نقش مهم آن در سعادت انسان ها، متوجه می شویم که تنها شناخت، حرکت آفرین نیست، اما به یاد آوردن آن خاطره در مراسم سوگواری ما را به پیمودن راه آنان و الگو قرار دادن آنان و امی دارد. برای روشن شدن اثر تجسم در عمل به این نکته دقت کنیم: وقتی خداوند به موسی فرمان داد: (وواعدنا موسی ثلاثین ليله) اراده و وعده خدا این بود که موسی سی شب در کوه طور با خدا مناجات کند و لی دوباره با جمله (واتمناها بعشر)، ده روز دیگر به آن افزوده شد. مردم از این ده روز خبر نداشتند و سامری از این فرصت استفاده کرد و آن گوساله را ساخت و مردم را به پرستش آن دعوت کرد و گفت: (هذا الهکم و اله موسی) این خدای شما و موسی است، بسیاری از بنی اسرائیل به حرف های هارون گوش نکردند و در مقابل گوساله سجد نمودند. خداوند به موسی وحی کرد که در میان قومت چنین واقعه ای رخ داده است. بعد از گذشت ده روز موسی برگشت و تادید مردم گوساله می پرستند، عصبانی شد. به گونه ای که الواح را به کناری پرتاب کرد: (والقی الالواح و اخذ برأس اخیه یجره الیه) الواح را به کناری انداخت و سر برادرش - هارون - را گرفت و با عصبانیت به سوی خود کشید و او را بازخواست کرد: چرا اجازه دادی مردم گمراه شوند؟ منظور توجه به این نکته است، وقتی وحی آمد که ای موسی قومت گوساله پرست شده اند، آثار غصب در او ظاهر نشد، اما زمانی که بازگشت و دید که آنان گوساله می پرستند، برآشفته و نتوانست تحمل نماید. مراسم سوگواری سبب گریستن و باعث تحریک احساسات می شود، به گونه ای که دانستن و خواندن چنان اثری ندارد. بنابراین تنها بحث و بررسی عالمانه واقعه عاشورا نمی تواند،

نقش عزاداري را ايفا کنند، بلکه بايد در اجتماع صحنه‌هايي به وجود آيد که احساسات مردم را تحريك نمايد.

سید رضی سیدنژاد

«مقاومت و پایداری» و «جانفشانی در راه دین و ارزش‌های دینی» از مسائلی است که همواره در دین مبین اسلام به ویژه مکتب تشیع، توجه ویژه‌ای به آن شده است؛ مقاومت، ریشه همه فضیلت‌ها و محور تمام خوبی‌هاست و همه راه‌های کمال به سوی آن ختم می‌شود و مهم‌ترین چیزی است که دین و دیانت آن را اقتضا، و شریعت آن را لازم می‌داند. بدون استقامت سیر به سوی مقاصد مطلوب هرگز میسر نمی‌شود و امکان رسیدن انسان به آن چه که شایسته اوست ممکن نمی‌گردد. جامعه اسلامی برای داشتن زندگی شرافتمندانه و حفظ اصالت و استقلال و ایجاد امنیت برای مال و ناموس و عرض خود بایستی در مقابل دشمن، سرسختانه ایستادگی کند و از کیان خویش پاسداری نماید. عزت و شرف و پیروزی و غلبه بر دشمن تنها در سایه استقامت امکان‌پذیر است. خداوند متعال در قرآن کریم استقامت را از نیکی‌ها و افراد ثابت قدم و با استقامت در میدان کارزار را از نیکوکاران دانسته است (ر.ک. بقره: ۱۷۷). قرآن ثمره مقاومت در راه خدا را پیروزی و سعادت ابدی معرفی کرده، می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (احقاف: ۱۳-۱۴)؛ کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوه‌گین می‌شوند. آنها اهل بهشتند و جاودانه در آن می‌مانند؛ این پاداش اعمالی است که انجام می‌دادند.»

واقعیت این است، ضامن بقا و دوام دین چیزی جز صبر و استقامت در دفاع از حق و حقیقت نیست و پیروزی و بهروزی جز در سایه صبر و استقامت به دست نمی‌آید. شیعیان در طول تاریخ با درک این حقیقت و باتاسی به سیره اهل بیت (ع) به این ندای حق پاسخ دادند؛ در زبان و عمل، خدا را پذیرفتند و در پر تو امامت و رهبری معنوی و گاهی ظاهری اولیای خدا، باینش عمیق و تقوای لازم پایداری

کردند، تاپای دار رفتند و از پای ننشستند و این سان اسلام راستین را پایدار ساختند. آنها در طول تاریخ به خاطر پایداری‌های خویش، بیشترین دردها و زخم‌ها را به جان و دل خریدند و چه بسا که آماج حملات و دسیسه‌های دشمنان قرار گرفتند اما چون نجات خود و مکتب‌شان را در ثبات قدم و پایداری می‌دیدند، هیچ‌گاه دست از مقاومت برنداشتند و با این که بارها از آتش فتنه دشمنانشان سوختند اما مقاوم تر از قبل از میان انبوهی از خاک و خاکستر بالیدند و اوج گرفتند تا جایی که امروز تشیع، به خاطر ایستادگی و استواری‌اش، نماد «استقامت و پایداری»، و شیعه منادی «مقاومت» برای طرفداران حق و حقیقت است.

بی‌شک امروز نیز که دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی از تمامی امکانات مادی و انسانی خود برای به زانو درآوردن نظام اسلامی استفاده می‌کنند و می‌کوشند نظام اسلامی را تحت سخت‌ترین و شدیدترین فشارها قرار دهند، بهره‌مندی از این اصل استراتژیک می‌تواند بهترین و کارآمدترین راهکار و استراتژی برای برون رفت از این پیچ تاریخی و مقابله با تهدید، تهاجم و تجاوز دشمن باشد. حقیقتی که امام خامنه‌ای (مدظله العالی) درباره آن می‌فرماید: «راه پیروزی در این چالش و رویارویی میان نظام جمهوری اسلامی و طواغیت جز «ایستادگی همراه با ایمان و باور به خود و باور به راه خود» نیست؛ باید راه را باور داشته باشیم: «آمن الرسول بما أنزل الیه من ربّه و المؤمنون کلّ آمن بالله» عنی آحاد مؤمنین به این راه، دست به دست هم بدهند و ایستادگی کنند؛ ایستادگی نشان بدهند. این راه پیشرفت و پیروزی است. اگر این کار را بکنند، پیروزی قطعی است. ما این را در طول این بیست و هفت سال تجربه کرده‌ایم. در میدان‌های گوناگون، آنجایی که حرف خودمان را باور داشته‌ایم و پای آن حرف ایستاده‌ایم، آنجا پیش رفته‌ایم. در دفاع مقدس همین پیش آمد؛ در حفظ اساس این نظام مقدس، همین پیش آمد؛ در پیشرفت روز به روز، بلکه ساعت به ساعت کشور در زمینه‌های مختلف، همین پیش آمد است.^۱ «امروز ما احتیاج به استقامت داریم... استقامت کردن در مقابل فریب‌ها و تهدیدهای دشمن، هنر بزرگی است که اگر یک ملت این هنر را داشته باشد، آن وقت

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، 18/7/1385.

به قله می‌رسد. به جایی که دیگر دشمن فایده‌ای در تهدید نمی‌بیند و مجبور است با او بسازد و یا در مقابل او تسلیم شود.^۱

۱-۶. نهضت عاشورا جلوه مقاومت و جانفشانی

تجسم واقعی مقاومت و ایستادگی برخاسته از عمق ایمان و معنویت را می‌توان در نهضت سیدالشهدا (ع) مشاهده کرد طوری که تمام لحظات و صحنه‌های این حماسه ماندگار و لحظه به لحظه حماسه آفرینان عاشورا درس مقاومت و ایستادگی است. در بیان جلوه‌های مقاومت و پایداری سالار شهیدان، امام حسین (ع) همین بس که در روز عاشورا، آن چنان در میان آن همه شدائد، چهره بر افروخته‌ای داشت که حمید بن مسلم می‌گوید: «وَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مَكْثُورًا قَطَّ قَدْ قُتِلَ وَلَهُ وَاهْلُ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابُهُ أَرْبَطُ جَأْشًا وَلَا أَمْضَى جَنَازَةً مِنْهُ...»^۲ سوگند به خدا هرگز مرد مغلوب و گرفتاری را ندیدم که فرزندان، خاندان و یارانش کشته شده باشند، در عین حال دلاورتر و مقاوم‌تر از حسین (ع) باشد. او با شمشیر بر دشمنان حمله شدید می‌کرد و آنها از هر طرف مانند روبهانی که از حمله شیر می‌گریزند، فرار می‌کردند، آن حضرت به آنها که سی هزار نفر بودند حمله می‌کرد، آنها همچون ملخ‌های پراکنده در پیش رویش پراکنده می‌شدند، سپس امام حسین (ع) به مرکز خود بازی گشت و می‌فرمود: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»^۳.

سخنان امام حسین (ع) و یارانش، و استقامت آنها در یک جنگ کاملاً نابرابر، و قاطعیت و صلابت آنها هر کدام صدها درس مقاومت به ما می‌آموزد و نشان می‌دهد که امام و دست پروردگانش دارای عالی‌ترین روحیه فداکاری و ایثار و نیروی مقاومت بوده‌اند. ایشان از ابتدا، نیروهای را به همراهی طلبید که مقاوم باشند؛ زیرا او به خوبی می‌دانست که در مواجهه با دشمن احتمال هرگونه خطری از قبیل زخم و جراحت و قتل و اسارت و... وجود دارد و برای رویارویی با این همه مصائب نیاز به روحیه پایداری است لذا حضرت در یکی از منزلگاه‌های میان راه فرمود: «إِيهَا النَّاسُ! فَمَنْ كَانَ

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۱۳۸۵/۱/۶.

۲. محمد بن محمد بن نعمان (مفید)، الإرشاد، قم کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۱۱.

۳. علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران، نشر مطهر، ۱۳۷۷، ص ۱۴۴.

مِنْكُمْ يَضْرِبُ عَلَى حَدِّ السَّيْفِ وَطَعْنِ الْأَسِنَّةِ فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَلَا فَلْيَنْصَرِفْ عَنَّا؛ ای مردم! هر کدام از شما که تحمل تیزی شمشیر و زخم و ضربت نیزه‌ها را دارد همراه ما بماند، والا باز گردد.

نقل شده، شب عاشورا، اباعبدالله (ع) همه اصحاب خود را در خیمه‌ای جمع کرد و برای آخرین بار اتمام حجت نموده، به آنها فرمود: «هدف اینها فقط من هستم، اگر به من دست یابند به هیچ کس از شما کاری ندارند. شما می‌توانید از تاریکی شب استفاده کنید و همه بروید. تا این جملات را فرمود هر کدام از اصحاب شروع به سخن گفتن کردند. اول کسی که به سخن درآمد حضرت ابوالفضل العباس (ع) بود. یکی گفت: آقا اگر مرا بکشند و بعد بدنم را آتش بزنند و خاکستر مرا به باد دهند و مرتبه زند کند و هفتاد بار چنین کاری را تکرار نمایند دست از تو بر نمی‌دارم این جان ناقابل ما قابل قربان تو نیست. دیگری گفت: اگر هزار بار مرا بکشند و زند کنند دست از دامن تو بر نمی‌دارم.^۲

در میدان نبرد و مجبوحه جنگ نیز، یاران سیدالشهدا (ع) با الگوگیری از ایشان، شعار مقاومت و ایستادگی سر داده، همدیگر را به مقاومت و ایستادگی دعوت می‌کردند و این به خوبی در رجزهایی که آنها می‌خواندند منعکس شده است. برای نمونه، سعد بن حنظله در جنگ نمایانی که با دشمن داشت در رجز حماسی خود می‌گوید:

صَبْرًا عَلَى الْأَسِيفِ وَالْأَسِنَّةِ صَبْرًا عَلَيْهَا لِدُخُولِ الْجَنَّةِ
وَحُورٍ عَيْنٍ نَاعِمَاتٍ حَسَنَةٍ لِمَنْ يُرِيدُ الْفَوْزَ لَا بِالظَّنَّةِ
يَانَفْسُ لِلرَّاحَةِ فَاحْمَدْنَهُ وَفِي طَلَابِ الْحَيْرِ فَارْغَبَنَّ

«در برابر شمشیرها و نیزه‌ها، صبر باید کرد. صبر بر آنها برای ورود به بهشت و رسیدن به حوریان سیمین پیکر. نه این که باید به تلاش اندک اکتفا کرد. ای نفس برای آسایش ابدی بکوش و در طلب خیر راغب باش.»^۳

۱. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینایع الموده، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق، ص ۴۰۶.

۲. مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۳۷۴.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۱۸.

این‌ها جلوه‌هایی از مقاومت سیدالشهدا و اصحاب اوست و گرنه سراسر نهضت عاشورا مملو از این مضامین و صحنه‌های مقاومت است که اگر بخواهیم همه را بیان کنیم به قول معروف «مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود». اما ضروری است در فرصت‌های مناسب، این جلوه‌ها برای آحاد جامعه اسلامی تشریح گردد تا علاوه بر اشکی که بر مظلومیت شهدای کربلا ریخته می‌شود، منش آنها الگو و نقشه راه قرار گیرد. باشد که سعادت دنیوی و اخروی را رقم بزند؛ چنان که جرعه‌ای از این مقاومت و ایستادگی در جریان انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و نیز دوران دفاع مقدس بروز کرد و همان صحنه‌های عاشورایی را در ایران اسلامی و جبهه‌های نبرد عینیت بخشید و عزت و اقتدار را برای ملت و نظام اسلامی به ارمغان آورد.

۲-۶. عوامل استقامت و پایداری سیدالشهدا (ع) و اصحابش

در این که چه عوامل و موجباتی سیدالشهدا (ع) و اصحابش را به این درجه از مقاومت و استقامت رسانیده بود، به طور اختصاری توان به عوامل زیر اشاره کرد:

الف. ایمان آگاهانه

استقامت و جانفشانی ریشه در ایمان به خدا دارد و از آبشخور توحید آب می‌گیرد و جان می‌یابد. تا وقتی ایمان و یقین به حق نباشد، استقامت و جانفشانی حقیقی جلوه نمی‌کند؛ زیرا حقیقت استقامت و جانفشانی در خانه توحید است و اطمینان باطنی و ثبات قدم واقعی جز با تکیه به خدا و یاد او حاصل نمی‌شود. تنها در سایه ایمان به خداست که انسان می‌تواند در همه حال مقاوم باشد، به گونه‌ای که در برابر شداید و سختی‌ها محکم بایستند و هرگز آرامش درونی خود را از دست ندهد و مضطرب نشود و نیز در راحتی‌ها و خوشی‌ها پایدار بماند و هرگز خود را نبازد و از راه به در نشود. اگر توحید در خانه وجود نشیند و انسان به چشم حقیقت بین امور را ببیند، آن‌گاه در مصیبت‌ها و سختی‌ها آرامش خود را حفظ می‌کند و در برابر هوا و هوس‌ها استوار می‌ایستد و در میدان‌های مبارزه استقامت می‌ورزد البته نباید از این نکته مهم غافل ماند که هر ایمان و اعتقاد سطحی موجب استقامت و پایداری نمی‌شود، بلکه آن ایمان و آیدای که عمیق و آگاهانه باشد دارای چنین اثری است؛ یعنی در اعماق روح و جان انسان نفوذ کرده باشد و او را به پایداری و استقامت در برابر ناملایمات فراخواند.

در دعا‌های وارد شده از امام زین العابدین (ع) آمده است: «خدا یا بر محمد و آلش رحمت فرست و دل‌م را برای محبت خود فارغ و به یاد خویش مشغول کن، و به ترس و هراس خود از در افتادن به پرتگاه هوانگه دار، و به رغبت به سوی خود نیر و مند کن، و به فرمانبرداری ات متمایل ساز... و فرارم را به سوی تو و رغبتم را در آن چه نزد تو است قرار ده، و دل‌م را در جامه رمیدگی از اشرار خلق خود بپوشان، و انس و الفت با خود و دوستان و اهل طاعتت را به من ارزانی دار»^۱

اگر انسان به این مرتبه از توحید و یقین دست یابد، صبر و استقامت را در همه مراتبش می‌یابد، و اگر مقاومت از توحید آب نخورده باشد، تکلف است و تظاهر به صبر؛ زیرا انسان جز با انس به حق و اتصال به دریای توحید، مقاوم - در معنای درست کلمه - نمی‌شود.^۲

رمز پایداری و ایستادگی ائمه معصومین (ع) و اصحابشان در کارزارهای حق و باطل نیز ریشه در این حقیقت دارد؛ زیرا تا انسان مومن به خدا نباشد و مواضع حق را شناسد، پایداری و ثبات قدم در حق بس دشوار، بلکه ناممکن خواهد بود. لذا استقامت گسترده‌ی امام حسین (ع) و یاران باوفایش بیانگر ایمان و صف ناپذیر آنان است. حضرت در لحظه‌های آخر عمر در مناجاتش با خدا از صبر و اسقامت می‌گوید و عرضه می‌دارد: «الهی رِضاً بِرِضَاکَ، صَبْرًا عَلٰی قَضَائِکَ»^۳ خدایا! راضی به رضای تو هستم و در برابر قضای تو صبر می‌کنم.

ب. یاد خدا

منظور از یاد و ذکر خدا، یاد کردن خداوند با قلب و زبان است.^۴ به این بیان که انسان باید، همواره در همه احوال به یاد خدا باشد و او را حاضر و ناظر بر رفتار، کردار و گفتار خویش بداند. یاد خدا از بهترین اعمال و خوی نیکوکاران و مایه شرافت، رستگاری و نشانه ایمان و بندگی و بعد معنوی

۱. امام علی بن الحسین (ع)، صحیفه سجاده، قم، الهادی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۲.

۲. مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی (منطق عملی)، تهران، نشر دریا، ۱۳۸۳، ص ۷۱۶-۷۱۲.

۳. محمد صادق نجمی، سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰، ص ۳۲۵.

۴. ر.ک. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، بیروت، دارالشامیه، ۱۴۱۲ق، ص ۳۲۹.

حیات انسان است، که در قرآن بدان سفارش شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (احزاب: ۴۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید».

پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّ خَيْرَ أَعْمَالِكُمْ عِنْدَ مَلِكِكُمْ وَأَزْكَاهَا وَأَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَخَيْرَ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ، ذِكْرُ اللَّهِ سُجْدَانَهُ وَتَعَالَى فَإِنَّهُ أَخْبَرَ عَنْ نَفْسِهِ فَقَالَ أَنَا جَلِيسُ مَنْ ذَكَرَنِي؛ بدانید، که بهترین اعمال شما نزد خداوند و پاکیزه‌ترین و والاترین آنها در مراتب شما و بهترین چیزی که آفتاب بر آن تایید، ذکر خدای سبحان است؛ زیرا خدای تعالی از خودش خبر داده و فرموده است: «من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند».

ذکر و یاد خدا، چه در دل و چه بر زبان، عامل تقویت روح مقاومت و زداینده‌ی یأس و غفلت و غرور است. در واقع ذکر و یاد خدا بر مقاومت انسان در سختی‌ها و گرفتاری‌های افزایش می‌دهد. چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (انفال: ۴۵)؛ ای مؤمنان چون در میدان نبرد با گروهی (از دشمن) روبه‌رو شدید، مقاوم باشید و بسیار خدا را یاد کنید، شاید درست‌گار شوید».

عاشورای حسینی مظهري از «ذکر خدا» است. عاشورائیان از عمق وجود خدا را باور داشتند و بر زبان‌شان نیز یاد خدا جاری بود و در عمل نیز حق و حقیقت را رها نکردند و رضایت معبود خویش را کسب نمودند. اما طرف مقابل یزیدیان چون از اعتقاد قلبی به خدا بر خوردار نبودند، زبان و عملشان نیز بایکدیگر تفاوت داشت. گرچه به ظاهر و لقلقه‌زبان خدا را یاد می‌کردند و برای خدعه و ریا، نماز و دعای خواندند، ولی در قلب و عمل از یاد خدا غافل بودند و برخلاف آنچه به ظاهر می‌گفتند، عمل می‌کردند و از دستور خدا تخلف و از ارتکاب هر عمل زشت و خلاف فرمان خدا و رسول پرهیز نداشتند.

امام حسین (ع) در طول راه، در شب و روز عاشورا، قبل از جنگ و هنگام جنگ در آخرین لحظه‌های حیات، پیوسته به یاد خدا بود و حمد و تسبیح و ذکر خدا را بر لب می‌راند. حتی در خطبه‌های

۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۹۰، ص ۱۶۳.

حماسی که برای یاران خویش یا برای بیداری و هشدار خطاب به سپاه دشمن داشت، یکی از محوری‌ترین موضوع‌هایی که مطرح می‌کرد خدا، قیامت، بهشت و جهنم و... بود؛ به خصوص در لحظه‌های بحرانی و شدید روحی، یاد خدا، قوت قلب و عامل ثبات آن حضرت بود. آن گاه که پس از شهادت همه‌ی یاران و همراهان تنها ماندن بود و خیمه‌های اصحاب خویش را خالی می‌دید، این ذکر را بسیاری گفت: «لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم»^۱.

در خطبه‌ای که شب عاشورا برای اصحاب خویش ایراد فرمود به حمد و ثنای الهی، شکر و ستایش و یاد او پرداخت و حمد را در حال شادمانی و غمگینی از آن خداوند دانست. حتی در تقدیر از اصحاب خویش فرمود که شما با وفاید، بلکه به خداوند عزوجل عرض کرد «اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَعْرِفُ أَهْلَ بَيْتِ أَبَرٍّ وَلَا أَزْكَى وَلَا أَطَهَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَلَا أَصْحَابًا هُمْ خَيْرٌ مِنْ أَصْحَابِي»^۲؛ خدایا، من اهل بیتی نیک‌تر و پاک‌تر از اهل بیت نمی‌شناسم و نیز همراهان و اصحابی بهتر و باوفا تر از اصحاب خویش سراغ ندارم.

نامه‌هایی که امام حسین (ع) به اهل کوفه و بزرگان شیعه نوشته است، اغلب حاوی ذکر خدا و اوصاف پروردگاری است. در طول راه با شنیدن خبرهای ناگوار از داخل کوفه، به ویژه خبر شهادت «مسلم بن عقیل»، باز هم ذکر خدا را مایه‌ی آرامش خویش قرار می‌داد: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۳.

در روز عاشورا، وقتی تیر بر قلب آن حضرت نشست و خون جاری شد، سربه آسمان برداشت و با خدا چنین زمزمه کرد: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى مَا يُضْنَعُ بَوْلَدِ نَبِيِّكَ»^۴؛ بار الها! تو شاهدی که در حق فرزند پیامبرت چه فاجعه‌ای به وجود آوردند.

نقل شده امام و یاران او، شب عاشورا را تا صبح به نماز و قرآن و ذکر خدا پرداختند و از تکیه‌گاه خدایی برای نبرد عاشورا، مدد گرفتند. عشق به نماز و نیایش و تلاوت قرآن و استغفار و دعا در دل

۱. علی بن موسی بن طاووس، همان، ص ۱۴۵.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۴۴، ص ۳۱۶.

۳. لوط بن یحیی ابو مخنف کوفی، وقعه الطف، قم، جامعه مدرسین، ۱۷۴۱ق، ص ۱۷۶.

۴. همان، ص ۳۲۱.

امام آن چنان بود که به برادرش عباس گفت: «ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُؤَخِّرَهُمْ إِلَى غَدٍ وَتَدْفَعَهُمْ عَنِ الْعِشْيَةِ لَعَلَّنَا صَلَّى لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ وَنَدْعُوهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي كُنْتُ قَدْ أَحْبَبْتُ الصَّلَاةَ لَهُ وَتِلَاوَةَ كِتَابِهِ وَكَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَالِاسْتِغْفَارِ؛^۱ به سوی آنها برگرد و از این گروه بخواه تا نبرد را به فردا بیندازند و امشب به تأخیر افتد، باشد که به نماز و دعا و استغفار پردازیم. خدای داند که من پیوسته علاقه به نماز و تلاوت آیات الهی داشته‌ام.»

به شهادت تاریخ، شب عاشورا از خیمه اصحاب امام حسین (ع)، آوای مناجات و زمزمه دعا و تلاوت به گوش می‌رسید. به نقل دیگر، زمزمه‌ی نماز و نیایش و تضرع و صدای خواندن قرآن، از خیمه‌های اصحاب همچون کندوی زنبور عسل به گوش می‌رسید.^۲

ظهر عاشورا نیز وقتی ابوثمامه وقت نماز را به یاد او آورد، حضرت نگاهی به آسمان کرد و فرمود: «ذَكَرْتُ الصَّلَاةَ، جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الذَّاكِرِينَ؛ نَعَمْ، هَذَا أَوَّلُ وَقْتِهَا؛^۳ نماز را به یاد آوردی؛ خداوند تورا از نمازگزاران و ذاکران قرار دهد. آری اینک اول وقت نماز است... از اینان بخواهید تا دست از جنگ بردارند تا نماز بگزاریم.»

حضرت یاد خدا را مایه‌ی آرامش همراهان نیز، قرار می‌داد. شب عاشورا، وقتی حضرت زینب (س) را نگران و پریشان دید، او را متوجه بقا و جاودانگی خداوند ساخت تا بداند که جز ذات پروردگار همه رفتنی هستند و فرمود: «يَا أُخْتَاهُ اتَّقِي اللَّهَ وَتَعَزَّيْ بِعَزَاءِ اللَّهِ وَاعْلَمِي أَنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ يَمُوتُونَ وَأَهْلَ السَّمَاءِ لَا يَبْقَوْنَ وَأَنَّ كُلَّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى.»^۴

پ. اخلاص و انگیزه الهی

اخلاص و خدایی بودن نیت و انگیزه، در هر کاری مطلوب و ارزش آفرین است، به خصوص در مسائل مبارزاتی که زمینه هوای نفس و انگیزه‌های مادی و جاه طلبانه و قدرت جویی یا انتقام‌گیری

۱. همان: ۳۹۲.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۴۴، ص ۳۹۴.

۳. لوط بن یحیی ابو مخنف کوفی، همان، ص ۲۲۹.

۴. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۴۵، ص ۳.

بیشتر است و به عنصر اخلاص، نیاز بیشتری است. کسی که برای خدا قیام کند، همه همتش عمل به تکلیف و کسب رضای الهی است. بنابراین نه کمی نفرات، در اراده اش خلل ایجاد می کند و نه شکست ظاهری او را مأیوس و بدبین می سازد. «قیام لله»، توصیه و موعظه الهی است، آنجا که می فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرَادَى (سبأ: ۴۶)؛ بگو شما را به يك چیز موعظه می کنم: اینکه دو تا دو تا و به تنهایی برای خدا قیام کنید».

اگر در يك مبارزه این انگیزه باشد، تضمین بیشتری برای ادامه مبارزه تا نهایت توان و تا پایان عمر است و حتی در تنهایی و بی یابوری و کمی امکانات هم تکلیف را از خود ساقط نمی داند و با باطل سازش نمی کند و تا آخرین نفس مقاومت و ایستادگی می کند. رمز ایستادگی و مقاومت حضرت سیدالشهدا و یارانش را باید در اخلاص و انگیزه الهی آنها جست و جو کرد. هیچ حادثه ای در تاریخ اسلام صفا و پاکی و پالایش کربلا را ندارد. به گواهی تاریخ، در تمام جنگ های صدر اسلام اندك ناخالصی ها و گاه نقطه های تاریکی از نفاق، دنیاخواهی و خودخواهی را می توان یافت. سست عنصران در گرم نگرم نبرد صحنه راه های کردند و یاب به امید «زر»، سر را از خطری ربودند و یا از ترس جان، پیامبر یا امام را تنهای گذاشتند. احد گواه تلخ دنیاخواهی و خندق (احزاب) نشان روشن هراس و ترس در لحظه های دشوار و خطر خیز (رویاری با عمرو بن عبدود) است.

اما آنانی که در عاشورا ماندند و عارفانه جان باختند، از هر تردید، تزلزل، دودلی و سستی رها بودند. اباعبدالله آنان را از صافی ها گذراند، راه را برای برگشتن گشوده و بیعت را از دوش همگان برداشته بود تا هر کس سر «دیگری» دارد، سر خود گیرد و از کربلا بیرون رود. در واقع آنچه مهم ترین عامل ماندگاری نهضت عاشورا در طول قرون و اعصار است، جوهره اخلاص در نهضت عاشورا است. قیام اباعبدالله الحسین (ع) مقدس بود چون در آن انگیزه ای جز خدا نبود که این انگیزه ای الهی، جلوه اش اصلاح طلبی، امر به معروف و نهی از منکر و احیای سیره ی پیامبر (ص) و امام علی (ع)

بود که در منشور جاوید قیام حسینی (ع) آمده است: «أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرَافًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَلَا إِثْمًا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي»^۱

امام حسین (ع) در ضمن خطابه‌ای مفصل که پیش از خروج از مدینه ایراد نمود، هرگونه شائبه دنیاطلبی و ریاست‌خواهی و جنگ‌قدرت را رد کرده، انگیزه خالص «اصلاح دینی و اجتماعی» را مطرح ساخت: «خدا یا! تویی دانی که آنچه از ما بود، هرگز نزاع بر سر قدرت و دنبال کالای دنیا رفتن نبود، بلکه می‌خواهیم معالم دین و نشانه‌های مکتب را نشان دهیم و با ایجاد اصلاح در جامعه، مظلومان ایمن شوند و فرائض و سنن تو اجرا شود...»^۲

نظیر این بیان را در وصیت‌نامه‌ای که برای برادرش محمد حنفیه نوشت، فرمود: «من هرگز به عنوان شورش، خوشگذرانی، سرمستی، فساد انگیزی یا ستم بر نخاستم، بلکه برای طلب اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر قیام کردم...»^۳

چون انگیزه اخلاص، حرکت آفرین عاشور بود، هیچ عاملی نتوانست امام حسین (ع) و یارانش را از ادامه راه تارسیدن به شهادت باز دارد و در استقامت آنها خللی ایجاد کند.

ت. بصیرت و روشن بینی

بصیرت به معنای بینایی قلبی، درک عمیق باطنی، تشخیص صحیح و دریافت هر چیزی آن‌گونه که هست، می‌باشد. بصیرت یعنی شناخت روشن و یقینی از دین، تکلیف، پیشوا، حجت خدا، راه دوست و دشمن، حق و باطل. بصیرت پیش نیاز پایداری و جانفشانی در راه اهداف و آرمان‌هاست. علی (ع) به لشکریانش فرمود: «قَدْ فَتَحَ بَابُ الْحَرْبِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ أَهْلِ الْقِبْلَةِ؛ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ»؛ بدرستی که دروازه جنگ بین شما و اهل قبله (که خود را مسلمان

۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۲. حسن بن علی بن شعبه حرانی، همان، ص ۲۳۹.

۳. محمد باقر مجلسی همان، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵.

می‌دانند، ولی در واقع مسلمان نیستند) گشوده خواهد شد و قادر به گرفتن این پرچم (برای جنگ و پیروزی) نیست، مگر کسی که دارای صبر و شکیبایی بوده و آگاه نسبت به مواضع حق باشد. آری! به واسطه برخورداری از بصیرت است که انسان بر سرد راهی خیر و شرو سعاد و شقاوت، به راحتی راه خیر و سعاد را می‌یابد و پس از رهایی از شک و تردیدها، لحظه‌ای در پیمودن مسیر حق سستی به خرج نمی‌دهد. بصیرت و حقیقت‌بینی سبب می‌شود انسان در سخت‌ترین شرایط، بودن با ولی خدا و حرکت در صراط مستقیم را با قاطعیت و صراحت بر همه چیز ترجیح دهد و حتی از کشته شدن و مرگ شرافتمندانه استقبال نماید. چنین انسانی وقتی امامش به او اطمینان می‌دهد که جهت‌گیری و حرکتش صحیح و بر حق است با تعبیر «فَإِذْنِ لَا بُدَّ لِي بِالْمَوْتِ» (وقتی مسیر حق است پس با کسی از مرگ نیست)، مرگ و فدا شدن در راه حق و تکلیف را بر می‌گزیند.

قرآن کریم در تحلیل ارتباط بصیرت و استقامت، از آن به عنوان عامل تقویت روحیه مقاومت و صبر در مومنان یاد می‌کند به طوری که با وجود آن، مومنین چنان قدرتی پیدا می‌کنند که بیست نفر آنها بر دویست نفر کفار غلبه پیدا می‌کند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (انفال: ۶۵)؛ ای پیامبر! مومنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر از شما با استقامت باشند بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند پیروز می‌گردند، چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند.

بر این اساس، هر چه بصیرت و روشن‌بینی انسان بالا باشد، از درجه مقاومت و پایداری بیشتری برخوردار می‌گردد. برعکس، اگر انسان نسبت به امری شناخت لازم و کافی نداشته باشد و به ارزش و حکمت آن واقف نگردد و در وجودش باور و اعتقادی نسبت به انجام یا ترک آن عمل شکل نگیرد، بالتبع گرایش و انگیزه‌ای نیز نسبت به تحقق و انجام آن امر پیدا نخواهد کرد و اگر احیاناً بر اساس شناخت ناقص و یا از روی احساسات و عواطف نسبت به کاری اقدام کند، ناپایدار و غیرمستمر

خواهد بود. آنچه موجب علاقه و اشتیاق انسان و بالتبع حرکت و استقامت او در انجام امری می‌گردد، بصیرت (معرفت جامع و باور قلبی) است.^۱

راز استقامت و جانفشانی سیدالشهدا (ع) و اصحابش وفادارش را نیز باید در همین عامل جست. این بصیرت و روشن بینی بود که رهبر عاشورا و یاران او را برای تحمل همه سختی‌ها و آلام روحی آماده کرده بود. نه تنها با رضایت خاطر این همه مصیبت را می‌پذیرفتند بلکه برای آن‌ها زیبا و لذت بخش هم بود. حماسه آفرینان عاشورا، بی‌هدف و کورکورانه به کربلا نیامده بودند، آنان اهل بصیرت بودند، هم نسبت به درستی و حقانیت راه و رهبرشان و هم به اینکه وظیفه‌شان جهاد و یاری امام است و هم شناخت دشمن و حق و باطل. برای نمونه، در حالات بریر بن خضیر همدانی نقل شده که وقتی با برخی از چهره‌های سرشناس دشمن گفتگو می‌کرد چون به مبانی دینی خود اعتقادی راسخ و نسبت به حقانیت راهی که انتخاب نموده بود بصیرت کامل داشت، توانست بر آنها غلبه کند و حقانیت خود را اثبات نماید و به همین خاطر و به واسطه برخورداری از این نعمت الهی، به درگاه الهی عرضه داشت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي زَادَنِي فِيكُمْ بِصِيرَةِ اللَّهِ إِنَّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ فِعَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ»^۲ سپاس خدایی را که بصیرت و شناخت مرا درباره شما افزون ساخت خدایا! من از کارهای این گروه نزد تو بیزار می‌جویم». یاران سیدالشهدا (ع)، علاوه بر بصیرتی که از کلمات امام در این مسیر فرامی‌گرفتند، خودشان در زندگی اهل تشخیص و شناخت بودند. بعضی از یاران امام حسین (ع) در شب عاشورا هم به بصیرت و روشن بینی خود اشاره کرده و اعلان می‌دارند که این تصمیم و اقدامات بر اساس شناخت و آگاهی و بصیرت است و چون مبانی قوی عقلانی دارد و ایمانی است که بر پایه تعقل شکل گرفته در بحرانی‌ترین شرایط مقاومت خواهیم کرد و این در کلام و شعار و رجز امام و یاران شهیدش مشهود است. نافع بن هلال در شب عاشورا وقتی حضرت سیدالشهدا (ع) اعلام آزادی به اصحابش داد،

۱. محمد بن حسین جمال خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۱۵.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۴۵، ص ۵.

فرمود: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّا عَلَى نِيَّاتِنَا وَبَصَائِرِنَا نُوَالِي مَنْ وَالَاكَ وَنُعَادِي مَنْ عَادَاكَ؛ ما ههچنان برانگیزه‌ها و بصیرت‌هایمان پایدار و باقی هستیم؛ با دوستانت دوست، و با دشمنانت دشمن می‌باشیم...»

عباس بن ابی شیب، وقتی خدمت امام رسید، به او چنین گفت: «سلام بر تو ای ابا عبدالله؛ خدا را گواه می‌گیرم که من بر آیین تو و آیین و خط مشی پدرت هستم.^۲

اوج این بصیرت و روشن بینی را می‌توان در وجود عباس بن علی (ع) به نظاره نشست. شخصیتی که در سخت‌ترین شرایط، بدون ذره‌ای مصلحت‌اندیشی، پادر رکاب مبارزه و جهاد گذاشت و لحظه‌ای در دفاع از ولی خدا دریغ و کوتاهی نکرد. امام صادق (ع) رمز و راز مقاومت و ایستادگی عمویش عباس را معرفت و بصیرت بی‌نظیر او معرفی می‌کند و می‌فرماید: «كَانَ عَمُّنَا الْعَبَّاسُ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلْبَ الْإِيمَانِ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَأُولَى بَلَاءٍ حَسَنًا وَمَضَى شَهِيداً (ابن عنبه، ۱۳۸۵: ۳۵۶)؛ عموی ما عباس بصیرتی نافذ و عمیق و ایمانی قوی و استوار داشت در رکاب برادرش جهاد کرد و از آزمومن الهی پیروز درآمد و با شهادت رحل زندگی برچید.»

ث. ولایت‌مداری

علاوه بر نقش هدایت‌گری معصوم، عشق به ولایت و تبعیت از فرامین او از افسان کوهی استوار می‌سازد که لحظه‌ای در برابر سختی‌ها و تلخی‌ها تزلزل و سستی به خود راه نمی‌دهد و تا آخرین قطره خون مقاومت و ایستادگی می‌کند. بی‌شک هر چقدر عمق و سطح ولایت‌مداری افراد بالا رود، به تبع آن روحیه مقاومت و ایستادگی در راه حقیقت‌تر عمق می‌یابد. اما اگر این عامل کمرنگ شود دیگر نباید انتظار پایداری داشت هم‌چنان که علی (ع) در دوران خلافت خود نیز با این مشکل روبه‌رو گشت.^۳

اصحاب امام حسین (ع) نمونه عالی ولایت‌پذیری و ولایت‌مداری‌اند. آنچه یاران عاشورا را در سنخ واحد و در کنار سیدالشهدا قرار داد، تولی به ابا عبدالله الحسین (ع) بود. سخی فراترا از تنوع نژادی،

۱. همان، ج ۴۴، ص ۳۸۱.

۲. لوط بن یحیی ابو مخنف کوفی، همان، ص ۲۳۷.

۳. رک. نهج البلاغه، خطبه ۹۷، ۳۹ و ۲۵.

قوی و طبقاتی، همسویی و همگونی یاران عاشورا و عکس العمل‌های ایشان د تمایلات عاطفی و آموخته‌ها، بروز ویژگی ولایت‌مداری در تربیت حسینی آنان است. زیرا ویژگی اصلی یاران سیدالشهدا، امام‌شناسی، یقین و عشق به ولایت است آن هم در شرایطی که امیدپروزی بردشمن وجود نداشت. ولی اصحاب امام با جان و مال و خانواده خود ماندند و تا آخرین نفس مقاومت کردند و جنگیدند و شهید شدند؛ زیرا آنان بصیر و عاشق و ولایت‌مدار تربیت شده بودند. یاران باوفای امام، ولایت‌مداری خویش را به نمایش گذاشتند. با آن که امام بیعت خویش را از یاران خود برداشت، ولی آنان وفادارانه، در صحنه ماندند و عهد خویش نشکستند. اولین جواب را به اتمام حجت امام در شب عاشورا حضرت عباس دادند و فرمودند: «خداوند هرگز روزی را نیاورد که امام خویش را تنها گذاشته و به شهر و دیار خود برگردیم».

ولایت‌مداری حضرت ابوالفضل (ع) به حدی است که در شب عاشورا خطاب به امام حسین (ع) می‌گوید: «به خدا سوگند، هرگز از تو جدا نمی‌شویم؛ جانمان فدای جانت؛ با خنجره‌ها و حلقوم‌ها و دست‌ها و چهره‌های خون‌آلود از تو حمایت می‌کنیم و هرگاه کشته شویم، به عهد خویش و آن چه بر عهد ماست وفا کرده ایم: «إِذَا نَحْنُ قُتِلْنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَكُونُ قَدْ وَفَّيْنَا لِرَبِّنَا وَقَضَيْنَا مَا عَلَيْنَا». آنگاه چند نفر از بنی هاشم در تایید جواب‌های علمدار با وفا سخن گفتند.^۱

وقتی نوبت به فرزندان عقیل رسید، امام حسین (ع) فرمود: شهادت مسلم برای شما بس است من به شما اجازه می‌دهم تا بروید. جواب دادند: «در این صورت اگر از ما پرسند که چرا از مولای خود دست برداشتید چه جواب دهیم؟ نه به خدا سوگند هرگز چنین کاری را نخواهیم کرد. بلکه جان و مال و فرزندانمان را در راه شما فدا می‌کنیم و تا آخرین مرحله در رکاب شما می‌جنگیم».^۲

از جمله سخنوران مجاهد در آن عرصه امتحان بزرگ، مسلم بن عوسجه بود که فرمود: «ما چگونه از یاری تو دست برداریم؟ به خدا سوگند از تو جدا نمی‌شوم تا بانیزه سینه دشمنان شما را بشکافم تا شمشیر در دست

۱. محمد صادق نجمی، همان، ص ۲۰۶.

۲. همان، ص ۲۰۷.

دارم با آنان می‌جنگم و اگر هیچ سلاحی نداشتم با سنگ و کلوخ به جنگشان می‌روم تا شریعت
شهادت بنوشم.^۱

سپس سعید بن عبدالله لب به سخن گشود و فرمود: «به خدا سوگند ما از یاری تو دست بر نمی‌داریم تا در
نزد خدا این حقیقت را ثابت کنیم که حق رسول خدا (ص) را درباره تو مراعات کردیم. به خدا سوگند
اگر بدانم هفتاد بار کشته می‌شوم و بدنم را می‌سوزانند و خاکستر مرا زنده می‌کنند باز هم هرگز از یاری
تو دست بر نمی‌دارم و پس از زنده شدن به یاری تو می‌شتابم در حالی که می‌دانم این مرگ یک بار بیش
نیست و پس از آن نعمت بی‌پایان الهی است.»^۲

آنگاه زهیر بن قین به سخنرانی پرداخت و گفت: «ای فرزند پیامبر به خدا سوگند دوست داشتم در راه
حمایت از تو هزار بار کشته شوم و بار دیگر زنده شوم و شهید گردم و باز میل داشتم که با شهادت من، تو
و یایکی از جوانان هاشمی از مرگ می‌رستند.»^۳

وقتی حضرت به هلال فرمود چرا از میان این دو کوه نمی‌روی تا جان خود را نجات دهی؟ با
چشمان گریان روی قدم‌های امام (ع) افتاد و سوگند یاد کرد که هرگز از تو جدا نخواهم شد تا این که در
رکابت کشته شوم.»

بشر (سهد) بن عمر حضرمی آنگاه که امام حسین (ع) به وی اجازه بازگشت داد، گفت: «أَكَلْتَنِي
السَّبَاعُ حَيًّا إِنَّ فَارَقْتُكَ...»^۴ درندگان بیابان مرا زنده بخورند اگر از تو جدا شوم و رهروان از من درباره
تو پرسند و با این یاران اندک تو را واگذارم. این هرگز نشدنی است.»

زهیر بن قین بجلی خطابه حضرت گفت: «چون امام به او اجازه بازگشت داد، به آن حضرت گفت: نه
به خدا! این نشدنی است. آیا پسر پیامبر را در دست دشمنان اسیر بگذارم و خودم نجات پیدا کنم؟ خدا
چنین روزی را نیاورد.»^۱

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. علی بن موسی بن طاووس، همان، ص ۱۱۷.

ج. روحیه شهادت طلبی

نحوه تلقی انسان‌ها از زندگی و مفهوم «حیات»، جهت دهنده عمل و موضع آنان است. از نگاه انسان‌های باایمان، حیات در محدوده تولد تا مرگ خلاصه نمی‌شود، بلکه امتداد وجودی انسان به دامنه قیامت و ابدیت کشیده می‌شود. مسلم است که چنین نگرشی تا چه اندازه در تقویت روح مقاومت و ایستادگی انسان موثر است. این نوع نگاه، محرّکی نیرومند است و سرآغازی است برای حیات نوین که سدّ یأس و ناامیدی را می‌شکند و به افسان‌های وارسته، روح مقاومت و ایستادگی می‌بخشد؛ زیرا روحیه شهادت طلبی که از اتکال انسان به خداوند و ایمان توأم با عشق ناشی می‌شود موجب می‌شود انسان در راه آرمان‌های والایش حاضر شود از بارزش‌ترین متاع زندگی‌اش که همان جان و روح الهی اوست دست‌بشوید و تمامی سختی‌ها و مشکلات را نیز در این راه مقدس با جان و دل تحمل نماید. برای چنین فردی، امکانات و تسلیحات بسیار و همچنین فزونی یا کاستی نیروی دشمن، در پیشروی یا عقب‌نشینی، تأثیری نبخشید، او را منفعل نمی‌سازد و در موضع ضعف و شکست قرار نمی‌دهد؛ در مقابل ترس از مرگ و اشتیاق و افریه زنده ماندن، روح مقاومت و ایستادگی را می‌ساید و تجربه نشان داده آنانی که در میدان دشوار، دغدغه زنده ماندن و جان سالم به در بردن دارند، نمی‌توانند مقاومت کرده، پیروزی بیافرینند.

از بررسی نهضت عاشوار و حالات اصحاب سیدالشهدا (ع) چنین به دست می‌آید که چون آنها به ارزش والای شهادت ایمان قلبی داشتند و با اعتقاد به آن وارد عرصه شدند، توانستند تاپای جان در راه و هدف ارزشمند خود مقاومت نمایند و پیروزی بزرگی را برای جبهه حق به ارمغان بیاورند. آنها بر مبنای بصیرت و یقین کامل، برای شهادت به میدان می‌شتافتند و از همدیگر سبقت می‌گرفتند به طوری که در وصف حالات آنها آمده است: «دل‌های خود را بر روی زره‌ها پوشید بودند و جان بر کف و شتابان به سوی نثار جان بر یکدیگر سبقت می‌جستند»^۲.

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۱۲.

استاد مطهری در اشاره به این حقیقت می‌فرماید: «حادثه شهادت امام حسین (ع) نه تنها فاجیع بود و نه تنها مظهر یک فداکاری عظیم و بی‌نظیر است، حادثه بسیار عجیبی است. منطق امام صرفاً منطق ایثار و عقید و شهادت در راه عقیده بود»^۱. خود حضرت سیدالشهدا (ع) پیش از واکسوی برخورداری از این روحیه بود. وقتی امام می‌خواست از مکه حرکت کند، با خواندن خطبه‌ای که از زیبایی مرگ در راه خدا برای جوانمردان سخن می‌گفت، از افراد خواست هر کس شهادت طلب است و آمادگی بذل جان و خون دارد، همراه مایاید: «مَنْ كَانَ بِإِذِلَّا فِينَا مُجْتَهَةً فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا»^۲.

تعبیر امام حسین (ع) از اینکه اگر ناچار، مرگ برای همگان حتمی است، پس چه بهتر که به صورت شهادت باشد: «فَأَنْ تَكُنِ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ انْشَاءً، فَقَتْلُ أَمْرٍ بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ»^۳. شاهد دیگری از این روحیه در امام است.

یاران سیدالشهدا (ع) نیز مانند خود او شهادت طلب بودند. اگر در اظهارات یاران ایشان در شب عاشورا دقت شود، این روحیه در گفتارشان موج می‌زند و هر یک برخاسته، عشق خود را به کشته شدن در راه خدا و در حمایت از فرزند پیامبر و مبارزه با ظالمان ابراز می‌کردند. با آنکه حضرت بیعت خویش را از آنان برداشت که هر که می‌خواهد برود، اما سخنان چنین بود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِنَصْرِكَ وَشَرَّفَنَا بِالْقَتْلِ مَعَكَ؛ سِپَاسِ خدایی را که بایاری کردن تو ما را آگرمی داشت و با کشته شدن همراه تو، ما را شرافت بخشید».

در سایه همین فرهنگ بود که حتی نوجوانی چون حضرت قاسم نیز مرگ را شیرین تر از غسل می‌دانست و از آن استقبال می‌کرد و او را می‌داشت روز عاشورا خطاب به امام حسین (ع) بگوید: «روحی لروحك الفدا و نفسی لنفسك الوقا؛^۴ جانم فدای جانت و روحم سپریلای جان تو».

۱. مرتضی مطهری، همان، ج ۱۷، ص ۴۲۹.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۴۴، ص ۳۶۶.

۳. همان.

۴. سید هاشم بحرانی، مدینه المعاجز، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۱۵.

۵. عباس اسماعیلی یزدی، سحاب رحمت، قم، مسجد جکران، ۱۳۸۳، ص ۴۸۲.

امام نیز آنان را همین‌گونه می‌شناخت. «وقتی احساس کرد خواهرش زینب در شب عاشورا اندکی ناآرام است و در پایداری یاران تردید دارد، فرمود: به خدا سوگند آنان را آزموده و امتحان کرده‌ام، اینان شهادت طلبانی هستند که به مرگ انس گرفته‌اند، همان‌گونه که کودک، به سینه مادرش مأنوس است.»^۱

در زیارت عاشورا نیز به صفت ایثار و شهادت طلبی یاران حسین (ع) تصریح شده است: «الَّذِينَ بَذَلُوا بِحَبْلِهِمْ دُونِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛^۲ آنان که از جان و خون خویش در راه حسین (ع) گذشتند.»

چ. عدم دلبستگی به مادیات

تجمل پرستی، تن‌پروری و ثروت‌اندوزی از موانع مهم استقامت و پایداری است که قرآن از آن‌ها به «اتراف» (اسراء: ۱۶)، «بَطْرُ» (قصص: ۵۸)، «طُولُ» (توبه: ۸۶) و «تَكَاثُرُ» (تکاثر: ۱) تعبیر کرده و آن‌ها را از عوامل منفی حرکت تاریخ دانسته است؛ از نظر قرآن کریم، دنیا دوستی و دل خوش کردن به حیات دنیا شوق به جهاد و دفاع را در دل می‌میراند، روح مقاومت و پایداری را کمرنگ کرده، آدمی را به‌کندی و سنگینی وامی‌دارد و از رفتن به مصاف با دشمن منصرف می‌سازد (ر.ک. توبه: ۳۸). همچنین آن‌که محبت دنیا را در دل دارد، اگر به‌طور موقت برو سوسه دنیا دوستی‌اش سرپوش نهد و در میدان نبرد حضور یابد، آن‌جا که مظاهر دنیا جلوه‌گر و رخی‌نشان دهد، به آن روی کند یا اگر سختی نبرد او را در تنگ‌نا افکند، پشت به دشمن می‌کند تا جان را از مهلکه بیرون ببرد و به حیات دنیوی ادامه دهد (ر.ک. آل عمران: ۱۵۲). از این روست که امام سجاد (ع) در یک روایت مفصل، از حب دنیا به عنوان ریشه خصلت‌های ناپسند، یاد می‌کند و می‌فرماید: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛^۳ دوستی دنیا، اساس و منشأ هر خطا و خلاف کاریست.»

حضرت سیدالشهدا (ع) نیز ریشه انحراف و لغزش را دنیا دوستی افراد معرفی می‌کند و در تحلیلی عمیق درباره علت روی گردانی انسان‌ها از دین و ارزش‌های دینی می‌فرماید: «النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا

۱. محمد صادق نجمی، همان، ص ۱۶۹-۱۶۸.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۹۸، ص ۲۹۳.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱۷.

وَالَّذِينَ لَعَنُوا عَلَى أَلْسِنِهِمْ يَحْمِلُونَهُمْ أَمْ دَرَّتْ بِهِ مَعَايِشُهُمْ^۱. صبح عاشور نیز در خطبه ای خطاب به دشمن فرمود: «فَلَا تَغُرَّنَّكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا تَقْطَعُ رَجَاءَ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا»^۲.

بنابراین بدون دل بردن از دنیا و دل بستن به آخرت، هیچ گاه توفیق آفرینش حماسه های سترگ و ماندگار حاصل نمی شود. یاران حسین (ع)، چون دلباخته دنیا نبودند، به راحتی حاضر شدند دنیا را رها کرده، در راه دین خدا فدا شوند. یکی از آنها زهیر بن قین بود که علیرغم این که انسان متمکنی بود اما چون دلبستگی به آن نداشت وقتی با حضرت ملاقات کرد و دعوت سیدالشهدا (ع) را شنید، همه مال و اموال خودش را به همسرش بخشید و طوقه زوجیت را از گردن او برداشت. آنگاه روبه همراهانش کرد و گفت: «هر کس دوست دارد راه خدا را برگزیند، با من همراه شود و به حسین (ع) پیوندد، در غیر این صورت، این آخرین دیدار ما خواهد بود و من، همه شما را به خدا می سپارم»^۳.

۱. حسن بن علی بن شعبه حرانی، همان، ص ۲۴۵.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۵، ص ۶.

۳. احمد بن داود دینوری، اخبار الطوال، تهران، نشرنی، ۱۳۷۱، ص ۲۴۷.

۷. تکلیف‌شناسی و تکلیف‌گرایی عاشورایی در مقابله با رژیم صهیونیستی

علی‌کارشناس

قیام عاشورا به عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی در اسلام، درس‌های ارزشمندی را برای مبارزه با ظلم و ستم ارائه می‌دهد که می‌تواند الگوی مادر برای عدالتی باشد، از جمله حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان. قیام امام حسین (ع) در سال ۶۱ هجری را بارها مرور کرده‌ایم. از نوع صف‌آرایی لشکر امام در برابر خونخواران بنی‌امیه تا بررسی شخصیت شهدای بزرگ کربلا. اما امروز در مرحله‌ای از زندگی قرار گرفته‌ایم که باید آموزه‌های کربلا در صحنه مبارزه علنی و آشکار با رژیم صهیونیستی و آمریکای جنایتکار نشان دهیم. به همین دلیل مرور آموزه‌ها و درس‌های کربلا برای مقاومت در برابر ظلم جهانی اهمیت بسیار دارد و محرم ۱۴۰۴ فرصت استثنایی برای عملی کردن درس‌های عاشورا در عرصه جهانی است. قیام عاشورا، درسی بزرگ در برابر ظلم و یزید است و آموزه‌های آن همچنان در مبارزه با ستم و بیدادگری الهام‌بخش است. امام حسین (ع) با ایستادگی در برابر حکومت یزید، نماد مبارزه با ظلم و احیای ارزش‌های اسلامی شد. اگرچه این قیام در ظاهر به شهادت امام حسین (ع) منجر شد، اما در عمل جرقه‌ای برای بیداری امت اسلامی و مبارزه با ظلم در طول تاریخ شد. یکی از درس‌های مهم قیام عاشورا مبارزه با ظلم و ستم است. این نکته چه درسی برای امروز ما دارد؟ امام حسین (ع) با قیام خود، نماد ایستادگی در برابر ظلم و ستم شد. آن حضرت حاضر به پذیرش ظلم و ستم نشدند و با شهادت خود، درس ایستادگی در برابر ظالم را به جهانیان آموخت. قیام عاشورا به عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی در اسلام، درس‌های ارزشمندی را برای مبارزه با ظلم و ستم ارائه می‌دهد که می‌تواند الگوی مادر برای عدالتی باشد، از جمله حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان.

یکی از موارد که باید در نظر در نظر داشته باشیم، آگاهی و بیداری است به طوری که قیام امام حسین (ع) بر اهمیت آگاهی و بیداری مردم در برابر ظلم تأکید دارد. این رویداد به ما یادآوری می‌کند که شناسایی و افشای ستم و بی‌عدالتی اولین گام در مبارزه با آن است. با افزایش

آگاهی در مورد نقض حقوق بشر و اقدامات غیرقانونی رژیم صهیونی می‌توانیم حمایت و همبستگی بین‌المللی را جلب کنیم.

از طرف دیگر قیام عاشورا نتیجه اتحاد و همبستگی مردم از قبایل مختلف بود. این اتحاد قوی بود و به آنها قدرت و استقامت بخشید. در مواجهه با حمله اسرائیل، اتحاد و همبستگی بین مردم ایران و کشورهای مسلمان می‌تواند یک نیروی قدرتمند باشد. با همکاری و حمایت متقابل، می‌توانیم از کشور و وطن خود دفاع کنیم. در ادامه به تعیین تکلیف‌شناسی و تکلیف‌گرایی عاشورایی در مقابله با رژیم صهیونیستی می‌پردازیم:

۱.۷. محور اول: مفهوم تکلیف‌شناسی و تکلیف‌گرایی

تکلیف‌شناسی بدین معناست که انسان بر اساس معرفت و شناخت صحیح از تکلیف در راه رسیدن به نتیجه مطلوب، مطابق تکلیف - و نه برخلاف آن - عمل کند. این که تصور کنیم تکلیف‌شناسی معنایش این است که ما اصلاً به نتیجه نظر نداشته باشیم، نگاه درستی نیست.^۲ از این رو، تکلیف‌شناسی هیچ منافاتی با نتیجه‌گرایی ندارد، بلکه انسان باید برای رسیدن به نتیجه، لازم است بر طبق راههای مشروع و میسر، برنامه‌ریزی کند.^۳ خداوند متعال در قرآن کریم بر لزوم تکلیف‌شناسی و تکلیف‌گرایی در حد و وسع و توان افراد تأکید دارد و می‌فرماید:

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ لَسِينَا أَوْ أَخْطَاؤُنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (بقره: ۲۸۶)»

خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی‌کند. (انسان،) هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده؛ و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است. (مؤمنان می‌گویند:)

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار دانشجویان، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content-id=23346>

۱۳۹۲/۵/۶

۲. همان.

۳. همان.

پروردگارا! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن! پروردگارا! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان،) بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی! پروردگارا! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرر مدار! و آثار گناه را از ما بشوی! ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده! تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان!

از اینکه اهل ایمان، هنگام ترک تکلیف در صورت خطا و نسیان، تقاضای عدم بازخواست دارند، روشن می شود اهتمام و التزام عملی به انجام دادن تکالیف داشته اند.

افراد جامعه آن گاه که به تکالیف خویش معرفت یافتند و مشاهده کردند که تنها را تحقق تکالیف در جامعه بسیج شدن آنان است؛ برای انجام تکالیف و عینیت یافتن تکالیف در عالم خارج، تلاش می کنند و از هیچ تلاش و کوششی دریغ نمی کنند. از این رو، تکلیف گرایی سبب بسیج شوندگی افراد جامعه می شود.

به باور مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) اگر انسان تکلیف شناس، تکلیف گرا و مسئولیت پذیر باشد و کار را بر اساس مبانی منطقی استوار کند، در صورت بروز نقصان، مورد مؤاخذه خدای متعال و مردم قرار نمی گیرد. بنابراین به میزان استعداد و توانایی اعطایی از سوی خدای متعال، تکلیف بر عهده انسان می آید؛ هر اندازه وسع انسان بیشتر باشد، تکلیفش هم بیشتر است.^۲

حفظ و ارتقای بنیه دینی، روحیه انقلابی و انگیزه تکلیف گرایی به واسطه ارزش ذاتی و کاربردی آن در بین مردم از اهمیت ویژه ای برخوردار است. لذا به منظور حفظ و ارتقای آن لازم است مطالعات مستمر و گسترده ای صورت گیرد تا امکان اطلاع دقیق تر مسئولان ذیربط از وضع موجود و اخذ تصمیم در خصوص راهکارهای حفظ و تقویت فراهم شود. نتایج نشان می دهد میانگین کلی دو بُعد تجربی و پیامدی از ابعاد دینداری مردم دارای بیشترین میزان و بُعد مناسکی

۱. بیانات امام خامنه ای در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3139>، ۱۳۸۱/۶/۴.

۲. بیانات امام خامنه ای در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43632>

۱۳۹۸/۷/۱۰، [content?id=43632](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=43632).

حائز کمترین میانگین است.^۱ میانگین روحیه انقلابی و اسلامی در مردم مورد مطالعه و انگیزه تکلیف‌گرایی آنان نیز در حد بالایی قرار دارد. تقویت شأن و منزلت مردم، ترویج ارزشهای مربوط به خانواده و حمایت مادی و معنوی از آنها، برگزاری آموزشهای عقیدتی-سیاسی و توجه به کمیت و کیفیت آنها، مشارکت دادن بیشتر مردم در فراخوانها، برنامه‌ریزی و تلاش برای ارتباط مستمر و پایدار مردم با پایگاه بسیج و مسجد محله، ارائه نکات مثبت عملکرد حکومت و مسئولان نظام به مردم و...، از جمله راهکارهای تقویت بنیه دینی، انقلابی و انگیزه تکلیف‌شناسی و تکلیف‌گرایی مردم است.

از منظر رهبری، تکلیف‌شناسی و تکلیف‌گرایی عاشورایی به این معناست که هر فرد در هر زمان باید با توجه به شرایط و وظایف خود، در مسیر تحقق اهداف متعالی اسلام و مقابله با ظلم و فساد، همانند امام حسین (ع) در کربلا، عمل کند. این نگاه مبتنی بر شناخت دقیق وظایف و عمل براساس آن، بدون توجه به ملاحظات شخصی و باتکیه بر ارزش‌های دینی و انقلابی است.

تکلیف‌شناسی و تکلیف‌گرایی عاشورایی به این معناست که انسان‌های مؤمن در واقعه عاشورا، با وجود سختی‌ها و مشکلات فراوان، براساس وظایف دینی و الهی خود عمل کردند و از انجام این وظایف شانه خالی نکردند. این رویکرد مبتنی بر این باور است که خداوند متعال برای هر فردی وظایفی تعیین کرده است که باید با تمام توان در راستای انجام آنها گام بردارد. در واقعه عاشورا، امام حسین (ع) و یارانش با درک عمیق تکلیف الهی خود، در مقابل ظلم و ستم ایستادند و جان خود را فدای حفظ دین و ارزش‌های اسلامی کردند.

بنابراین، تکلیف‌شناسی به معنای درک صحیح و آگاهانه از وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در هر موقعیت و زمان. این مهم با مطالعه و تفکر در آموزه‌های دینی و تاریخ اسلام به ویژه حادثه عاشورا حاصل می‌شود.

۱. یعقوب احمدی، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، «وضعیت دینداری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها مطالعه موردی شهر سنج»، س ۱، ش ۱، زمستان ۱۳۸۸، ص ۴۴-۱۷.

و تکلیف‌گرایی به معنای عمل بر اساس تکلیف شرعی و الهی، بدون توجه به موانع و مشکلات. این نگرش به معنای فداکاری و ایثار در راه حق و حقیقت است، همانطور که امام حسین (ع) و یارانشان در کربلا نشان دادند.

رهبری انقلاب اسلامی با تأکید بر این دو اصل، همواره سعی در تبیین و ترویج این نگاه در جامعه داشته و دارد. ایشان با استناد به حادثه کربلا، همگان را به تکلیف‌شناسی و تکلیف‌گرایی در مسیر تحقق اسلام ناب محمدی (ص) دعوت می‌کنند. به طور خلاصه، تکلیف‌شناسی و تکلیف‌گرایی عاشورایی، به معنای شناخت دقیق وظایف و عمل بر اساس آن، با تکیه بر ارزش‌های دینی و انقلابی و با تأسی از حرکت امام حسین (ع) در کربلا است.

تکلیف‌گرایی در کلام مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری درباره تکلیف‌گرایی می‌فرماید:

همه باید احساس کنند که در قبال این حادثه‌ی عظیمی [انقلاب اسلامی] که اتفاق افتاد - که پرچم اسلام برافراشته شد - وظیفه دارند؛ این چیز کوچکی نیست. در آن دورانی که همه‌ی دستها و سیاستها و قدرتها سعی شان بر این بود که مطلق دین را، بخصوص اسلام را منزوی کنند، آن وقت زنده‌ترین ادیان یعنی اسلام عزیز و گویاترین متون الهی یعنی قرآن کریم، بتواند در یک کشوری خودش را بالا بکشد و گستره‌ی کشور را در دست بگیرد و علاوه بر این، حدود جغرافیایی را در هم بریزد و وارد مناطق گوناگون دنیا بشود، این خیلی حادثه‌ی عجیب و مهمی است. دشمن این حادثه را دید و احساس خطر کرد و از روز اول هم علیه نظام اسلامی مشغول فعالیت و تلاش شدند و تا امروز هم بحمدالله نتوانسته‌اند و بعد از این هم قطعاً به فضل الهی نخواهند توانست [کاری بکنند]؛ لکن شرطش این است که همه‌ی ما احساس مسئولیت کنیم یعنی همه باید احساس مسئولیت کنیم و هر کدام در هر جاکه

هستیم، واقعاً وظیفه‌ی اوّلی و اصلی خودمان را دفاع از نظام اسلامی قرار بدهیم و حرکتمان را با این تنظیم کنیم.^۱

ایشان درباره رابطه‌ی «تکلیف‌مداری» با «دنبال نتیجه بودن» می‌فرماید:

يك سؤال دیگر این است - که اینجا هم باز بعضی از دوستان گفتند - که رابطه‌ی «تکلیف‌مداری» با «دنبال نتیجه بودن» چیست؟ امام فرمودند: ما دنبال تکلیف هستیم. آیا این معنایش این است که امام دنبال نتیجه نبود؟ چطور میشود چنین چیزی را گفت؟ امام بزرگوار که با آن شدت، با آن حدّت، در سنین کهولت، این همه سختی‌ها را دنبال کرد، برای اینکه نظام اسلامی را بر سر کار بیاورد و موفق هم شد، میشود گفت که ایشان دنبال نتیجه نبود؟ حتماً تکلیف‌گرایی معنایش این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند؛ برخلاف تکلیف عمل نکند، ضد تکلیف عمل نکند، کار نامشروع انجام ندهد؛ و الا تلاشی که پیغمبران کردند، اولیای دین کردند، همه برای رسیدن به نتایج معینی بود؛ دنبال نتایج بودند. مگر میشود گفت که ما دنبال نتیجه نیستیم؟ یعنی نتیجه هر چه شد، شد؟ نه. البته آن کسی که برای رسیدن به نتیجه، بر طبق تکلیف عمل میکند، اگر يك وقتی هم به نتیجه‌ی مطلوب خود نرسید، احساس پشیمانی نمیکند؛ خاطرش جمع است که تکلیفش را انجام داده. اگر انسان برای رسیدن به نتیجه، بر طبق تکلیف عمل نکرد، وقتی نرسید، احساس خسارت خواهد کرد؛ اما آن که نه، تکلیف خودش را انجام داده، مسئولیت خودش را انجام داده، کار شایسته و بایسته را انجام داده است و همان طور که قبلاً گفتیم، واقعیت‌ها را ملاحظه کرده و دیده است و بر طبق این واقعیت‌ها برنامه‌ریزی و کار کرده، آخرش هم به نتیجه نرسید، خب احساس خسارت نمیکند؛ او کار خودش را انجام داده. بنابراین، این که تصور کنیم تکلیف‌گرایی معنایش این است که ما اصلاً به نتیجه نظر نداشته باشیم، نگاه درستی نیست. در دفاع مقدس و در همه‌ی جنگ‌هایی که در صدر اسلام،

۱. بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهار هزار شهید استان گلستان، ۱۵/۹/۱۳۹۵

زمان پیغمبر یا بعضی از ائمه (علیهم السّلام) بوده است، کسانی که وارد میدان جهاد میشدند، برای تکلیف هم حرکت میکردند. جهاد فی سبیل الله يك تکلیف بود. در دفاع مقدس هم همین جور بود؛ ورود در این میدان، با احساس تکلیف بود؛ آن کسانی که وارد میشدند، اغلب احساس تکلیف میکردند. اما آیا این احساس تکلیف، معنایش این بود که به نتیجه نیندیشند؟ راه رسیدن به نتیجه را محاسبه نکنند؟ اتاق جنگ نداشته باشند؟ برنامه ریزی و تاکتیک و اتاق فرمان و لشکر و تشکیلات نظامی نداشته باشند؟ اینجور نیست. بنابراین تکلیف گرائی هیچ منافاتی ندارد با دنبال نتیجه بودن، و انسان نگاه کند ببیند این نتیجه چگونه به دست می آید، چگونه قابل تحقق است؛ برای رسیدن به آن نتیجه، بر طبق راههای مشروع و میسر، برنامه ریزی کند. ما برای خدا مجاهدت میکنیم، قدم برای خدا برمیداریم، همه ی تلاش خودمان را به میدان میآوریم؛ نتیجه را خدای متعال - آنچنان که وعده فرموده است - تحقق خواهد داد. ما برای تکلیف کار میکنیم؛ اما خدای متعال بر همین عمل برای تکلیف، بهترین نتیجه را به ما خواهد داد. این یکی از خصوصیات مشی امام و خط امام است. راه انقلاب، صراط مستقیم انقلاب این است.^۲

در واقعه عاشورا، شخصیت هایی مانند امام حسین (ع)، حضرت عباس (ع)، حضرت زینب (س) و سایر یاران، بادرک عمیق وظایف دینی و اجتماعی خود، در مقابل ظلم و ستم ایستادند و برای حفظ دین و ارزش های اسلامی تلاش کردند.

این افراد، رضایت الهی را بر هر چیز دیگری مقدم می دانستند و در راه تحقق این رضایت، از هیچ تلاشی فروگذار نکردند.

عدم تکلیف شناسی و تکلیف گرایی در عاشورا می توانست منجر به نابودی دین و ارزش های اسلامی شود.

۱. بیانات امام خامنه ای، ۱۳۹۲/۵/۶.

۲. بیانات امام خامنه ای در خطبه های نماز جمعه در ریست و یکمین سالگرد رحلت امام خینی (رحمه الله)، ۱۴/۳/۱۳۸۹.

۲.۷. محور دوم: تکلیف‌گرایی در عاشورا

۱. عمل به وظایف: تکلیف‌گرایی در عاشورا به معنای عمل به وظایف دینی و الهی است، حتی اگر این عمل با سختی‌ها و مشکلات فراوانی همراه باشد.

۲. ایستادگی در برابر ظلم: امام حسین (ع) و یارانش با تکلیف‌گرایی خود، در برابر ظلم و ستم یزید ایستادند و با شهادت خود، الگویی برای آزادی‌خواهان در طول تاریخ شدند. درس‌های عاشورا به ما یادآوری می‌کند که باید در برابر ظلم و ستم ایستادگی کنیم و برای حفظ ارزش‌های دینی و انسانی تلاش کنیم. بنابراین، تکلیف‌شناسی و تکلیف‌گرایی عاشورایی، دو اصل مهم در واقعه کربلا هستند که نشان‌دهنده اهمیت عمل به وظایف دینی و الهی در هر شرایطی است. این دو اصل، درس‌های فراوانی برای ما دارند و ما را به سوی زندگی‌ای سرشار از معنویت و عزت سوق می‌دهند. مقاومت امام حسین (ع) در برابر ظالم، سیره‌ای مهم در زندگی آن حضرت بود. چطور باید با الگو گرفتن از آن حضرت در برابر ظلم و حملات دشمنان اسلام مقاومت کنیم؟ امام حسین (ع) و یارانش با ایستادگی در برابر حکومت ظالم بنی امیه نشان دادند که مقاومت در برابر ستمگران، حتی در شرایط دشوار امکان‌پذیر و ضروری است. این درس می‌تواند به ما در مواجهه با اقدامات اسرائیل و دفاع از سرزمین و مردم کمک کند.

۳. احیای عدالت و مبارزه با تبعیض و ستم: البته آن حضرت تأکید بر عدالت هم داشت و قیام عاشورا بر عدالت و برابری تأکید دارد. امام حسین (ع) برای احیای عدالت و مبارزه با تبعیض و ستم قیام کرد. این پیام می‌تواند ما را به سمت تلاش برای برقراری عدالت بین‌المللی و پایان دادن به اشغالگری و نقض حقوق بشر سوق دهد.

در مواجهه با حمله و دست‌درازی رژیم صهیونیستی، یادگیری از قیام عاشورا می‌تواند به ما در اتخاذ رویکردی قوی و هماهنگ برای دفاع از کشورمان کمک کند. این شامل افزایش آگاهی، مقاومت، اتحاد با کشورهای مسلمان و تلاش برای برقراری عدالت در عرصه بین‌المللی است. با پیروی از این درس‌های ما می‌توانیم از میراث قیام عاشورا برای مبارزه با ظلم و دفاع از ارزش‌های انسانی و اسلامی استفاده کنیم. عدالت خواهی و مساوات طلبی به معنای قرارداد دادن امور در مواضع ویژه آنها و

خودداری از هرگونه تبعیض و نابرابری در قبال استفاده از امکانات و بیت المال است. قسط و عدل مقدمه‌ی کمال نهایی جامعه بشری است و رفاه و آبادانی متوازن و متعادل را در همه عرصه‌های اجتماعی، پدید می‌آورد. مسأله عدالت آنقدر اهمیت دارد که دین الهی نیز در پرتو عدالت اجتماعی تحقق می‌یابد و هدف اصلی پیامبران، اقامه‌ی قسط و عدل است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید: ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند». بنابراین، جامعه‌ای الهی و اسلامی است، که در آن، عدالت باشد. و در غیر این صورت، جامعه‌ای که در آن عدالت نبوده؛ فاصله‌های عمیق طبقاتی وجود داشته باشد؛ عدم برخورداری یک جمع کثیر از مردم به سود برخورداریهای نابحق دیگران وجود داشته باشد، این جامعه، الهی و اسلامی نیست. از منظر مقام معظم رهبری، عدالت طلبی، صرف شعار نیست؛ بلکه ضرورت دارد جامعه به نقطه‌ای برسد که سیاست‌های عدالت طلبانه در آن طراحی شود و دستگاه اجرایی به گونه‌ای باشد که سیاست‌های عدالت طلبانه فرصت عملیاتی شدن و اجرایی شدن بیابد.^۱ از نگاه ایشان، یکی از دشوارترین میدانهای مجاهدت، میدان مجاهدت برای بسط عدالت است.^۲

موضوع بحث در اینجا این است که حرکت بسیج مردمی باید در موضوعات عدالت طلبانه نیز شکل گیرد تا بتواند حرکت‌های مردم پایه را تبدیل به الگویی اثر بخش کند.^۳ عدالت خواهی و مساوات طلبی در بسیج کنندگی مردم بدین معنا است که بسیج مردمی در برابر هرگونه فقر، فساد و تبعیض اقتصادی،

۱. [امام] سید علی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content-id=3292>، ۱۳۸۴/۳/۵.

۲. [امام] سید علی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content-id=3192>، ۱۳۸۲/۶/۱۹.

۳. [امام] سید علی حسینی خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content-id=3288>، ۱۳۷۶/۴/۲۵.

اداری و... که از آثار فقدان عدالت و مساوات است، بی تفاوت نباشد، بلکه موضع تهاجمی اتخاذ نماید و مسئولان را برای مقابله با فقر، فساد و تبعیض، به خط کند و نسبت به رفع مظاهر فقر، فساد و تبعیض و بی عدالتی از مسئولان مطالبه‌گری داشته باشد. بدون عدالت خواهی و مساوات طلبی، حرکت بسیج مردمی ابتری ماند و این حرکت نخواهد توانست به عنوان نسخه‌ای درمانگر، مورد تأسی سایر ارگان‌ها واقع شود.

۴. احیای ارزش‌های اسلامی در شرایط جنگی: احیای ارزش‌های اسلامی هم نکته دیگری است که در اثرا قیام عاشورا به دست آمد. می‌خواهیم بدانیم این دستاورد مهم چگونه کسب شد و آیا امروز ما هم می‌توانیم در برابر جنایات صهیون و آمریکای جنایتکار از همان آموزه حسینی بهره ببریم؟ دقت کنید که قیام عاشورا در زمانی رخ داد که ارزش‌های اسلامی در حال فراموشی بود. امام حسین (ع) با قیام خود به احیای این ارزش‌ها پرداخت و مسلمانان را به عمل به قرآن و سنت پیامبر (ص) فراخواند. آن حضرت با قیام خود، به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی تأکید کرد. ایشان با این کار، مسلمانان را به اصلاح امور جامعه و مبارزه با فساد و تباهی دعوت کرد. در عین حال یاران امام حسین (ع) با ایثار و فداکاری خود در کربلا، درس ایثار و گذشت را به بشریت آموختند. آنها حاضر شدند جان خود را در راه دفاع از حق و حقیقت فدا کنند.

رژیم صهیونیستی، به عنوان یک حکومت اشغالگر، با ظلم و ستم بر مردم فلسطین و در حال حاضر حمله به خاک کشور ما ظلمی مشابه آنچه در کربلا اتفاق افتاد، مرتکب می‌شود. درس‌های قیام عاشورا می‌تواند برای مبارزه با این ظلم و ستم الهام‌بخش باشد. ایستادگی در برابر ظلم و ستم، احیای ارزش‌های اسلامی، ایثار و فداکاری و اهمیت رهبری، همگی مفاهیمی هستند که می‌توانند در مبارزه با رژیم صهیونیستی مورد استفاده قرار گیرند.

۵. لزوم تبعیت از رهبری: امام حسین (ع) با قیام خود، به اهمیت رهبری در جامعه اسلامی تأکید کرد. آن حضرت با قیام خود نشان داد که رهبر باید در برابر ظلم و ستم ایستادگی کند و از حقوق مردم دفاع کند. نکته مهم این است که یاران آن حضرت با وجود اینکه تعداد محدودی بودند اما به قدری از رهبر و پیشوای خود تبعیت می‌کردند که با همان تعداد کم توانستند قیامی مهم را در تاریخ رقم

بزنند. این نکته درس مهمی برای امروز ماست. هر چند به لطف خدا مردم کشور مادر خط ولایت و رهبری قرار دارند، اما لازم است امروز و در این برهه مهم همگی به صورت یکصدا و همراه در پیروی از رهبر معظم انقلاب صف آرایی کنیم و گوش به فرمان ولی امر مسلمین جهان باشیم. به این دلیل که نقش رهبری، نقش بسیار مهم و حساسی است و رهبر هر اندازه حکیم و قوی باشد، به همراه ملت و پیروان خود می تواند به دستاوردهای بزرگ دست پیدا کند. به همین دلیل است که شور و شعور مردم در مواجهه با رژیم صهیونیستی و آمریکای جنایتکار باید در خط ولایت فقیه صف آرایی شود تا به مشت بزرگی تبدیل شویم و بتوانیم این بار هم مانند دوران هشت ساله دفاع مقدس در برابر تجاوز دشمنان اسلام پیروز شویم.

سیدالشهدا (ع) در کنار مرقد مظهر پیامبر اکرم (ص) فرمود: «اللهم انی احب المعروف و انکر المنکر؛ خداوند من معروف را دوست دارم و منکر را زشت می شمارم.»^۱

محمد بن حنفیه در زمان خروج امام (ع) از مدینه قدرت بر جهاد نداشتند (به جهت فلج بودن دست)، امام طی نامه ای و صیایابی رابه وی نوشت که مهمترین نکته این نامه مسأله هدف نهضت است: «و انی لم اخرج اشرا ولا بطرا ولا مفسداً ولا ظالماً و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی اريد ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسيرة جدی و ابی علی بن ابی طالب...؛ من از روی خود خواهی و خوشگذرانی و فساد و ستمگری از مدینه خارج نشدم، من برای طلب اصلاح مفسد امت جدم خارج شدم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به شیوه جدم و پدرم علی بن ابی طالب خواهم بود.»^۲

حضرت در کلام دیگری فرمودند: «ان هولاء قد لزموا طاعة الشیطان و ترکوا طاعة الرحمن و اظهروا الفساد و عطلوا الحدود و استأثروا بالفتیء و احلوا حرام الله و حرّموا حلاله و انا احق ممن غیر؛ بتحقیق که این گروه ملازم اطاعت شیطان شده و از اطاعت خداوند رحمن سرباز زده اند، فساد را

۱. محمد صادق نجفی، سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا - قم - دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰ / ۲۲. به نقل از مقتل

خوارزمی ۱۸۶/۱ و مقتل عوالم ۵۴/۱.

۲. مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۸.

گسترانیدن و حدود الهی را تعطیل کرده اند و فیء و اموال معصوم را به خود اختصاص داده اند، حلال خدا را حرام شمرده و حرام خدا را مباح دانسته اند و من از آنکه اینگونه کرده است به خلافت [سزاوارترم].^۱

جملات فوق به مفاسدی که امام در صدد رفع آنها هستند اشاره می نماید. روشن است که مبارزه و تلاش در براندازی این مفاسد چیزی جز پیروزی در هدف امر به معروف و نهی از منکر نیست.

۶. ولی شناسی: ولایت مهمترین رکن اسلام است؛ به گونه ای که شرط پذیرش اعمال، ولایت مداری است در حدیثی از امام محمد باقر (علیه السلام) چنین نقل شده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ: اسلام بر پنج پایه استوار گردیده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت. آنچنان که کسی به ولایت فراخوانده شد، به هیچ چیز دیگری فراخوانده نشده است.»^۲ شرط اولیه ولایتمداری، ولی شناسی و معرفت اولوالامر است. قرآن کریم در عین اینکه ولایت را تنها از آن خدا و منحصر در او می داند،^۳ آن را برای پیامبر اکرم (ص) و ائمه (علیهم السلام) نیز اثبات کرده است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (مائده: ۵۵)؛ سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند.»

ولایت در زمان رسول خدا (ص)، با وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و در زمان ائمه، با ائمه (علیهم السلام) تحقق یافت و در زمان غیبت امام معصوم (ع)، با نایب عام آن حضرت یعنی ولی فقیه که از سوی حجت الهی، حجت بر خلق هستند، تحقق می یابد؛ ولی فقیه، عهد دار این مسئولیت خطیر و عظیم بوده و ولی امر نظام اسلامی است؛ ولی امر، فرمانروا و مدیر جامعه در حوادث گوناگون اجتماعی است؛ چنان که امام زمان (عج) می فرماید: «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۲۸۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۱۸.

۳. «فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (شوری: ۹)؛ ولی، فقط خداوند است و اوست که مردگان را زنده می کند، و اوست که بر هر چیزی تواناست؛»

فِيهَا إِلَى رُؤَاةٍ أَحَادِيثًا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ: برای حل مشکلات در حوادث. امور سیاسی، عبادی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و... به راویان حدیث و فقهاء مراجعه کنید که آنها در زمان غیبت، خلیفه و حجت من بر شما هستند و من حجت خداوند بر آنها می باشم.^۱

در مقیاس حرکت های مردمی و اجتماعی، ولایت پذیری و ولی شناسی - به عنوان مقدمه آن - می تواند دستاوردهای زیادی را در زمینه تحقق اهداف این حرکت ها به ارمغان آورد:

اولاً از آنجا که امامت و ولایت، مایه جلوگیری از تفرقه و تشتت اجتماعی است، ولی شناسی و معرفت اولوالامر نیز مقدمه برقراری نظم و انتظام و یکپارچگی در حرکت های مردمی خواهد شد و؛ حضرت زهرا (سلام الله علیها) در این باره فرموده اند: **فَجَعَلَ اللَّهُ... إِطَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ**: خداوند اطاعت و پیروی از ما اهل بیت را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه ها قرار داده است.^۲ علاوه بر این، ترویج ولی شناسی در قالب حرکت های مردمی نیز با ارتقاء شناخت و به دنبال آن دلدادگی و پیروی سایر مردم نسبت به ولایت، این انسجام و یکپارچگی را در سطح کلان نیز به بار خواهد آورد و علاوه بر دستیابی به اهداف، هر دشمنی را از اندیشه تعرض به چنین جامعه ای مأیوس خواهد نمود. بنابراین امنیت و بقاء حیات امت نیز دستاورد دیگری است که در پرتو ولی شناسی حاصل می آید.

ثانیاً در شرایط غبار آلود شناختی که مردم دچار فتنه و اضطراب می گردند، برای کسانی که خود را در حرکت های اجتماعی حول ولی، بسیج نموده اند، اضطراب و تردید کمتری ایجاد شده و با اطمینان به ولی، در آنان طمأنینه قلبی و در نتیجه کارایی و انگیزه و نشاط مضاعف در جهت به ثمر رساندن اهداف، شکل می گیرد. ترویج ولی شناسی در قالب حرکت های مردمی نیز این طمأنینه و آرامش و کارایی را به سطح کلان جامعه نیز منتقل نموده و چنین نظام واره ای را در مقایسه با مدل های جوامع بدون ولایت، به مراتب با مطلوبیت و مقبولیت بیشتر مطرح خواهد کرد. هنگامی که این ولایت

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعة، قم، آل البيت لاحیاء التراث (علیهم السلام)، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۵۸.

پذیری برخاسته از آگاهی نسبت به جایگاه الهی ولی باشد، این طمانینه، نشاط، کارایی و انگیزه به مراتب افزایش خواهد یافت و دستاوردهای معنوی و اجتماعی آن نیز فراوان خواهد بود. ثالثاً ولی شناسی موجب هدفمند نمودن حرکت های اجتماعی می گردد. شناخت فلسفه ولایت و تشخیص مصداق ولی، نگاه ولایت پذیران را از دغدغه های روزمره فراتر برده و به آرمان های متعالی متصل می نماید. برانگیخته شدن مردم با انگیزه های الهی نیز نصرت و امداد الهی را به دنبال داشته و با تولید عنصر "برکت"، حرکت های ولایت محور را نتیجه بخش تر خواهد نمود.

رابعاً ولایت و ولی شناسی، آن هم از منظر الهی بودن آن، موجب برانگیختن شمار بیشتری از مردم - آن هم با عزم های استوارتر - حول ولی و بسیج کنندگی مضاعف آنان خواهد شد. خامساً افراد با شناخت ولی و تعریف نمودن عملکرد اجتماعی خود ذیل عنوان "ولایت پذیری"، رضایت باطنی ناشی از انجام وظیفه دینی در درون خود احساس می کنند و این خود منجر به دستاوردهای روانشناسانه مانند اعتماد به نفس، آرامش و انگیزه فراوان در فرد شده و به شدت در میزان کارایی او مؤثر خواهد بود.

سادساً تعیین موضوعاتی که می بایست در آنها حرکت مردمی شکل گیرد اگر با نگاه به خواسته ولی باشد، رفع معضلات جامعه مبتنی بر یک نظام اولویت بندی شدن منسجم و واحد و از منظر حاکم جامعه - که بر امور تسلط شناختی دارد - صورت می گیرد و این خود در دستیابی به اهداف تسریع نموده و امور را مبتنی بر شبکه مسائل رتق و فتق می نماید.

۳.۷. محور سوم: عوامل جاودانگی نهضت عاشورا

۱. اخلاص در عمل: اخلاص در عمل نخستین عامل جاودانگی نهضت عاشورا است که سایه اش را در سالیان سال مخصوصاً در هشت سال دفاع مقدس بر فرهنگ بسیج در کشورمان مشاهده کردیم.
۲. احیای فرایض الهی: دومین رمز جاودانگی نهضت عاشورا احیای فرایض الهی است؛ احیای فرایض الهی از عواملی است که در شجره طیبه بسیج نمود پیدای کند و یکی از رموز جاودانگی نهضت عاشورایی است به گونه ای که حتی امام حسین (ع) فلسفه وجودی قیامشان را احیای دو فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر ذکر کردند.

۳. تکلیف‌گرایی: تکلیف‌گرایی، سومین رمز جاودانگی عاشورا است که در پیشانی بسج می درخشد و امام حسین با علم به کشته شدن شکست در ظاهر، به خاطر عمل به تکلیف حضور پیدای کند و تکلیف را فدای نتیجه نمی‌کند.

حضرت امام خمینی درباره تکلیف‌گرایی سیدالشهدا (ع) می‌فرمایند: «حضرت سیدالشهداء تکلیف برای خودشان دانستند که بروند و کشته هم بشوند و محو کنند آثار معاویه و پسرش را.»^۱ در کلام فوق حضرت امام (ره) به قیام امام حسین (ع) انگیزه‌های مختلفی را نسبت داده‌اند، انگیزه تشکیل حکومت اسلامی، انگیزه جلوگیری از ظلم ظالمان، انگیزه دفاع از حقیقت اسلام و مبارزه با کج‌اندیشی‌ها و انحرافات فکری، انگیزه شهادت خواهی در راه رسوایی ظلم و حیات اسلام، انگیزه امر به معروف و نهی از منکر؛ امام خمینی در این باره می‌فرماید: «اینکه حضرت ابی‌عبدالله (علیه السلام) نهضت کرد و قیام کرد، با عدد کم در مقابل این [ظالمان]، برای اینکه گفتند تکلیف من اینست که استنکار کنم، نهی از منکر کنم.»^۲

«او تکلیف می‌دید برای خودش که باید او با این قدرت مقابله کند و کشته هم بشود تا به هم بخورد این اوضاع، تا رسوا بکند این قدرت را با فداکاری خودش و این علم‌ای که همراه خودش بود. او دید که یک حکومت جائری است که بر مقدرات مملکت او سلطه پیدا کرده است، تکلیف خودش را، تکلیف الهی خودش را تشخیص داد که باید نهضت بکند و راه یفتد و برود و مخالفت بکند و اظهار مخالفت و استنکار کند هر چه خواهد شد، در عین حالی که به حسب قواعد معلوم بود که یک عدد اینقدری نمی‌تواند با آن علم‌ای که آنها دارند مقابله کند ولی تکلیف بود.»^۳

انگیزه امثال تکلیف گرچه متوقف بر علم به تکلیف است و علم به تکلیف برای انسانهای عادی غالباً از طریق احکام شرعی و یا عقلی دیگر حاصل می‌شود، اما با این حال اگر مکلف انجام عمل را فقط بخاطر تکلیف قرار دهد و انگیزه‌های دیگر را در طول انجام تکلیف در نظر

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۱۹-۴۲۰.

۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۷-۸.

۳. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۷-۸.

داشته باشد، سطح عمل خویش را از جهت تقدس مطلوبیت و محبوبیت به درگاه الهی بالا برده است. یکی از جنبه های تقدس و والایی حرکت های سیاسی پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) خصوصاً امام حسین (ع)، توجه به این نکته در انگیزه و قصد حرکت و عمل است. امیر المؤمنان (ع) مبنای دیدگاه تکلیف گرایانه را اینگونه توضیح می فرمایند:

«قال علیه السلام؛ وقد سئل عن معنى قولهم (لا حول ولا قوة الا بالله): انا لانملك مع الله شيئاً ولا نملك الا ما ملئنا، فمضى مَلَكنا ما هو املك به منا كَلَفنا ومتى اخذه منا وضع تكليفه عنا؛ [واز معنى لا حول ولا قوة الا بالله از او پرسیدند، فرمود: [با وجود خدا ما را بر چیزی اختیار نماند و چیزی نداریم جز آنچه او را مالک آن گرداند، پس چون ما را مالک چیزی کرد که خود بدان سزاوارتر است. تکلیفی بر عهد مان گذاشته و چون آن را از ما گرفت تکلیف خود را از ما برداشته.]]^۱

این انگیزه تکلیف گرایی اختصاص به دو نهضت یاد شده ندارد، هر جا که موحدی راستین وجود داشته باشد در حرکت های وی رنگ تعبد و بندگی و روحیه تکلیف گرایی و امثال خواهی مشاهده می شود. امام نیز در موارد متعددی به سیره انبیا و ائمه در این زمینه اشاره نموده اند.

۴. حضور شمشیر در کنار زبان منطق: حضور شمشیر در کنار زبان منطق رمز جاودانگی دیگری است که امام (ع) در صحنه عاشورا و در میدان کارزار، زبان به موعظه و نصیحت امت منحرف می گشاید. امیر مؤمنان (علیه السلام) در مجبوحه جنگ جمل، هنگامی که شخصی از ایشان درباره توحید سؤال نمود؛ به طور مستدل به وی پاسخ داد؛ اصل قضیه به شرح زیر است: در جنگ جمل، مردی اعرابی از امیر مؤمنان (علیه السلام) پرسید: «آیا خداوند واحد است؟» اصحاب بر او تاختند و گفتند: «اکنون چه جای این پرسش است که علی در حال جنگ است؟!» حضرت امیر (علیه السلام) فرمود: «بگذارید پرسد که جنگ مانیز بر سر همین است.» آن گاه فرمود:

«ای اعرابی! اینکه می گوئیم خدا واحد است چهار معنی می تواند داشته باشد که دو معنی آن درباره خدا صحیح نیست، و دو معنی آن صحیح است. اما آن دو که صحیح نیست: وحدت عددی است این

۱. نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، نامه ۴۰۴.

برای خدا جائز نمی باشد (بگوئیم او یکی است و دو تان نیست، زیرا مفهوم این سخن آن است که دومی برای او تصویری شود ولی وجود ندارد، در حالی که مسلماً برای ذات بی نهایت حق دومی تصور نمی شود) چرا که چیزی که ثانی ندارد داخل در باب اعداد نمی شود، آیا نمی بینی که خداوند کسانی را که گفتند: إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ (خدا سومی از سه نفر است) تکفیر کرده؟ دیگر از معانی واحد که بر خدا روا نیست این است که به معنی واحد نوعی باشد، مثل اینکه می گوئیم فلان کس یکی از مردم است، این نیز بر خدا روا نیست (چرا که خدا نوع و جنسی ندارد) مفهوم این سخن تشبیه است و خدا از هر گونه شبیه و نظیر برتر و بالاتر است. اما آن دو مفهومی که درباره خدا صادق است نخست اینکه گفته شود خداوند واحد است، یعنی در اشیاء عالم شبیهی برای او نیست، آری پروردگار ما چنین است. دیگر اینکه گفته شود پروردگار ما احدی المعنی است یعنی ذات او تقسیم پذیر نیست، نه در خارج و نه در عقل، و نه در وهم، آری خداوند بزرگ چنین است کوتاه سخن اینکه خداوند احد و واحد است و یگانه و یکتا است نه به معنی واحد عددی، یا نوعی و جنسی، بلکه به معنی وحدت ذاتی، و به عبارت روشنتر وحدانیت او به معنی عدم وجود مثل و مانند و شبیه و نظیر برای او است. دلیل این سخن نیز روشن است: او ذاتی است بی نهایت از هر جهت، و مسلم است که دو ذات بی نهایت از هر جهت غیر قابل تصور است، چون اگر دو ذات شد هر دو محدود می شود، این کمالات آن را ندارد، و آن کمالات این را.^۱

این نشان می دهد که حتی در اوج درگیری نظامی نیز استدلال و تبیین جایگاه خود را داشته و نمی بایست به بهانه لزوم توجه به رزم، آن را ترک نمود. بسیج مردمی در همه عرصه ها چنین ویژگی ای دارد و می بایست، دلایل این حضور برای بسیج کنند، بسیج شوند و سایر افراد در محیط پیرامونی این حرکت ها روشن باشد به طوری که اگر کسی فلسفه این اقدام را پرسید، با پاسخی روشن، برخاسته از استدلال های درونی افراد، مواجه شود. در اینجا آنچه اهمیت دارد این است که افراد بدانند دارند چه میکنند و اهمیت و ضرورت اقدام خود را درک کنند تا بتوانند در برابر شبهات و طعن های موجود

۱. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، قم، رضی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۶.

استقامت نمایند و حداقل توان موجّه دانستن اقدام خود، در برابر سایر مدل ها و روش های اقدام را داشته باشند. نتیجه این مستدل بودن، توانایی استدلال و دفاع از حرکت خود در برابر مخالفت دیگران و پایداری و عدم تزلزل در برابر آنان است.

۴.۷. محور چهارم: آثار دیدگاه تکلیف گرایی

تشخیص تکلیف الهی همواره با تشخیص وظیفه سیاسی یک سیاستمدار منطبق نیست چرا که ملاکهای تکلیف الهی اعم از ملاک سیاستمداران است، با توجه به مجموعه معیارهای مهم در دیدگاه یک انسان تکلیف گر آگاهی اوقات عملی که از جهت سیاسی دارای برد و پیروزی قطعی یا حتی احتمالی نیست از جهت شرعی مطلوب و لازم الاجراست.

امام در تفاوت بین این دو نوع دیدگاه با اشاره به اعمالی که مورد تعلق تکلیف الهی قرار می گیرند می فرماید: «در همه مسائل که انسان اقدام می کند یک قسم مسائل اینطور است که انسان باید ملاحظه کند که در این عملی که می کند نتیجه حاصل می شود؟ آیا می رسد به این مقصدی که دارد؟ نمی رسد؟ اگر مطمئن شد که به آن مقصد می رسد، اقدام می کند و اگر مطمئن نشد اقدام نمی کند. یک قسم از مسائل هم هست که انسان تکلیف دارد از طرف خدا که اصل مطلب یک تکلیفی است و نتایجی هم احتمال می رود حاصل بشود و احتمال هم می رود که حاصل نشود، در این مسائل که آدم تکلیف دارد اقدام کند دیگر نباید در آن مسائل علم به اینکه یک نتیجه ای یک مطلبی را که ما می خواهیم حاصل شود، این لازم نیست علم پیدا کند، انسان دنبال اینست که آن تکلیفی که به انسان شده است به آن تکلیف عمل کند.»^۱

حضرت امام در بعضی از مقاطع حساس با توجه به منطق مذکور، به کارهایی دست می زدند که از دید عرفی و عملی سیاسیون شایسته نمی نمود اما حضرت امام (ره) با توجه به تشخیص تکلیف الهی بدون توجه به در صد پیروزی و موفقیت آن، به آن عمل مبادرت می ورزیدند.

امام خینی فرمودند:

۱. صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۳۹-۳۴۰.

«من در پاریس که بودم، بعضی خیراندیش‌های گفتند که نمی‌شود دیگر، وقتی که نمی‌شود باید چه کرد؟ باید قدری... گفتم: ما تکلیف شرعی داریم عمل می‌کنیم و مقید به این نیستیم که پیش ببریم برای اینکه آن را ما، نمی‌دانیم، قدرت‌ش را هم الآن نداریم اما تکلیف داریم، ما تکلیف شرعی خودمان را عمل می‌کنیم، من اینطور تشخیص دادم که باید این کار را بکنیم، اگر پیش بردیم هم به تکلیف شرعی عمل کرده ایم، همه رسیدیم به مقصد، اگر پیش نبردیم به تکلیف شرعی مان عمل کرده ایم.»^۱

سیره امام خمینی (ره) همواره نشانگر این آرامش درونی بوده است، از ایشان نقل شده که در شب دستگیری و انتقال به تهران با دلداری دادن مأموران، آنها را از ترس و وحشت و اضطراب دور می‌نمودند، هنگام حرکت از پاریس به تهران در آن سفر پر خطر آرامش ویژه امام و استراحت ایشان در هواپیما قابل توجه است، حضرت ایشان در کلامی می‌فرمایند:

«اگر چنانکه ما برای مقاصد اسلام بترسیم دین نداریم... از چه بترسیم؟ آن باید بترسد که غیر از این عالم جایی ندارد.»^۲

هنگامی که یکی از روحانیون مبارز در طی نامه‌ای از اوضاع و احوال اظهار نگرانی کرده بود. امام در پاسخ او با توجه به این دیدگاه پاسخ دادند: «اگر انسان در این اوضاع و احوال قیام به وظیفه کند و موفق به خدمت شود، نگرانی ندارد. نگرانی آنجاست که به خدمت قیام نکند و از وظیفه -خدای نخواست- شانه خالی کند.»^۳

۱. پیروزی دائمی: از آثار بسیار مطلوب این دیدگاه احساس پیروزی دائمی است، چرا که نفس انجام تکلیف خود نتیجه است. حال اگر نتیجه متوقع نیز حاصل شود پیروزی دوچندان گردید و اگر نه، پیروزی توفیق انجام تکلیف به حال خود باقی است. چون رسیدن به نتایج دیگر در مقایسه با نتیجه انجام تکلیف الهی از اهمیت کمتری برخوردار است، همواره تکلیف‌گرا احساس پیروزی می‌کند.

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۹-۱۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۹۴.

۳. همان، ج ۲، ص ۷۰.

امام در این باره می‌فرماید: «اگر انسان به وظیفه الهیه موفق شود نتیجه حاصل است، به نتیجه منظوره برسد یا نه، ... وصول به مقاصد و عدم آن بسته به اراده الهیه است و بر ما تکلیفی نیست.»^۱

و در همین راستا می‌فرماید: «ما نباید نگران باشیم که مبادا شکست بخوریم، باید نگران باشیم که مبادا به تکلیف عمل نکنیم، نگرانی ما از خود ماست، اگر ما به تکلیفی که خدای تبارک و تعالی برای ما تعیین کرده عمل بکنیم باکی از این نداریم که شکست بخوریم چه از شرق، چه از غرب، چه از داخل و چه خارج و اگر به تکلیف خودمان عمل نکنیم شکست خورده هستیم، خودمان، خودمان را شکست داده ایم.»^۲

این احساس پیروزی در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است، به پیامبر (ص) فرمان داده شد که بگوید:

«قُلْ هَلْ تَرْتَضُونَ بِنَا إِلَّا أَحَدًا الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرْتَضُ بِكُمْ أَنْ يُضَيِّكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْيَدِنَا^۳ فَتَرْتَضُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرْتَضُونَ (توبه: ۵۲)؛ بگو: آیا درباره ما جز یکی از دو نیکی [پیروزی یا شهادت] را انتظاری برید؟ در صورتی که ما درباره شما انتظاری بریم که خدا از سوی خود یا به دست ما عذابی به شما برساند؛ پس انتظار برید که ما هم با شما منتظریم.»

از لوازم این دیدگاه استقبال از خطرات و قاطعیت و طرد مسامحات سیاسی است، امام در قاطعیت و تأثیر ناپذیری خودشان در تحت شعاع توجه به تکلیف اشاره نموده و فرموده اند: «اگر بنا بود من تحت تأثیر واقع شده بودم از اول بنا نبود، نباید اصلاً وارد بشوم در کار با اینکه به من خیر خواهی کردند الی ما شاء الله، در پاریس هم که بودم خیر خواهی زیاد شد لکن دیدیم که يك تکلیف است که ما ادای کنیم.»^۳

۲. توجه به تکالیف اجتماعی و مکانیزم تشخیص آن: نکته مهم دیگری که مورد توجه قرار می‌گیرد، تکالیف اجتماعی و عمومی و مکانیزم تشخیص آن است. امام خمینی حفظ نظام جمهوری

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۱.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۶۹-۷۰.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۲۸۷-۲۸۹.

اسلامی، حفظ وحدت اقشار جامعه، حضور در صحنه های حساس سیاسی را از تکالیف اجتماعی همه مردم می دانستند و در مواقع مختلف به تکلیف شرعی بودن این امور توجه می دادند.^۱ اما در مکانیزم تشخیص این تکلیف شیوه روشنی را ارائه نفرمودند، از اینکه در مواردی چون هجرت از پاریس به تهران و عزل قائم مقام رهبری با نظر خیر خواهانی که غالباً از همراهان و مسئولان بودند، مخالفت می نمودند و در مقابل خیر خواهی آنان به تشخیص تکلیف شرعی اشاره می نمودند، بدست می آید که در دیدگاه امام تشخیص تکلیف مبتنی بر مشورت و یا رأی اکثر مشاوران نبوده است اما با این حال حضرت امام به مواردی نیز اشاره کرده اند که بر اساس نظرات مشاوران به اخذ تصمیمات مهمی نیز مبادرت ورزیده اند. گرچه در بعضی از این موارد حضرت ایشان پس از گذشت زمان به عدم صحت تصمیم گیری ها اشاره کردند.^۲ اما در مجموع نشانگر وجود تصمیم گیری های اینگونه در سیره امام انکار ناپذیر است. البته امام با توجه به تصفیه باطن و تهذیب نفس که در اثر رعایت تقوی در طول سالیان بدست آورده بودند، بطور مسلم از نور الهی برخوردار بوده و در بسیاری از موارد از آن هدایت خاص الهی بهره مند می گردیدند، رمز موفقیت اعجاز آمیز ایشان در زندگی سیاسی در این نکته نهفته است.

۱. همان، ج ۱۱، ص ۴۹-۵۰.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۷۳.

۸. جلوه‌های ولایت (تولی) و برائت (تبری) در روزگار ما

اسداله کردفیر و زجائی

دواصل ولایت (تولی) و برائت (تبری) از جمله اصول مهم در اسلام است که به مسلمانان کمک می‌کند تا در مسیر درست حرکت کنند و از انحراف و گمراهی مصون بمانند. این دواصل در کنار هم، به عنوان یک فاکتور مهم در تعیین هویت و جهت‌گیری مسلمانان عمل می‌کنند و آن‌ها را در برابر چالش‌ها و فتنه‌های روزگاریاری می‌رسانند.^۱ در اینجا لازم است ابتدا واژگان «ولایت» و «برائت» معناشناسی شوند.

۱.۸. معناشناسی ولایت و برائت

الف) ولایت: «ولایت» واژه‌ای عربی است برگرفته از کلمه‌ی «وَلَّی» و آن در لغت، به معنای آمدن چیزی است در پی چیز دیگر؛ بدون آن که فاصله‌ای در میان آن دو باشد که لازمه‌ی چنین ترتیبی، قرب و نزدیکی آن دو به یکدیگر است. از اینرو، این واژه با هیئت‌های مختلف (به فتح و کسر) در معانی «حب و دوستی»، «نصرت و یاری»، «متابعت و پیروی»، و «سرپرستی» استعمال شده که وجه مشترک همه این معانی همان قرب معنوی است.^۲ راغب در مفردات می‌نویسد: «ولایت»، به کسر واو به معنای نصرت و یاری رساندن است، و به فتح واو به معنای «تولی» و سرپرستی امور می‌باشد. سرانجام در یک اظهار نظر نهایی چنین گوید: «وَحَقِيقَتُهُ تَوَلَّى الْأَمْرِ»: حقیقت ولایت سرپرستی و تصدی امر است.^۳

بر این اساس، می‌توان گفت: «ولایت» که مصدر «ولی» باشد به معنای دوستی، یآوری و سرپرستی استعمال می‌شود که در اینجا هم معنا با «تولی» است؛ یعنی پذیرش دوستی و کسی را دوست خود قرار دادن. بنابراین، «تولی» می‌تواند به معنای پذیرش سرپرستی و کسی را سرپرست خود قرار دادن نیز

۱. امام رضا (ع): «كَمَالُ الدِّينِ وَلَايَتُنَا وَ الْبَرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا»؛ کمال دین با ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما است. (محمدباقر

مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۸)

۲. ر.ک. مرتضی مطهری، ولأه‌ها و ولایتها، ص ۱۳-۱۵

۳. مفردات راغب، ص ۵۳۳

باشد؛ زیرا دوستی و سرپرستی لازم و ملزوم یکدیگرند و پذیرش دوستی مقدمه پذیرش سرپرستی است؛ چراکه دل سپردن مقدمه سرسپردن است و انسان تا به کسی دل نبندد نمی تواند سرسپرده او شود و چنانکه باید و شاید تسلیم او گردد.

اما در اصطلاح عبارت است از پذیرش حکومت، سرپرستی و دوستی خدا و پیامبر و کسانی که از جانب آنها تعیین شده و نیز پیوند و رابطه نزدیک با افراد، گروهها و نظامهایی که محبوب خدا هستند. به بیان دیگر، ولایت که مقصود از آن در اینجا همان تولی است؛ یعنی به هم پیوستگی و اتصال شدید مؤمنانی که هدف واحدی را تعقیب می کنند و همچنین به معنای دوست داشتن، تصدیق و تبعیت و پذیرش ولایت خدا، پیغمبر (ص)، ائمه (ع) و جانشینان ائمه (ع) در عصر غیبت است و مقام معظم رهبری از تولی به عشق و پیوند و دوستی تعبیر می کنند^۱ در نتیجه می توان ولایت را در دوستی با دوستان خدا و به هم پیوستگی آنان خلاصه کرد و این نقطه مشترک بین ما و اهل سنت است. همین عشق و دلدادگی است که باعث پذیرش ولایت و سرپرستی خدا و اولیای الهی می گردد. با این اوصاف، معنای تولی عبارت است از دوست داشتن، تصدیق نمودن و تبعیت و پذیرش ولایت خدا و پیامبر و ائمه (ع).

ب) برائت: «برائت» یا «تبری» از ماده «برء» به معنای دوری از هر نقص و عیب و کناره گیری از چیزی است که انسان از نزدیک شدن به آن تنفر دارد. در زبان عربی کسی که از مرضی شفای یابد می گوید: «بَرَأْتُ مِنَ الْمَرَضِ»؛ از بیماری رها شدم. یا وقتی با کسی قطع رابطه می کند می گوید: «بَرَأْتُ مِنْ فُلَانٍ»؛ از او دوری جسته و کناره گرفتم.^۲

بر این اساس تبری در لغت به معنای دوری کردن از چیزی که مجاورت با آن ناپسند است و یابیزاری جستن و مانند اینها آمده است. در فارسی نیز «تبری جستن» به معنای یبیزاری و دوری جستن است. به طور خلاصه برائت یا تبری در اصطلاح نیز عبارت است از دوری جستن از فرد و جریانی که جهت الهی ندارد. به بیان دیگر، برائت در اینجا یعنی جدا شدن از جبهه باطل و ابراز تنفر از کسانی که با

۱. نرم افزار ولایت.

۲. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۱، ص ۲۲

ولایت خدا، پیامبر (ص)، ائمه معصومین (ع) و جانشینانشان مخالفند. بنابراین، بر هر مسلمانی لازم است با هر کسی که همراه و همگام با شیطان و اولیای شیطان است ابراز تنفر نماید و از آنان جدا گردد.

۲.۸. تلایم ولایت و برائت

از آشکارترین و بدیهیترین مسائلی که با فطرت انسان کاملاً موافقت دارد «دوستی و دشمنی» و یا به تعبیری دیگر «حب و بغض» به صورت توأمان است. به بیان دیگر، ایمان به غیر از حب و بغض چیز دیگری نیست. همانطوری که امام صادق (ع) می‌فرماید: «آیا ایمان (دین) جز دوستی و دشمنی است؟»^۱

بر این اساس ولایت و رزی نسبت به اولیای الهی باید همراه و ملازم با تبری و برائت از اولیای شیطان باشد؛ زیرا معنای آنست که انسان ولایت خدا و اولیای او را بپذیرد ولی نسبت به دشمنانشان بیزاری ننجد. دل سپردگی و سرسپردگی نسبت به دو چیز متضاد امکان پذیر نخواهد بود. به عنوان مثال کسی که دل سپرده و سرسپرده امام حسین (ع) است و به او عشق می‌ورزد به همان اندازه باید به دشمنان و قاتلینش متنفر و بی‌زار باشد. خداوند در این رابطه می‌فرماید: «ما جعلَ اللهَ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» (احزاب: ۴)؛ خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است. امیر المؤمنین علی (ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید:

دوستی ما و دوستی دشمنان ما در وجود یک انسان جمع نمی‌شود، چون خداوند برای انسان دو قلب قرار نداده که بایکی این را دوست بدارد و با دیگری آن را دشمن بدارد. دوستدار ما باید عشق و علاقه خود را برای ما خالص بگرداند همانطوری که طلا در داخل آتش خالص و تمام عیار می‌گردد. بنابراین هر کسی می‌خواهد بداند که دوست واقعی ما هست یا نه، قلب خود را مورد آزمایش قرار دهد. اگر در دل او همراه محبت ما، محبت دشمن ما هم باشد او از ما نیست و ما هم از او نیستیم.^۲

۱. هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۵)

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۳۱۸.

۳.۸. جلوه‌های ولایت و برائت در زمان ما

در دنیای کنونی که شاهد تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمنان هستیم، تولی و تبری اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. با تمسک به این دو اصل، می‌توان از ارزش‌های اسلامی خود دفاع کرد و در برابر توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمنان ایستادگی نمود. از این رو، جلوه‌های تولی و تبری در روزگار ما با توجه به شرایط حاضر شامل محبت و پیروی از رهبران دینی مانند ولی فقیه و یزازی از دشمنان اسلام و دشمنان ارزش‌های دینی است. بنابراین، جلوه‌گری ولایت و برائت در زمان ما در ابعاد فردی و اجتماعی قابل بررسی است که به آنها اشاره می‌شود

الف) تولی و تبری در بعد فردی: در بعد فردی، تولی به معنای محبت، عشق ورزی و پیروی از ائمه اطهار (ع)، عالمان ربانی دین و مراجع دینی و عمل به دستوراتشان و در رأس همه ولی امر مسلمانان امام خامنه‌ای (دام‌ظله) است که همه باید در عمل به آن پایبند باشند و تبری به معنای دوری از دشمنان دین و کسانی است که با ارزش‌های اسلامی مخالفت می‌کنند و دشمنان دین را الگوی خود قرار می‌دهند.

ب) تولی و تبری در بعد اجتماعی: تولی و تبری در بعد اجتماعی به معنای دوستی و یاری با دوستان خدا و یزازی از دشمنان اوست. این اصل در اسلام، به ویژه در مکتب تشیع، جایگاه ویژه‌ای دارد و بر رفتار اجتماعی و نحوه ارتباطات و کنش‌ها و عملکردها تأثیر می‌گذارد. بنابراین، تولی در بعد اجتماعی عبارت است از حمایت و دفاع از نظام اسلامی و دفاع از مظلومان عالم مانند ملت مظلوم فلسطین و مانند آن و تبری عبارت است از مخالفت و دوری جستن از ظالمان و مستکبران عالم مانند دوری جستن از استکبار جهانی آمریکا و سرکردگانش.

در نهایت، تولی و تبری در بعد اجتماعی، می‌توانند، نقشی اساسی در شکل‌گیری جامعه‌ای سالم و متعالی ایفا کنند.

۹. شاخص‌های حسینی بودن (باحسین، بودن در عاشورا و یا حسین، گفتن در زمان حاضر)

سید رضی سید نژاد

هر جامعه‌ای همواره در پی یافتن الگوهایی است که بتواند با پیروی از آن‌ها، راه سعادت و کمال را پیماید و در این جستجوی کوشد، بهترین‌ها را برگزیند. اسوه یعنی کسی که دیگران باید از او الگو بگیرند و مانند او شوند. نهضت عاشورا صحنه‌ای است که در بستر آن، الگوهای شکل گرفته است که بی‌تردید در طول تاریخ بشر نمی‌توان همانندی برای آنان یافت. در این قیام، قهرمان‌های بی‌شماری وجود دارند؛ به گونه‌ای که برای هر قشر و جنس و گروه سنی، الگویی قابل عرضه وجود دارد. نه تنها شخصیت والای حسین بن علی (ع) که جامع تمامی کمالات است، بلکه هریک از یاران و همراهان آن حضرت نیز برای دیدگان عبرت‌آموز، قابل پیروی و الگوگیری است. تمامی ارزش‌های دینی و انسانی در قلمروی الگودهی آنان می‌گنجد؛ زیرا تمامی معارف و ارزش‌ها در عاشورا خلاصه شده است.

در قیام جاودانه حسین (ع) از یک سو، مفاهیم اخلاقی از قبیل ایثار، از خودگذشتگی، شجاعت، شهامت و صداقت، معانی واقعی خود را می‌یابند و از سوی دیگر، مفاهیم کلی اسلامی همچون حریت، انسانیت و مسلمانی که در گردباد توطئه‌ها به باد فراموشی سپرده شده بود، در قالب تصاویری زیبا تفسیر می‌شوند. اسطوره‌های شجاعت و مردانگی، تندیس‌های کامل عشق و محبت و اسوه‌های شگفت‌انگیز صبر و پایداری تنها شمه‌ای از این اقیانوس بی‌کران‌اند.

لازمه بهره‌گیری از ظرفیت‌های جهانی عاشورا، بهره‌گیری از قالب‌های نوین برای عرضه ارزش‌ها و فرهنگ آن است. به عبارت دیگر، ارزش‌های این قیام باید به گونه‌ای عرضه شود که بتواند پاسخ‌گوی نیازهای روز جامعه باشد.^۱

۱. ر.ک. سید مهدی موسوی، «نگاهی به قابلیت‌ها و روش‌های بهره‌برداری از نهضت عاشورا»، مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی امام خمینی (ره) و فرهنگ عاشورا، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶ ش، دفتر دوم، ص ۶۱۷.۶۰۳.

امروز «با حسین» بودن اقتضائاتی دارد و تکالیفی را بر عهده ما قرار می‌دهد. بر پایه درس‌های عاشورایی می‌توان وظایف و تکالیفی که در عصر حاضر بر عهد داریم را بشناسیم و مطابق آن عمل کنیم. برخی از این آموزه‌ها عبارتند از:

- پایبندی به اصول و ارزش‌های انقلاب و حفظ و حمایت از نظام اسلامی
 - پاسداری و ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه
 - ذلت‌ناپذیری و حفظ کرامت انسانی
 - مبارزه برای برقراری عدالت در جامعه
 - حفظ وحدت و همبستگی
 - مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و خدمت به جامعه
 - حمایت از مظلومان و مستضعفان
 - آگاهی از مسائل ملی و بین‌المللی
 - عمل به تکلیف با وجود محدودیت
 - سربازی در رکاب ولی امر مسلمین
 - انتظار و زمینه‌سازی ظهور امام زمان (ع)
 - تلاش برای تحقق تمدن نوین اسلامی
- از میان موارد مذکور و درس‌های بسیار دیگر که از نهضت بیدارگر حسینی آموختنی است، برای نمونه به چند مورد در قیام عاشورای پردازیم:

۹-۱. شناخت تکلیف و عمل به آن

یکی از بزرگترین الطاف و توفیقات الهی به بندگانش، تکلیف‌گرایی است. به این معنا که «انسان در راه رسیدن به نتیجه مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند.» این کار هر چند به ظاهر امری ساده به نظر می‌رسد اما انسان در مقام عمل با دشواری‌های زیادی مواجه می‌گردد که از مهمترین آنها می‌توان

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در دیدار با دانشجویان، ۶/۵/۱۳۹۲.

به شناخت تکلیف و درگام بعدی توفیق در عبور از موانع و عمل به آن اشاره کرد. لازمه و ابزار موفقیت در این عرصه، وجود سلامت نفس، برخورداری از قوه فرقان (تشخیص حق از باطل) و بصیرت است. یکی از مهمترین شاخصه‌های امام حسین (ع) و اصحابان تکلیف‌مدار و تکلیف‌گرا بودن آنها بود و این به وضوح در سخنان و رفتار آنها قابل مشاهده است. هنگامی که دعوت نامه‌های پیاپی مردم کوفه به امام حسین (ع) رسید، ایشان هرچند از سست عهدی کوفیان آگاه بود، ولی آن اعلام حمایت‌ها را تکلیف‌آور دانست و به سوی آنان حرکت کرد. امام خمینی (ره) که خود سال‌ها بعد با همین انگیزه، قیامی عزت‌آفرین را پایه ریخت، در سخنانی درباره این آموزه عاشورایی می‌فرماید:

گذشته سرمشق هست از برای ما. حضرت سیدالشهداء عدد کمی، بایک عدد کمی حرکت کردند و مقابل یزید که خوب یک حکومت قلدری بود، یک حکومت مقتدری بود و اظهار اسلام هم می‌کرد... در عین حالی که به حسب قواعد معلوم بود که یک عدد این قدری نمی‌تواند با آن عدای که آنها دارند، مقابله کند، لکن تکلیف بود. این یک سرمشقی است از برای شما و ما... قضیه تکلیف است.^۱

سعید بن عبدالله یک نمونه از یاران ولایتمدار سیدالشهداء (ع) بود که در روز عاشورا، وقتی امام حسین (ع) قصد اقامه نماز نمود، خود را سپر حضرت قرار داد و از چپ و راست آماج تیرهای دشمن قرار گرفت و با سر و دست و دیگر اعضایش، باران تیر را دفع کرد و اجازه نداد حتی یک تیر به امام حسین (ع) اصابت کند. پس از اتمام نماز عرضه داشت: «ای پسر رسول خدا، آیا وظیفه‌ام را به نیکی انجام دادم» امام در پاسخش فرمود: «نعم، أَنْتَ أَمَامِي فِي الْجَنَّةِ؛ آری، تو در بهشت نیز پیش روی من خواهی بود.» سعید پس از شنیدن پاسخ امام، به شهادت رسید.^۲

۱. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۱۶۲، ۱۶۳.

۲. محمد سماوی، ابصار العین فی انصار الحسین (ع)، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۴، ص ۱۸۵.

البته باید توجه کرد که در عمل به تکلیف باید به اولویت‌ها توجه کرد و وظیفه‌ای را مقدم نمود که از همه مهم‌تر و حیاتی‌تر است. امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در اشاره به این حقیقت از آن به عنوان درس‌های عاشورا یاد می‌کند و می‌فرماید:

یکی از این درس‌ها، این نکته مهم است که حسین بن علی (ع) در یک فصل بسیار حساس تاریخ اسلام، وظیفه اصلی را از وظایف گوناگون و دارای مراتب مختلف اهمیت، تشخیص داد و این وظیفه را به انجام رساند. او در شناخت چیزی که آن روز دنیای اسلام به آن احتیاج داشت، دچار اشتباه نشد. در حالی که این، یکی از نقاط آسیب‌پذیر در زندگی مسلمین، در دوران‌های مختلف است؛ یعنی اینکه، آحاد ملت و راهنمایان آن‌ها و برجستگان دنیای اسلام، در برهه‌ای از زمان، وظیفه اصلی را اشتباه کنند. ندانند چه چیز اصلی است و باید به آن پرداخت و باید کارهای دیگر را اگر لازم شد فدای آن کرد؛ و چه چیز فرعی و درجه دوم است و هر حرکت و کاری را به قدر خود آن باید اهمیت داد و برایش تلاش کرد.^۱

۹-۲. ذلت‌ناپذیری و حفظ کرامت انسانی

افراد جامعه اسلامی، نه حق دارند دیگران را مورد تحقیر قرار دهند و نه موجبات خواری و ذلت خویش را فراهم آورند. نهضت حسین (ع)، مدرسه عزت است و این حقیقت در جای جای حماسه او جلوه دارد. در آغاز نهضت چون خبر مخالفت حسین (ع) در بیعت با یزید به گوش مردم رسید و خاندان آن حضرت پی بردند که حسین (ع) تصمیم به مقابله دارد، برخی تلاش کردند که آن حضرت را از تصمیمش منصرف کنند؛ و از این رو به سازش با باطل و ستم و کرنش در برابر مستبدان و ستمگران توصیه کردند، اما حسین (ع)، محکم و استوار بر حق ایستاد و فرمود: «لَا أُعْطِي الدَّيَّةَ مِنْ نَفْسِي أَبَدًا»^۲ هرگز تن به پستی نخواهم داد [وزیر بار ذلت نخواهم رفت].

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در دیدار جمعی از روحانیون، ۷/۵/۱۳۷۱.

۲. علی بن موسی بن طاووس حلی، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه سیداحمد فهری زنجانی، تهران، جهان، ۱۳۴۸، ص ۲۷.

معادباوران هر اسی از مرگ به دل راه نداده و در زمان کوتاه زندگی دنیوی نیز، تن به ذلت نمی دهند.
امام حسین (ع) در مقایسه ای حقیقی در این باره فرمود:

مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ؛ 'مرگ با عزت، بهتر از زندگی در ذلت است.

در روز عاشورا نیز، آن هنگام که دو سپاه رویاروی یکدیگر قرار گرفتند و سپاه عمر بن سعد از هر طرف حسینیان را محاصره کرد و خیمه های حسین (ع) را چون نگین انگشتی در میان خود گرفت، آن حضرت از میان سپاه خویش بیرون آمد و در برابر صفوف دشمن قرار گرفت و سخنانی حماسی و درس آموز و بیدار کننده بیان کرد و عزت حسینی را یادآور شد و فرمود:

أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَّزَيْنِ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَالذِّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ، يَا بَنِي اللَّهِ لَنَا ذَلِكَ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَحُجُورٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ وَأُتُوفُ حَيَّةً وَنُفُوسٌ أَيْتَةٌ مِنْ أَنْ نُؤْتَرَ طَاعَةَ اللَّثَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ؛^۲ آگاه باشید که این بی سبب فرزندی بی سبب،^۳ مرا میان دو چیز قرار داده است: شمشیر و خواری. خواری از ما دور است و خداوند آن را برای ما نمی پذیرد و نیز پیامبرش و مؤمنان و دامن هایی پاک و پاکیزه و جان هایی غیرت مند و خوددار که اطاعت از فرومایگان را بر مرگی کریمانه، مقدم نمی دارند.

۱. محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۶۸؛ محمد باقر مجلسی، همان، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

۲. علی بن موسی بن طاووس حلی، اللہوف علی قتلی الطفوف، همان، ص ۹۸.۹۷؛ علی بن حسین مسعودی، إثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب (ع)، قم، انصاریان، ۱۳۸۴، ص ۱۶۶؛ موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین (ع)، تحقیق محمد سماوی، قم، انوار الهدی، ۱۴۲۳ ق، ج ۱، ص ۱۲۰؛ احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق سید محمد باقر موسوی خراسانی، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۳۰۰؛ حسن بن علی بن شعبه حرانی، همان، ص ۲۴۱؛ عبد الحمید بن هبة الله بن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبة آیت الله المرعشی النجفی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۵۰.۲۴۹.

۳. منظور، عبید الله بن زیاد است که معاویه، برخلاف شریعت اسلام، پدر او (زیاد) را که پدرش معلوم نبود، برادر خود و فرزند ابوسفیان خواند (توضیح از مترجم در: محمد محمدی ری شهری، دانشنامه امام حسین (ع)، ترجمه عبدالهادی مسعودی و دیگران، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۱۳).

ملت ایران، «هَيْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّةُ»، را با رهبری امام خمینی (ره) تفسیر کردند و دهه‌ها در مقابل طاغوت‌های جهانی تن به ذلت ندادند.

۳-۹. ضرورت کسب معرفت و بصیرت

یکی از عواملی که انسان را در دفاع از حق، مقاوم می‌کند، بصیرت است. بصیرت یعنی شناخت روشن و یقینی از دین، تکلیف، پیشوا، حجت خدا، راه دوست و دشمن، حق و باطل. صاحبان بصیرت با قطب‌نمای حق، تمامی موضع‌گیری‌های خود را تنظیم می‌کنند و محور دیگری در زندگی نمی‌شناسند. در حالی که بی‌بصیرت‌ها تنها قطب‌نمایی که زندگی آن‌ها را تنظیم می‌کند، دنیا است. آن‌جا که جلوه‌های دنیا (لذت، ریاست، مال، شهوت و...) باشد، حاضرند و هر جا که چنین نباشد، غایبند! قرآن کریم اینان را کر و کور می‌نامد (بقره: 171) و این کوری بدترین و خطرناک‌ترین کوری‌هاست. ^۱ از دیدگاه قرآن، این بی‌بصیرت‌ان از چهارپایان نیز گمراه‌ترند (اعراف: 179)؛ ^۲ یکی از مهم‌ترین درس‌های نهضت عاشور، درس بصیرت و آگاهی است. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در اشاره به این آموزه نهضت امام حسین (ع) می‌فرماید:

[عاشورا] درس می‌دهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی‌بصیرت‌ها فریب می‌خورند. بی‌بصیرت‌ها در جبهه باطل قرار

۱. «صُمُّكُمْ عُمًى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»

۲. امام علی (ع) فرمود: «فَقَدْ أَبْصَرَاهُونُ مِنْ فَقْدِ الْبَصِيرَةِ» (عبدالواحد بن محمد تیمی آمدی، غررالحکم و درر الکلم، قم، در کتاب الاسلامی، 1410ق، ص 481)؛ نابینایی آسان‌تر است از کور دلی. و در روایتی پیامبر اکرم (ص) فرمود: «لیس الأعمی من یعمی بصره، إنما الأعمی من تُعمی بصیرته» (ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲، ص 656)؛ کور آن کسی نیست که چشم ندارد، بلکه کسی است که چشم دل ندارد.

۳. «هُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَهُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا؛ أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» آن‌ها دل‌هایی دارند که با آن نمی‌اندیشند، چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند، گوش‌هایی دارند که با آن نمی‌شنوند، آن‌ها هم چون چهارپایانند بلکه گمراه‌تر؛ اینان همانا غافلانند.

می گیرند؛ بدون اینکه خود بدانند. همچنان که در جبهه ابن زیاد، کسانی بودند که از فستاق و
فجار نبودند، ولی از بی بصیرت ها بودند. اینها درس های زندگی سازی است.^۱
دریانی دیگری فرمایند:

دو چیز است که بیش از همه باید مورد توجه قرار گیرد. یکی: کامل کردن آگاهی از
شرایط و معرفت به زمان و دیگری: تحلیل صحیح حوادث. که اگر نباشد حتی ایمان های
محکم هم به خاطر نبودن آگاهی و روشن بینی و نداشتن تحلیل درست از وقایع ممکن
است در جهت خلاف قرار بگیرد. همچنانکه در قضیه خوارج اتفاق افتاد... در جریان
امام حسین (ع) و در قضایای بعد از آن در دوران ائمه (ع)، تا سال رحلت امام
عسگری (ع) همه آنچه که اتفاق افتاد از بی ایمانی نبود، بلکه بخش مهمی ناشی از
ناآگاهی و نفهمیدن درست حوادث بود.^۲

۴-۹. ضرورت زمان شناسی و اقدام به موقع

شاخصه «تصمیم و اقدام به موقع» - که ریشه در موقع شناسی و زمان شناسی دارد - از اصولی است که
مورد تأکید قرآن کریم و آموزه های دینی قرار گرفته است. قرآن کریم پیشگامی و عمل به موقع را
یکی از ملاک های تقرب به خداوند می داند و می فرماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ
الْمُقَرَّبُونَ» (واقعہ: ۱۰-۱۱)؛ پیشگامان، پیشگامند. آنها مقربانند.

فقدان توجه به این اصل مهم، ضربات غیر قابل جبرانی را بر جامعه اسلامی تحمیل می کند. از درس ها و
عبرت های عاشورای توان به موقع شناسی و اقدام به موقع اصحاب سیدالشهدا (ع) در دفاع از دین و
ولی خدا و عدم موقع شناسی برخی خواص و مردم کوفه دریاری امام حسین (ع) اشاره کرد. اگر اهل
کوفه در آن موقع حساس تصمیمی درست اتخاذ می کردند و به موقع به یاری امام حسین (ع)
می شتافتند، چه بسا ممکن بود بساط حکومت امویان برچید شود و جنایات آنان علیه اسلام و

۱. بیانات امام خامنه ای (مدظله العالی) در دیدار اعضای «دفتر ادبیات و هنر مقاومت» حوزه هنری سازمان تبلیغات
اسلامی، ۲۲/۴/۱۳۷۱.

۲. بیانات امام خامنه ای (مدظله العالی) در دیدار فرماندهان سپاه و مسئولین دفاتر نمایندگی ولی فقیه، ۲۲/۶/۱۳۷۱.

شیعیان خاتمه یابد اما تعلل اهل کوفه موجب شهادت مظلومانه فرزند رسول خدا (ص) و ادامه حاکمیت ظلم و جور گشت. البته هر چند عده ای از کرده خود پشیمان شدند و در صدد جبران برآمدند اما چون دیر شده بود، فایده آن چندانی نداشت. امام خامنه ای (مدظله العالی) در اشاره به این حقیقت می فرماید:

لحظه را باید شناخت، نیاز را باید دانست. کسانی در کوفه دلهایشان پراز ایمان به امام حسین (ع) بود، به اهل بیت محبت هم داشتند، اما چند ماه دیر تر وارد میدان شدند؛ همه شان هم به شهادت رسیدند، پیش خدا هم مأجورند؛ اما کاری که باید بکنند، آن کاری نبود که آن ها کردند؛ لحظه را شناختند؛ عاشورا را شناختند؛ در زمان، آن کار را انجام ندادند. اگر کاری که تو این در مدتی بعد از عاشورا انجام دادند، در هنگام ورود جناب مسلم به کوفه انجام می دادند، اوضاع عوض می شد؛ ممکن بود حوادث، جور دیگری حرکت بکند.^۱ ... اما چه فایده؟ وقتی امام حسین (ع) کشته شد؛ وقتی فرزند پیغمبر از دست رفت؛ وقتی فاجعه اتفاق افتاد؛ وقتی حرکت تاریخ به سمت سراسیمه آغاز شد، دیگر چه فایده؟ لذا است که در تاریخ، عده ای تو این، چند برابر عده ای شهدای کربلاست. شهدای کربلا همه در یک روز کشته شدند؛ تو این نیز همه در یک روز کشته شدند. اما اثری که تو این در تاریخ گذاشتند، یک هزارم اثری که شهدای کربلا گذاشتند، نیست؛ به خاطر اینکه در وقت خود نیامدند. کار را در لحظه ای خود انجام ندادند. دیر تصمیم گرفتند و دیر تشخیص دادند.^۲

۵-۹. ولایتمداری

ولایت رهبران الهی، تجلی توحید ربوبی و حاکمیت انحصاری خدا و یگانه راه دست یابی به حقیقت دین و اساسی ترین عامل بصیرت و گذر از گردنه های سخت و حضور مستمر در صراط مستقیم و روشن کننده فضای تاریک فتنه هاست. همراهان ولی خدا هم در درک درست و به موقع شرایط و

۱. بیانات امام خامنه ای (مدظله العالی) در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، 29/10/1388.

۲. بیانات امام خامنه ای (مدظله العالی) در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)، 20/3/1375.

موضع‌گیری‌ها بصیرند و هم در عمل و استقامت موفق‌اند. هرگز شبهات، تحریف‌ها و تهاجم فرهنگی و جنگ روانی دشمنان نمی‌تواند آنها را منفعل و مغلوب سازد. آنها با شاخص ولایت به ناب‌ترین بصیرت دینی و سیاسی دست یافته و حرکت در صراط مستقیم را با خردمندی و قاطعیت ادامه می‌دهند.

ولایت، علاوه بر ارائه طریق و آشکار کردن حقایق و راهنمایی، مأموریت راهبری اضال‌الی‌المطلوب را در مسیر رسیدن به مقصد برعهده دارد و کسانی که در اندیشه، گرایش و رفتار بر محور ولایت حرکت می‌کنند، انتخاب، تصمیم‌گیری و موضع‌گیری‌هایشان در همه حال از روی بصیرت است و امواج فتنه‌ها و توطئه‌های دشمنان نسبت به آنها کارساز نمی‌باشد.

امام علی (ع) با توصیه به ولایت محوری می‌فرماید: «انْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالْزُمُوا سَمْتَهُمْ وَاتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَلَنْ يَضُدَّوْكُمْ فِي رَدًى فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا وَإِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا وَلَا تَسْبِقُوهُمْ فِضْلًا وَلَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتُهْلِكُوا»^۱

به اهل بیت پیامبران نگاه کنید، از همان سو که آنها گام برمی‌دارند گام بردارید و قدم در جای قدم‌های آنها بگذارید و [بدانید] آنها هرگز شما را از جاده هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت نمی‌کشانند. اگر آنها توقف کردند توقف کنید و اگر قیام کردند قیام کنید و از آنها سبقت نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب‌نمانید که هلاک خواهید شد.

ولایت محوری عامل حیات، پویایی و شکوفایی عقلانی می‌گردد و در پرتو آن، حرکت کمال‌جویانه سرعت می‌گیرد و بصیرت در عرصه‌های گوناگون نمود و ظهور می‌یابد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مباحث سال ۱۳۵۳ نسبت به کارکردهای ولایت می‌فرماید:

جامعه‌ای که دارای ولایت شد مانند مرده‌ای است که دارای جان شد... جامعه‌ای که ولایت ندارد استعدادها در این جامعه هست اما خنثی می‌شود، به هدر می‌رود، نابود می‌شود، هرز می‌رود و یا بدتر به زیان انسان به کار می‌افتد. مغز دارد و می‌اندیشد اما می‌اندیشد برای فساد آفرینی، می‌اندیشد

۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۷.

برای انسان‌کشی، می‌اندیشد برای عالم‌سوزی، می‌اندیشد در راه‌بدبخت کردن انسان‌ها، می‌اندیشد برای محکم کردن پایه‌های استثمار و استبداد و استکبار. چشم دارد اما آنچه را باید ببیند نمی‌بیند و آنچه باید نبیند می‌بیند. گوش دارد اما سخن حق را نمی‌شنود. اعصاب سخن حق را به مغز می‌رساند [ولی] مغز فرمانی بر طبق حق به جوارح اعضا نمی‌دهد... این جامعه بی‌ولایت است. در جامعه بی‌ولایت چراغ‌ها شعله نمی‌کشد و روشنی‌شان بیشتر نمی‌شود...^۱

نگاه اجمالی به تاریخ اسلام به ویژه عصر ظهور ائمه معصومین (ع) برای اذعان و درک این واقعیت کافی است که انسان‌های ولایت‌محور و آنان که جهت‌گیری‌های خود را با امامان هماهنگ و همسو کرده‌اند هم در بصیرت و روشن‌بینی و هم در عمل توفیق فراوان داشته‌اند و حوادث و فتنه‌ها نتوانسته آنها را متزلزل و متوقف سازد. همچنین مشخص می‌شود که افراد و گروه‌هایی که با ولایت زاویه و فاصله داشته‌اند در دام غفلت و انحراف علمی و عملی گرفتار آمدند و از صراط مستقیم و مسیر هدایت خارج شدند، دیگران را نیز به انحراف کشانده‌اند. اگر یاران حضرت علی (ع) به معنای حقیقی ولایت‌محور بودند قرآن‌های سر نیزه فریشان نمی‌داد و زمینه‌های سلطه ظالمانه معاویه و فرزندش را فراهم نمی‌کردند و یاد جریان جنگ جمل و حوادث دیگری به دام شبهات گرفتار نمی‌شدند.

التزام فکری و رفتاری نسبت به ولایت برجسته‌ترین مصداق چراغ هدایت و نوری است که خدا برای مؤمنان قرار داده است تا با آن حرکت کنند و مسیر تعالی و سعادت و به فعلیت رساندن استعدادها و توانمندی‌های خود را به سلامت طی کنند و این همان بصیرتی است که دیگران از آن محرومند و در تاریکی‌های دام‌رجامی‌زنند:

أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَاهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا... (انعام: ۱۲۲)؛ آیا کسی که مرده بود سپس او را زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود همانند کسی است که در تاریکی است و از آن خارج نمی‌شود.

در عصر غیبت که حجت و ولی معصوم خدا بنا بر مصالحی در پشت پرده غیبت می باشد نقش بصیرت افزایی و راهبری آن حضرت بر اساس ادلة قطعی [عقلی و نقلی] بر عهدة فقیه عادلی است که زعامت و رهبری را در دست دارد و در علم و عمل و تسلط بر احکام الهی بیشترین سنجیت و مشابَهت را با امام معصوم دارد. او استمرار بخش ولایت خدا بوده و رهبری و هدایت امت را به نیابت از امام زمان (عج) انجام می دهد.

یکی از نکات آموزنده و بصیرت افزا برای نسل های جدید انقلاب اسلامی توجه به این واقعیت است که در دهه های گذشته ملت مسلمان و انقلابی مابا ولایت محوری و اطاعت و حمایت از ولی فقیه توطئه های داخلی، فتنه های خطرناک و تهاجمات گسترده دشمنان خارجی را خنثی نموده و حیات و پویایی و گسترش انقلاب اسلامی را تضمین کرده اند. در مقابل نیز افرادی که از کاروان اهل ولایت فاصله گرفته و با ولی امر، کوچک ترین زاویه ای پیدا کرده اند به بی بصیرتی و غفلت و انحراف مبتلا شده و به عنوان پیاده نظام دشمن، خود و دیگران را گرفتار لغزش کرده اند، هر چند این اقلیت ناچیز از خواص برجسته و دارای سوابق انقلابی بوده اند.

ولی خدا در هر عصری مانند طیبی حاذق و دلسوز با معاینه و درک صحیح آسیب ها، تهدیدها و خطر ها و بر اساس معارف و تعالیم اسلامی، بهترین و کارآمدترین نسخه ها و راهبردهای سعادت و تعالی را ارائه می کند. از این رو بهترین راهکارهایی از فتنه ها، دست یابی به بصیرتی جامع و روشن کننده مسیر، ولایت محوری و جهت گیری بر اساس مدیریت و مواضع ولی امر است. ولایت محوری عامل استقرار و استمرار نظام ولایی و ناکام سازندة دشمنان و جذب کنند امدادهای الهی است.

یادآوری این مطلب نیز ضروری است که تویی و ولایت محوری مستلزم تبری و انزجار قلبی و فاصله گرفتن عملی از دشمنان ولایت و ولایت های دروغین و طاغوت های می باشد. حضرت علی (ع) با استناد به آیه شریفه مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ (احزاب: ۴) می فرماید:

دوستی ما و دوستی دشمنان مادر یک قلب نمی گنجد، زیرا خدا برای یک انسان دو قلب قرار نداده است تا با یکی دوست بدارد و با دیگری دشمن. دوستان مادر دوستی با ما خالصند همان گونه که طلا

در کوره خالص می‌گردد و هیچ تیرگی در آن نمی‌ماند. هر کس می‌خواهد این مطلب (دوستی ما) را بداند پس قلب خود را آزمایش کند اگر در قلبش محبت دشمنان ما با محبت ما آمیخته بود او از ما نیست و ما هم از او نیستیم و خدا و جبرئیل و میکائیل دشمن او خواهند بود، (زیرا) خدا دشمن کافران است.^۱ برآستی مگر می‌شود مدعی دوستی و ولایت علی (ع) و فرزندان او و دشمن معاویه و یزید و ابن ملجم نبود.

۹-۶. وحدت‌گرایی و تفرقه‌گرایی

اتحاد منشأ قدرت، و تفرقه و جدایی موجب ضعف و سستی است. در طول تاریخ، سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» پایه اصلی حکومت مستکبران اقلیت بر اکثریت مستضعف بوده است. مستکبران همیشه از توحید کلمه و کلمه توحید وحشت داشته و دارند، آنها از پیوستگی صفوف مردم به شدت می‌ترسند، و به همین دلیل، حکومت طبقاتی، نزاع و درگیری، رمز موفقیت آنان در به بردگی در آوردن و استضعاف استعمار ملت‌هاست.

به اعتراف همه تحلیل‌گران داخلی و خارجی، یکی از مهم‌ترین عامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام راحل، وحدت و هم‌دلی ملت بسیجی ایران و همراهی شان با امام خمینی (ره) و لبیک به ندای وحدت بخش آن رهبر الهی بوده است؛ چنان‌که خود در این باره می‌فرماید:

رمز پیروزی ما «وحدت کلمه» و اتکال به خدا و اتکال به اسلام بود. این رمز را ملت نباید از دست بدهد.^۲ اگر این وحدت کلمه حفظ شود، که رمز پیروزی ماست، ما پیشرفت می‌کنیم و به آخر می‌رسانیم...^۳

ایران واژه‌ای است که تمام قشرها بادو مشخصه اسلامی و ایرانی در آنجا به وحدت می‌رسند، وحدت در مبارزه با دشمن، وحدت در سازندگی و آبادانی کشور، وحدت در حفظ نظام اسلامی و دستاوردهای متعالی آن.

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۳۴ و ۲۳۵.

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۹۸.

۳. همان، ص ۱۰۲.

۷-۹. آگاهی خواص به نقش و وظیفه خود

خواص؛ گروهی از افراد يك جامعه هستند که از نخبگی و شایستگی خاصی برخوردارند و تمایز چشم‌گیری نسبت به سایر افراد جامعه دارند. مردم در يك جامعه ممکن است به بی‌بصیرتی و ناآگاهی دچار شوند. اما اگر خواص همان جامعه نیز بی‌بصیرت باشند چه خواهد شد. پرواضح است که بی‌بصیرتی خواص جامعه بسیار خطرناک‌تر از ناآگاهی و بی‌بصیرتی توده مردم است. در حوادث روزگار، آن جاهایی که مردم دچار تردید و حیرت می‌شوند، خود را با خواص جامعه تطبیق می‌دهند و بر اساس مسیری که آنها تعیین کرده‌اند، راه خود را انتخاب می‌کنند. حال اگر خواص جامعه، خود فریب خورده دنیا و هوای نفس و بی‌بصیرت باشند تکلیف توده مردم روشن است! مهم‌ترین عامل انحراف خواص بی‌بصیرت از صدر اسلام تا کنون، پیروی از هوای نفس، شهرت طلبی، دل‌بستگی به مال و منال و ترجیح دنیا بر آخرت بوده است. بسیاری از خواص با سابقه درخشان در اسلام، گرفتار حب جاه و مقام و مال‌اندوزی و دیگر زخارف دنیا شدند و برای رسیدن به خواسته‌های دنیایی خود به تمام سوابق نیک خود پشت‌پاز شدند. رهبر فرزانه و بصیر انقلاب اسلامی در این باره می‌فرماید:

آری! وقتی خواص طرف‌دار حق، یا اکثریت قاطعشان، در يك جامعه، چنان تغییر ماهیت می‌دهند که فقط دنیای خودشان برایشان اهمیت پیدا می‌کند؛ وقتی از ترس جان، از ترس تحلیل و تقلیل مال، از ترس حذف مقام و پست، از ترس منفور شدن و از ترس تنهاماندن، حاضری شوند حاکمیت باطل را قبول کنند و در مقابل باطل نمی‌ایستند و از حق طرف‌داری نمی‌کنند و جانشان را به خطر نمی‌اندازند؛ آن‌گاه در جهان اسلام فاجعه با شهادت حسین بن علی (ع) با آن وضع آغاز می‌شود. حکومت به بنی‌امیه و شاخه مروانی و بعد به بنی‌عباس و آخرش هم به سلسله سلاطین در دنیای اسلام، تا امروز می‌رسد!^۱

برخی از خواص اهل حق نیز در حادثه عاشورا نسبت به آرمان امام حسین (ع) خیانت کردند یا دست
 کمر از اقدام بجا خودداری ورزیدند و سبب تقویت جبهه باطل شدند. برای نمونه «هانی بن عروه» از
 شیعیان مخلص ساکن در کوفه بود که مسلم بن عقیل را در خانه خود جای داد. عیدالله، هانی را
 دستگیر کرد و با چوب دستی سرو صورتش را شکست. گروهی از خویشاوندان و طرفداران هانی،
 دارالعمار را محاصره کردند و خواستند او را آزاد کنند. در این هنگام، شریح به دستور عیدالله میان
 مردم ظاهر شد و گفت: «واهمه نداشته باشید، هانی زند است و آسیبی به او نرسیده است.» مردم با
 شنیدن سخنان شریح آسوده شدند و به خانه‌های خود بازگشتند و بدینسان، عیدالله از خطری بزرگ
 رهایی یافت. امام خامنه‌ای (مدظله العالی) درباره این خیانت شریح می‌فرماید:

اگر شریح می‌رفت به مردم می‌گفت، هانی زند است اما توای زندان است و عیدالله قصد
 دارد او را بکشد، چون عیدالله قدرت نگرفته بود، مردم می‌ریختند هانی را نجات
 می‌دادند و بانجات هانی، قدرت و روحیه پیدای کردند، می‌آمدند اطراف دارالعمار،
 عیدالله را می‌گرفتند یا می‌کشتند یا می‌فرستادند. کوفه می‌شد مال امام حسین (ع) دیگر
 واقعه کربلا اصلاً اتفاق نمی‌افتاد. اگر واقعه کربلا اتفاق نمی‌افتاد، یعنی امام حسین (ع) به
 حکومت می‌رسید. این حکومت، اگر شش ماه هم طول می‌کشید، برای تاریخ برکات
 زیادی داشت، بیشتر هم می‌تواند طول بکشد. یک حرکت به جا، یک وقت تاریخ را نجات
 می‌دهد. یک حرکت نابجا، که ناشی از ترس و ضعف، دنیاطلبی و حرص به زند ماندن است،
 گاهی تاریخ را در ورطه گمراهی می‌غلطاند.^۱

۱۰. عاشورا مصاف با خودکامگی و استکبار

علی کارشناس

عاشورا صحنه مصاف با خودکامگی و استکبار مقصود از استکبار ستیزی این است که ملت ایران، در مقابل کید و تعرض و دست اندازی و تلاشهای سیاسی دشمن و انواع و اقسام کارهایی که می‌کند تا دوباره کشور ایران را به یکی از اقمار خود تبدیل نماید، با شدت و قدرت خواهد ایستاد و مقاومت خواهد کرد. مبارزه، یعنی این. مبارزه با استکبار، یعنی هر جا که در سطح جهان، دستان برسد، نسبت به استکبار، افشاگری خواهیم کرد. هر جایی که مظلومی، از ظلم استکبار دچار آسیب است و به جان آمده، ما هر طور بتوانیم، طرف آن مظلوم را خواهیم گرفت.^۱

از دیدگاه مقام معظم رهبری، پیام انقلاب اسلامی و محتوا و مضمون این پیام، ضدیت با استکبار است. انقلاب اسلامی در سطح بین‌المللی، پیامش این است که معنادار دیک دولت، و یک ملت، از چارچوب مرزهای خود، پارافراتر بگذارد و برای آحاد ملت‌های دیگر و شرکتهای کشورهای دیگر، تکلیف معین کند!^۲

ملت ایران، شعار مبارزه با استکبار را باید به عنوان پرچم و مشعلی حفظ کند. زیرا اگر این علم برافراشته، حفظ نشود و این شعار، افسرده و گم شود، راه ملت گم خواهد شد. از ای رو، مبارزه با استکبار، یک شعار همیشگی است.^۳

ملت ایران، از روز اول نشان داده است؛ امروز هم پای این حرف ایستاده است که اگر آمریکا و قدرتهای جهانی، دست به یکی کنند و بخواهند فشار بیاورند و این ملت و این نظام را وادار نمایند که

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content-id=2817>، ۱۳۷۵/۰۸/۰۹.

۲. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با کارمندان و کارکنان دولت، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech>

، ۱۳۷۵/۰۶/۰۷، content-id=2808.

۳. بیانات امام خامنه‌ای بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content-id=۲۸۱۷>، ۱۳۷۵/۰۸/۰۹.

از مواضع صحیح و عاقلانه و انسانی و برگزیده‌ی خودش - که این مواضع را ما انتخاب کرده‌ایم و کسی آنها را به ما دیکته نکرده است؛ خود ما انتخاب کرده‌ایم، خود این ملت انتخاب کرده‌اند - عقب‌نشینی کند، این ملت ترجیح می‌دهد که آن قدر مبارزه کند، تا آن جبهه‌ی متحد را به زانو درآورد. این ملت، تسلیم کسی نخواهد شد.^۱

تا وقتی که نظام جمهوری اسلامی در خط صحیح حرکت می‌کند و تا وقتی که آرمانها و اهداف قرآنی و الهی و اسلامی بر ما و بر این نظام حاکم است، این نفرت و مقابله با سردمداران استکبار جهانی و در رأس همه، امریکا، به قوت خود باقی است.^۲

البته جهاد اسلام برای تحمیل عقیده نیست؛ برای مبارزه‌ی با کسانی است که انسانها را به بردگی می‌کشند. جهاد اسلام جنگ با ملت‌ها نیست؛ بلکه جنگ با قدرتهای ستمگر و ظالم است. این، تاریخ اسلام است؛ این، عملکرد و توصیه‌ی پیشوایان اسلام و قرآن کریم است: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸)؛ خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد. بر این اساس می‌بایست با کفار و کسانی که با ما هم عقیده نیستند و مرتکب تعدی و ظلم نشدند، با قسط و عدالت برخورد شود.^۳

مواجهه با خطر توطئه‌های دشمنان از جمله مقابله با مواردی چون حمله به مرزها، براندازی، شورش و اغتشاش و ناامنی و نیز فتنه‌ها، سبب بسیج شدن مردم توسط سپاه در ساحت سیاسی است؛ چرا که

۱. بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech>

، content-id=2823، ۱۳۷۵/۱۰/۲۸.

۲. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار جمعی از دانش آموزان و دانشجویان، دسترسی در:

، content-id=2731، <https://farsi.khamenei.ir/speech>، ۱۳۷۳/۰۸/۱۱.

۳. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech>

، content-id=3352، ۱۳۸۵/۶/۲۷.

سیاست دشمنان به فرموده مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) تبدیل نقاط قوت نظام اسلامی به نقاط ضعف است و دشمن می‌خواهد عوامل اقتدار نظام اسلامی را تضعیف کند و از این رهگذر، نظام اسلامی را ناکارآمد جلوه دهد.

ولی آن‌گاه که مردم با بصیرت سیاسی از خطر توطئه‌های دشمنان آگاه شدند، با غیرت دینی و ملی و برای حفظ و حراست از نظام اسلامی و مواجهه با خطر توطئه‌های دشمنان بسیج می‌شوند؛ زیرا بر اساس فطرت الهی خود طرفدار مظلوم و دشمن ظالم هستند و در این مسیر بر نصرت الهی باور دارند: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹)؛ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردید، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها توانا است. جنگ مورد اشاره در آیه شریفه شامل جنگ سخت، نیمه سخت، نرم، ترکیبی و نیز جنگ تبلیغاتی دشمنان می‌شود.

مواجهه مردم در ساحت سیاسی جامعه با دشمنان سبب ایجاد نشاط و شور و شعور در همه عرصه‌های دفاع از ارزشها و آرمانهای نظام اسلامی می‌گردد؛ زیرا مردم می‌دانند باید در وسط میدان باشند تا فضیلت‌های انقلاب زنده بماند. مردم با حضور در میدان‌هایی است که نظام اسلامی، وظیفه‌ی انسانی و الهی و نیازهای کشور، حضور در آن میدان‌ها را لازم همیشه، آماده جانفشانی و مقابله با دشمنان هستند.

این روحیه‌ی مردمی، روحیه‌ای است که اگر در هر نقطه و در هر قشری به وجود بیاید، در آن‌جا فعالیت و نشاط و حرکت و حیات را مضاعف و چند برابری کند و سبب بسیج شوندگی مردم است. حرکت عظیم ملت ایران، همراه با آگاهی؛ احساس آمیخته‌ی با عقلانیت؛ حرکت و عمل آمیخته‌ی با مبنای فکری؛ عمل‌گرایی همراه با آرمان‌گرایی و دیدن افق‌های دوردست است که بسیج شوندگی مردم را در پی دارد.^۱

۱. بیانات امام خامنه‌ای مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/speech>

همه باید بدانند که توطئه‌ی دشمن نسبت به انقلاب تمام نشد است. بزرگ و کوچک ما، زن و مرد ما، عالم و جاهل ما، همه باید خود را سرباز مدافع از ارزشهای انقلاب به حساب بیاورند. هر کدام ما هر جا مشغول خدمت هستیم، باید آن جا را سنگر بدانیم. اگر اهل جهاد باشیم، هر جا هستیم، سنگر است.^۱

۱.۱۰. محورا اول: علل مصاف با مستکبران و خودکامگان

۱. رفع فتنه از جامعه اسلامی: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (بقره: ۱۹۳)؛ و با آنان بجنگید تا فتنه ای [چون شرک، بت پرستی و حاکمیت کفار] بر جای نماند و دین فقط ویژه خدا باشد. پس اگر باز ایستند [به جنگ با آنان پایان دهید و از آن پس] تجاوزی جز بر ضد ستمکاران جایز نیست.»

۲. لزوم هجرت و جهاد در راه خدا: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجَرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (انفال: ۷۲)؛ مسلماً کسانی که ایمان آوردند، و هجرت کردند، و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد نمودند، و کسانی که مهاجران را پناه و جادادند و یاری کردند، اینانند که یار و دوست یکدیگرند. و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نکردند شمارا از دوستی آنان هیچ سودی نیست تا زمانی که هجرت کنند؛ و اگر در امور دین از شما یاری طلبند، بر شماست که آنان را یاری دهید مگر آنکه یاری دادن شما به زیان گروهی باشد که میان شما و آنان پیمان [ترک جنگ] برقرار است؛ و خدا به آنچه انجام می دهید، بیناست.»

«انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (توبه: ۴۱)؛ همگی به سوی میدان جهاد حرکت کنید، چه سبکبار باشید، چه سنگین بار، و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کنید، این به نفع شماست اگر بدانید.»

۱. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با فرزندان ممتاز شاهد و مدیران و معلمان نمونه‌ی مدارس شاهد، دسترسی در:

۱۳۷۰/۶/۱۳، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=530>

«وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۳۵)؛ و در راه خدا جهاد کنید، باشد که رستگار شوید. «وَالَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ * سَيَهْدِيهِمْ وَ يُوَفِّقَهُم بِالْهَمِّ * وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا هُمْ» (محمد: ۴-۶)؛ و آنان که در راه خدا کشته شدند، خدا هرگز اعمالشان را ضایع نمی گرداند. و آنها را البته به راه سعادت هدایت می کند و امورشان را اصلاح می فرماید. و در بهشتی که برایشان تعریف کرده وارد می کند.»

۲.۱۰. محور دوم: ویژگی های مجاهدان عاشورایی در مصاف با خودکامگان و مستکبران

۱. ثبات قدم و عدم شک: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات: ۱۵)؛ همانا مؤمنان (واقعی) کسانی هستند که به خدا و رسول او ایمان آورده، پس از آن هیچگاه شک به دل راه ندادند و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کردند، ایشان (به حقیقت) راستگو هستند.»

۲. حیات جاودانه: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران: ۱۶۹)؛ و هرگز گمان مبر آنان که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.»

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ، بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (بقره: ۱۵۴)؛ به آنهایی که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگوئید، بلکه آنها زندگان هستند ولی شما نمی فهمید.»

۳. سخی ترین و بخشندترین مردم: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «وَأَجُودُ النَّاسِ مَنْ جَادَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى؛ سخی ترین و بخشندترین مردم، کسی است که جان و مالش را در راه خدا تقدیم کند.»^۱

۴. رهبران اهل بهشت: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قُودُ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ مجاهدان در راه خدا، رهبران اهل بهشت هستند.»^۲

۵. مورد احترام انبیا: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ كَانَ الْأَنْبِيَاءُ عَلَى طَرِيقِهِمْ لَتَرَجَّلُوا لَهُمْ يَمَّايَرُونَ مِنْ بَهَائِهِمْ حَتَّى يَأْتُوا عَلَى مَوَائِدٍ مِنَ الْجَوْهَرِ فَيَقْعُدُونَ عَلَيْهَا؛ قسم به آن کسی که جانم به دست

۱. مسند الإمام الكاظم أبي الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام، عطاردی قوچانی، ج ۲، ص ۵۲۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۹۹.

اوست، اگر پیامبران در سر راهشان (شهدا) باشند از جای خویش (به احترام آنها) به خاطر آنچه که از عظمتشان می بینند، برمی خیزند، تا که بر مائده هایی از گوهر می آیند و بر آن می نشینند.^۱

۶. صاحب بالاترین نیکی: امیر مؤمنان (ع) فرمود: «فَوْقَ كُلِّ بِرٍّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ بالای هر عمل نیکی، عمل نیک دیگری وجود دارد، تا آنگاه که مرد در راه خدا کشته (شهید) شود.»^۲

امام خمینی در تدیین قیام عاشورای فرماید: «عاشورا قیام عدالتخواهان با عددی قلیل و ایمان و عشقی بزرگ در مقابل ستمگران کاخ نشین، مستکبران غارتگر بوده و دستور آن است که این برنامه سرلوحه زندگی است و هر روز و در هر سرزمین باشد.»^۳

این تجلی والای یک جرعه از کوثر عاشورای حسینی و طنین یک خروش از فریاد کفرسوز و ظالم ستیز خمینی (ره) است که از شراب طهور قرآنی سیراب گشته و اکنون خود، بسان زمزم هدایتی حیات بخش و چشمه زلال عشق آفرین، از بلندای شخصیت الهی و عاشورایی او سرازیر گردید، و روح کرامت و آزادگی، سلحشوری و مردانگی، عشق و ایمان، صلابت و شهامت، ذلت ناپذیری و عزت طلبی را به کالبد مستضعفان و آزادگان می دمد و تشنگان وادی فضیلت و انسانیت و پویندگان راه حق و حقیقت را سیراب می کند، و در یک کلام فرهنگ شهادت و ایثار را در قلوب شیعیان حسین (ع) و پویندگان راه خونین او در عرصه حاضر زنده می کند. آنجاست که در اولین سالهای جنگ تحمیلی و مبارزه مستقیم با دشمنان اسلام می فرمایند: «افراد کمر با بازوان قوی و قلب مطمئن و قلب متوجه به خدای تبارک و تعالی و عشق به لقاء الله، اینهاست که پیروزی می آورد، پیروزی را شمشیر نمی آورد، پیروزی را خون می آورد.»^۴

۱. نزهة المجالس و منتخب النفائس، ج ۱، ص ۱۹۱.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۳۸۴.

۳. صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۵۵.

۴. همان، ج ۱۶، ص ۹۰.

در مقایسه انقلاب اسلامی ایران با حماسه عاشورای حسینی کاملاً این واقعیت مشهود است که دقیقاً وقتی انقلاب به پیروزی رسید، با توجه به تعالیم عاشورایی حضرت امام (ره) بیم مرگ از دلها برخاست، کوچک و بزرگ، زن و مرد، بویژه جوانان مؤمن و دلیر به خیابانها ریختند و در برابر توپ و تانک، با دست خالی و با مشت گره کرده، با فریاد الله اکبر و با سلاح سرخ شهادت، مدرن ترین سلاحها را از کار انداختند.

حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه با قیام و تعالیم عاشورایی اش که برگرفته از عاشورای حسینی (ع) است، به ما و تمام جامعه مسلمین آموخت که برای حفظ اسلام باید همه سختیها را تحمل کرد و از همه چیز خود باید گذشت:

«ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم، این تکلیف از واجبات مهم است؛ حتی از نماز و روزه واجب تر است. همین تکلیف است که ایجاب می کند خونها در انجام آن ریخته شود. از خون امام حسین (ع) که بالاتر نبود، برای اسلام ریخته شد. و این روی همان ارزشی است که اسلام دارد. ما باید معنی را بفهمیم و به دیگران هم تعلیم بدهیم.»^۱

این تکلیف بسیار بزرگ را در این زمان، امام امت (رضوان الله تعالی علیه) به خوبی دریافت و حدود آن را برای ما تعیین نمود. آن رهبر بزرگ و فهمیم با تکیه و اصرار بر تفکیک میان اسلام ناب محمدی (ص) و اسلام آمریکایی، ضرورت شناخت این دورا به همه رهپویان راه انقلاب گوشزد کرد، تا مبادا دشمن، مکتب و انقلاب ما را به تمام معنی از درون تهی کند و به آنچه خود القای نماید سرگرممان سازد.

بادقت در محتوای سخنان گهربار و نورانی امام خمینی (ره) در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به خوبی دریابیم که ایشان همواره بر اصول اصیل «اسلام ناب محمدی» پای فشرده و امت اسلامی را به پیروی از آن دعوت فرموده اند. به علاوه، آن امام بزرگ، فقیه جامع الشرایط و حجت خداوند متعال بر مردم و تبیین کنند احکام الهی در چند سالی از عصر غیبت بود، که سخنانش از

۱. همان، ج ۵۶، ص ۹۰۳۶۵.

دستورات حیات بخش اسلام الهام می گرفت و دقیقاً منطبق با قرآن و سنت بود. بنابراین آنجا که ظلم مستکبران، مستضعفان دیاری را به فریاد وای دارد و خداوند را به یاری می طلبد، امام (ره) نیز بر اساس دستور صریح قرآن: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء: ۷۵)؛ شمارا چه شده که در راه خدا و [رهایی] مردان و زنان و کودکان مستضعف [ی که ستمکاران هر گونه راه چاره را بر آنان بسته اند] نمی جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره می گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که اهلش ستمکارند، بیرون ببر و از سوی خود، سرپرستی برای ما بگمار و از جانب خود برای ما یوری قرار ده.»

اگر حماسه حسینی و قیام عاشورای سال ۶۱ هجری را تاریخ ساز، مکتب مبارزه، فضیلت و مدرسه عشق و ایثار و افسان سازی بدانیم، دقیقاً نهضت عاشورایی حضرت امام خمینی (ره) را نیز همین سان خواهیم یافت، زیرا که این دو، دو مرحله از یک حماسه و دو جلوه از یک حقیقت است. شجره طیبه ای که در سال ۶۱ هجری با خون مطهر حضرت اباعبدالله (ع) آبیاری شد، پس از گذشت چهارده قرن، با تعالیم عاشورایی فرزند خلف او (امام خمینی (ره)) و با ایثار و شهادت در این مرز و بوم به ثمر نشست و جمهوری اسلامی که امروز ما داریم، شاخساری بلند از آن درخت مبارک است، و امروز حسینیان و پویندگان کوی عشق که دل از ولای حسین (ع) افروخته و از آتش محبت آن نازنین، سینه ای سوخته دارند، نیک آگاهند که بدون آن ارزشها، طرفی از مکتب حسین نخواهند بست و برکری کرامت و فلاح نتوانند نشست.

۳.۱۰. محور سوم: ویژگی های خودکامگان و مستکبران

۱. سوء عمل و تکذیب و استهزای آیات الهی: زینب کبری (س) بدون توجه به اقتدار و شوکت ظاهری یزید، در کاخ سبز و باشکوه او با خواندن خطبه ای غرّا، پاسخی دندان شکن به پسر معاویه می دهد و این آیه را تلاوت می کند که بیانگر ویژگی خودکامگان و مستکبران است: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ» (روم: ۱۰)؛ عاقبت کار آنهایی که بد عمل کردند و آیات الهی را تکذیب نمودند، کف دستشان گذاشته خواهد شد.»

۲. سرکشی و طغیان: زینب کبری سلام الله علیها هنگام ایراد خطبه در مجلس یزید، این آیه از قرآن را تلاوت می کند که بیانگر ویژگی خودکامگان و مستکبران است: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّى لَهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَهُمْ يُعَذِّبُ مِهِنٌ» (آل عمران: ۱۷۸)؛ و البته آنان که به راه کفر رفتند، گمان نکنند که مهلتی که ما به آنها می دهیم به حال آنان بهتر خواهد بود، بلکه مهلت می دهیم برای امتحان تاب بر سرکشی و طغیان خود بیفزایند، و آنان را عذابی رسد که به آن سخت خوار و ذلیل شوند. و بدین ترتیب، یزید را به عنوان یکی از مصادیق بارز «کافر» معرفی می کند.

۳. حلال شمردن محرمات و شکستن پیمان الهی: سیدالشهدا از قول پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا، مُسْتَحِلًّا لِحَرَمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ، فَلَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ». أَلَا وَإِنَّ هَؤُلَاءِ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ، وَتَرَكَوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ، وَأَظْهَرُوا الْفَسَادَ، وَعَظَّلُوا الْحُدُودَ، وَاسْتَأْثَرُوا بِالْقِيَّةِ، وَأَحَلُّوا حَرَامَ اللَّهِ، وَحَرَّمُوا حَلَالَهُ، وَأَنَا أَحَقُّ مَنْ غَيَّرَ...؛ ای مردم، هر مسلمانی با سلطان ستمگری مواجه شود که حرام خدا را حلال می کند و پیمان الهی را در هم می شکند و با سنت (و قانون) پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به مخالفت برخاسته و در میان بندگان خدا، راه گناه و دشمنی در پیش گرفته است، ولی او در مقابل چنین حاکمی، با عمل یا با گفتار، اظهار مخالفت نکند، بر خداوند است که این فرد (ساکت) را به جایگاه همان طغیانگر، (در آتش جهنم) داخل کند. (ای مردم) آگاه باشید! اینان (بنی امیه) پیروی از شیطان را بر خود لازم شمرده اند، و اطاعت خدا را ترک کرده اند، فساد را علنی و حدود الهی را تعطیل نموده، فیء (بخشی از بیت المال) را به خود اختصاص داده اند، و حرام خدا را حلال، و حلال خدا را حرام کرده اند و من برای تغییر این وضعیت شایسته ترم.^۱

۱. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۳۳۵.

۴.۱۰. محور چهارم: تأثیرات نهضت حسینی بر انقلاب اسلامی در مبارزه با خودکامگی و استکبار

۱. تأثیرگذاری در اهداف و انگیزه‌های انقلابیون: یکی از تأثیرات نهضت حسینی بر انقلاب اسلامی، تأثیرگذاری در اهداف و انگیزه‌های انقلابیون است. هدف و انگیزه مردم ایران از انقلاب اسلامی، نابودی ظلم، استبداد و استکبار و برپایی حکومت عدل الهی و اجرای احکام اسلامی به عنوان «معروف» و جلوگیری از وابستگی به اجانب و بیگانگان، به عنوان «منکر» بود، که عیناً همان انگیزه و هدف امام حسین (ع) از قیام عاشورا بود که فرمود من برای اصلاح امت جدم و برای امر به معروف و نهی از منکر قیام کردم. از همین روی یکی از مهم‌ترین شعارهای انقلابیون، حسینی بودن نهضت و انقلاب اسلامی بود.

۲. تأثیرگذاری در حوزه رهبری انقلاب: تأثیر دیگر نهضت حسینی بر انقلاب اسلامی، اثرگذاری در حوزه رهبری انقلاب بود. حقیقت آن است که وجود رهبری حسین‌گونه امام‌خینی (ره) و نایب برحق ایشان امام خامنه‌ای (مدظله العالی) یکی از مهم‌ترین تأثیرات نهضت حسینی در پیدایش و تداوم و استمرار انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. انقلابیون ایران، صلابت، شهامت، شجاعت، قاطعیت، سازش ناپذیری و روح حماسی امام حسین (ع) را در شخصیت امام خمینی (ره) متجلی دیدند و شرایطی که امام حسین (ع) برای رهبر و حاکم جامعه اسلامی توصیف می‌کرد، در او یافتند.^۱

۳. تأثیرگذاری در شیوه مبارزه: تأثیرگذاری دیگر نهضت حسینی بر انقلاب اسلامی، تأثیر بر شیوه مبارزه بود. کیفیت مبارزه و اینکه قیام در مقابل يك حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد، با يك عده معدود، باید چه طور باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است.^۲

همچنین با مروری بر مقاطع سرنوشت‌ساز در پیروزی انقلاب اسلامی، مشخص می‌شود که نقطه آغازین انقلاب، ایام عزاداری حسینی و با الهام از آموزه‌های نهضت عاشورا بود. به عنوان نمونه قیام

۱. نهضت‌های صدساله اخیر، ص ۱۱۹-۱۲۱.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۶.

۱۵ خرداد که نقطه عطفی برای انقلاب به شمار می‌رود. نمود این اثرپذیری را می‌توان در قیام ۱۵ خرداد و سالگردهای آن مشاهده کرد.^۱

هفدهم شهریور نیز یکی از مقاطع مهم انقلاب است که تحت تأثیر نهضت حسینی و فرهنگ عاشورا شکل گرفت که آن را تکرار کربلا و شهدای آن را تکرار شهدای کربلا می‌دانند.^۲

تأثیر نهضت حسینی بر حفظ و تداوم انقلاب اسلامی نیز تأثیری عمیق است. بر این اساس می‌توان انقلاب اسلامی را انقلابی حسینی الحدوث و البقاء دانست. حقیقت این است که این انقلاب از حادثه عاشورا الهام گرفته و از برکات و رشحات آن به شمار رفته به وسیله آن رهنمون شده است. رویکرد استکبارستیزی و مقاومت در مقابل جور که در روح جوانان ایرانی دمیده شده بود و باعث ایستایی و پیشرفت این انقلاب شد، همه و همه از برکات عاشورا است.^۳ بر این اساس بدیهی است که اگر انقلاب اسلامی بخواهد بر مبنای آن فرهنگی که شکل گرفته است تداوم یابد، ناگزیر باید به همان فرهنگ توجه مستمر داشته باشد. روحیه شهادت‌طلبی، آزادگی و شرف، عزت نفس، مبارزه با ظلم و ستمگری، مخالفت با تخطی از احکام اسلام و... در عرصه‌های مختلف و در ابعاد گوناگون همه باید به آموزه‌های نهضت امام حسین (ع) و فرهنگ عاشورا پایبند باشد.^۴

۵.۱۰. محور پنجم: نقش انقلاب اسلامی در تبیین نهضت امام حسین (ع) و گسترش فرهنگ حسینی در

مواجهه با استکبار

پس از تبیین نقش نهضت حسینی در انقلاب اسلامی و پیروزی آن، اینک نوبت بررسی نقش انقلاب اسلامی در تبیین صحیح نهضت حسینی و نیز نقش آن در گسترش فرهنگ عاشورایی و حسینی رسیده است. نکته اساسی در تبیین نسبت بین انقلاب اسلامی و نهضت حسینی، این است

۱. همان، ج ۱۶، ص ۲۹۰.

۲. همان، ج ۱۶، ص ۳۴۶.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۴۳۹؛ بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۶۳/۷/۱۲.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۲۳۰ و ۳۳۱.

که رابطه این دو بایکدیگر رابطه‌ای هم‌افزایانه است؛ بدین معنا که اولاً انقلاب اسلامی پرتوی و جلوه‌ای از جلوات نهضت حسینی بوده و این نهضت عامل اصلی پیرزوی انقلاب اسلامی است.^۱ از سوی دیگر، با آغاز انقلاب اسلامی، رویکردی نوین به نهضت حسینی به وجود آمد و قیام امام حسین (ع) به صورت کاربردی و ملموس در اختیار انقلابیون قرار گرفت. برداشتی که شاید در طول تاریخ انجام نگرفته و سابقه نداشته است، چه اینکه اگر واقع شده بود، انقلاب اسلامی بایستی خیلی زودتر از این‌ها اتفاق می‌افتاد.^۲ محرم و مفاهیم آن تا قبل از انقلاب اسلامی کم‌معنا و خالی از محتوا بودند و باین انقلاب و پس از آن بود که این مفاهیم معنا گرفتند.^۳

واقعیت آن است که غالباً در طول تاریخ نگاه‌ها و رویکردها به نهضت حسینی، رویکردی احساسی و عاطفی بوده است و تنها در تاریخ معاصر - خصوصاً در بستر انقلاب اسلامی - است که نوع نگاه به عاشورا از محدوده احساسات خارج شد و بدون اینکه از ارتباط عاطفی با این واقعه چیزی بکاهد، توفیق برقراری رابطه‌ای عقلانی با این حادثه را نیز از آن خود ساخته است. حتی در اوان انقلاب اسلامی نیز برخی روشنفکرانها در صدد القای رویکردی صرفاً احساسی و عاطفی و سلب جنبه‌های دیگر از آن بودند، اما در برابر عظمت و شکوه تفسیر و رویکرد نوین انقلاب اسلامی به نهضت حسینی، کمرنگ شدند.^۴

بنیانگذار انقلاب اسلامی، بادرک و بینش متفاوتی که در حوزه فهم دین و به تبع آن فقه سیاسی و مقولات سیاسی داشت، مسائل را به صورت متمایزی نسبت به فقهای پیش از خود مورد توجه قرار داد. ایشان با تغییر رویکرد بنیادین به نهضت حسینی و نفی رویکردهای تقلیل‌گرایانه و گاه غلط و

۱. همان، ج ۱۸، ص ۲۲؛ بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۶۱/۸/۴.

۲. بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۵۷/۸/۹.

۳. بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۵۸/۹/۵.

۴. حدیث ولایت، ج ۲، ص ۷-۸.

ناقص به نهضت حسینی، جملگی معارف، شعارها و نمادهای مرتبط با آن را نیز با همان رویکرد تبیین می‌نماید.^۱

در منطق امام خمینی، جهات مختلف عاطفی، سیاسی و مکتبی عاشورا پیوند خورده و به میزان اهمیت و جایگاه هریک توجه شده است. ایشان بر این باورند که نهضت و حرکات و سکنات امام حسین (ع) سیاسی بود؛ به گونه‌ای که نمودار و جلوه اسلام سیاسی قلمداد شده و حفظ و احیای آن نهضت مقدس، عملی عبادی-سیاسی به شمار می‌رود.^۲ بر همین اساس ایشان با اعتقاد به اینکه زندگی سیدالشهدا (ع) و دیگر معصومین و انبیاء الهی از آدم تا خاتم (علیهم السلام)، بر مبنای مقابله با حکومت جور و تشکیل حکومت عدل بوده است، جرقه انقلاب اسلامی را زده و به مصاف رژیم جائر پهلوی رفته است.^۳

از این رو، در پرتو آغاز انقلاب اسلامی درهای جدیدی در تحلیل صحیح و بهره‌بری کامل و اساسی از نهضت حسینی گشوده شد و تکلیف‌مداری قیام عاشورا را سرمشق و الگوی انقلاب اسلامی قرار داد.^۴ از همین رو حضرت امام، تقیه، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و شهادت را به گونه متفاوتی نسبت به فقهای گذشته تفسیر کرد و با توجه به ربط و ثیقی که بین این چهار مقوله برقراری کرد، هنگامی که شهادت امام حسین و عاشورا و کربلا و عبارت «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» را در نظری گرفت، تفسیری از نهضت حسینی به دست می‌داد که می‌توانست کنش انقلابی علیه رژیم پهلوی را برانگیزاند.

۱. همان، ص ۱۰-۱۱.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۷۷؛ ج ۱۳، ص ۳۲۷؛ بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۸/۲۰.

۳. ر.ک. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۹۱.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۶.

نمونه دیگر شعار پیروزی خون بر شمشیر در ماه محرم است. تفسیری که امام از این مهم ارائه می دهد و از آن بهره می گیرد، تفسیری عظیم، عجیب و تاریخی است که اثر اساسی در تبیین حقیقت نهضت حسینی داشته و در روند پیروزی انقلاب اسلامی نیز اثری معتابه داشته است.^۱

بر شمردن امر به معروف و نهی از منکر به عنوان هدف امام حسین (ع) یکی از نشانه های اصیل رویکرد نوین به نهضت حسینی است. به بیان دیگر با پذیرفتن امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک هدف سیاسی برای قیام امام، قدم بلندی در تبیین نوین و سیاسی از آن برداشته ایم. این هدف، ما را به این جهت رهنمون می کند که کربلا را صرفاً به عنوان یک قضیه شخصی در نظر نگیریم. به سخن دیگر، اگر قرار شد که تمام ماجرا در یک آگاهی پیشین بایک دستور ویژه در رفتن به سوی شهادت خاتمه یابد، گرچه ممکن است به ظاهر منزلت امام از لحاظ معنوی بالاتر رفته باشد، اما به همان مقدار بعد سیاسی قضیه محدود می شود.^۲

علاوه بر تبیین صحیح نهضت حسینی در پرتو انقلاب اسلامی، در حوزه گسترش فرهنگ حسینی و عاشورائی نیز سهم به سزایی متوجه انقلاب اسلامی است. در واقع همین رویکرد نوین و تبیین فلسفه صحیح نهضت حسینی در انقلاب اسلامی، مهم ترین عامل در گسترش فرهنگ حسینی بوده است؛^۳

زننده نگاه داشتن نهضت حسینی یکی از فرائض اصلی انقلاب اسلامی است و از لحاظ اهمیت، احیای نهضت حسینی، هم طراز با اقامه نماز تلقی می شود؛ فلسفه وجودی انقلاب اسلامی، احیای شعائر اسلامی است و زننده نگاه داشتن نهضت حسینی نیز از جمله بنیادی ترین شعائر اسلامی و شیعی است و در زمره مهم ترین اعمال سیاسی و عبادی قرار دارد.^۴

۱. بیانات امام خامنه ای، ۱۳۹۰/۹/۲۱.

۲. حماسه حسینی، ج ۳، ص ۸۶-۸۴.

۳. بیانات امام خامنه ای، ۱۳۵۷/۸/۹.

۴. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۲۷.

علیرضا صداقت

مقدمه

واقعۀ عاشورا تنها یک نبرد تاریخی نیست، بلکه يك الگوی همیشه زنده از مبارزه حق علیه باطل است. این رویداد در حقیقت دانشگاهی است که در آن درس‌های جاودانه‌ای دربارهٔ مقاومت، آزادی و ایستادگی در برابر ظلم تدریس می‌شود. قیام امام حسین (ع) در کربلا، صحنه‌ای از نبرد نابرابر میان سپاه کوچک حق و لشکر عظیم باطل بود، اما نتیجه این نبرد نشان داد که تعداد و تجهیزات نظامی تعیین‌کننده نیست، بلکه حقانیت و اخلاص در عمل است که پیروزی نهایی را رقم می‌زند.

۱۱. تحلیل عمیق تر زمینه‌های تاریخی قیام

پس از رحلت پیامبر اسلام (ص)، اختلافات سیاسی و اجتماعی در جامعه اسلامی گسترش یافت. با روی کار آمدن بنی امیه و به قدرت رسیدن معاویه، پایه‌های حکومت اموی بر اساس زور و تزویر استوار شد. پس از معاویه، پسرش یزید به خلافت رسید که شخصیتی فاسد و ستمگر بود و آشکارا به مخالفت با احکام اسلامی می‌پرداخت.

امام حسین (ع)، به عنوان نوه پیامبر (ص) و امام سوم شیعیان، در برابر بیعت با یزید مقاومت کرد و با حرکت به سمت کوفه، قیام خود را آغاز نمود. او در مسیر خود به کربلا، با خیانت کوفیان و محاصره توسط سپاه یزید مواجه شد. در نهایت، در روز عاشورا، امام حسین (ع) و یارانش به شهادت رسیدند، اما پیام مقاومت‌شان تا ابد زنده ماند.

برای درک عمیق‌تر واقعۀ عاشورا باید به تحولات سیاسی-اجتماعی پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) توجه کنیم. انتقال خلافت از مسیر امامت به سلطنت اموی، نقطه عطفی در تاریخ اسلام بود. معاویه با زیرپا گذاشتن صلح نامه با امام حسن (ع) و تعیین یزید به عنوان ولیعهد، اساس حکومت اسلامی را به سلطنتی موروثی تبدیل کرد. یزید شخصیتی بود که:

آشکارا شراب می‌نوشید؛

به مقدسات اسلامی بی‌احترامی می‌کرد؛

شکارچی زنان بود؛

شعرهای هجوی سرود.

در چنین شرایطی، امام حسین (ع) با تشخیص وظیفه الهی خود، نهضت عاشورا را آغاز کرد. ایشان می دانستند که:

۱. بیعت بایزید یعنی تأیید حکومت فساد؛

۲. سکوت در برابر ظلم، مشارکت در گناه است؛

۳. حتی اگر ظاهر آشکست بخورند، چراغ هدایت را روشن نگه خواهند داشت.

۲.۱۱. تبارشناسی جبهه حق و باطل در عاشورا

بررسی ترکیب نیروهای دو طرف به خوبی ماهیت این تقابل را نشان می دهد:

الف) ویژگی های جبهه حق: امام حسین (ع) و یارانش که با ایمان راسخ، عدالت خواهی و آزادگی می جنگیدند.

تعداد: ۷۲ نفر در مقابل سی هزار نفر؛

انگیزه: الهی و معنوی؛

ترکیب: خاندان پیامبر (ص)، یاران فداکار، حتی کودک شش ماهه؛

سلاح: ایمان، استقامت و توکل؛

شعار: "هیئات منا الذله".

ب) ویژگی های جبهه باطل: سپاه یزید که نماد ظلم، فساد و دنیا طلبی بود.

تعداد: بیش از سی هزار نفر؛

انگیزه: مادی و دنیوی؛

ترکیب: مزدوران، اشرار، سربازان اجیر شده؛

سلاح: زور و تزویر؛

شعار: "الموت للحسین".

امام حسین (ع) در خطبه‌های خود بارها تأکید کرد که هدفش احیای سنت پیامبر (ص) و مقابله با حکومت فاسد است. او فرمود: «إِنِّي لَمُأَخْرَجُ أَشْرًا وَلَا بَطِرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي؛ من از روی هوسرانی و طغیان و فساد و ستمگری قیام نکردم، بلکه برای اصلاح در امت جدم برخاستم.»

این تقابل، تنها محدود به آن زمان نبود، بلکه الگویی شد برای همه مبارزات حق طلبانه در طول تاریخ.

۳.۱۱. مکانیسم تأثیرگذاری عاشورا در طول تاریخ

عاشورا از طریق چند مکانیسم به الگوی همیشگی مبارزه تبدیل شده است:

۱. الگوسازی رفتاری: نمایش عملی مقاومت تا آخرین نفس؛

۲. شهادت طلبی: تقدیم جان در راه آرمان‌های مقدس؛

۳. ضدیت با ظلم: پذیرفتن ذلت تحت هر شرایطی؛

۴. ایثار جمعی: همبستگی میان یاران امام حسین (ع)؛

۵. رسانه‌ای طبیعی: گریه و عزاداری به عنوان ابزار تبلیغ.

۴.۱۱. عاشورا به عنوان نماد مبارزه با ظلم در همه عصرها

قیام عاشورا تنها یک رویداد تاریخی نیست، بلکه هر زمان که ظلمی وجود دارد، یاد و روح عاشورا زنده می‌شود. در طول تاریخ، بسیاری از نهضت‌های آزادی‌بخش از این واقعه الهام گرفته‌اند:

الف) مبارزه با استعمار: در دوران استعمار، بسیاری از جنبش‌های ضد استعماری در جهان اسلام، از جمله در هند، الجزایر و ایران، با الهام از عاشورا به مبارزه پرداختند. مثلاً در انقلاب مشروطه و نهضت ملی شدن نفت در ایران، شعارهای عاشورایی نقش مهمی داشتند.

ب) انقلاب اسلامی ایران: امام خمینی (ره) با تأکید بر فرهنگ عاشورا، انقلاب اسلامی را رهبری کرد. او بارها گفت: «هر چه داریم از محرم و صفر است.» تظاهرات‌های مردمی در دوران انقلاب، با یادآوری شعارهای کربلا همراه بود و مردم با الگوگیری از امام حسین (ع)، در برابر رژیم شاه ایستادند. از جمله:

- استفاده از نمادهای عاشورایی در تظاهرات؛

- تشبیه شاه به یزید و روحانیت به امام حسین (ع)؛

- شعار "کل یوم عاشورا، کل ارض کربلا"؛

- تأثیر مراسم محرم در بسیج مردمی.

ج) مقاومت اسلامی در لبنان : جنبش‌های مقاومت، مانند حزب الله لبنان، همواره از عاشورا به عنوان نماد پایداری یاد می‌کنند. شهید سید حسن نصرالله، بارها گفته است: «ما فرزندان حسینیم و راه او را ادامه می‌دهیم».

از جمله:

- نامگذاری عملیات‌ها به نام شهدای کربلا

- الگوبرداری از تاکتیک‌های ایثارگران

- استفاده از نماد پرچم‌های سیاه عاشورایی

د) انتفاضه فلسطین:

- نامگذاری فرزندان به نام شهدای کربلا

- استفاده از نمادهای عاشورایی در دیوارنویسی‌ها

- الهام‌گیری از روحیه شهادت طلبی.

۵.۱۱. درس‌های عاشورا برای جهان امروز

امروزه نیز جهان شاهد ظلم‌های گسترده است: از ظلم آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه فلسطین تا دیکتاتوری‌های حاکم بر برخی کشورهای اسلامی. امروزه می‌توان درس‌های عاشورا را در این زمینه‌ها به کار برد:

۱. مبارزه با استکبار جهانی: مقابله با هژمونی آمریکا و غرب؛

۲. جنگ نرم: مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی؛

۳. عدالت خواهی اجتماعی: مبارزه با فقر و تبعیض؛

۴. مقاومت مدنی: پایداری در برابر دیکتاتوری‌ها

۵. وحدت اسلامی: عبور از اختلافات فرقه‌ای

جمع‌بندی

عاشورا يك سیستم کامل مقاومت است که شامل این ارکان می‌شود:

رکن اعتقادی: ایمان به خدا؛

رکن اخلاقی: پایداری بر اصول؛

رکن اجتماعی: مسئولیت‌پذیری؛

رکن سیاسی: آگاهی از شرایط زمانه.

همان‌طور که مقام معظم رهبری فرموده‌اند: "عاشورا فقط يك حادثه تاریخی نیست، يك درس همیشگی است برای همه آزادگان جهان".

عاشورا يك الگوی زند و پویاست که می‌تواند در هر زمان و مکان متناسب با شرایط جدید، راه‌گشای مبارزان راه حق باشد.

۱۲. راهبردهای کلان در عمل به تکلیف در عصر حاضر

سید رضی سید نژاد

با توجه به شرایطی که بر کشور و جامعه اسلامی ماحاکم است ضروری است راهبردهایی را در مسیر عمل به وظیفه دینی و انسانی خود در نظر بگیریم؛ راهبردهایی که هم انتظار اسلام را برآورده کند و هم متناسب با عصری باشد که در آن زندگی می‌کنیم و هم مقابله و مبارزه با دشمن را بر ایمان سهل‌تر کند.

۱-۱۲. حفظ وحدت

اولین راهبردی که در تکالیف دینی و شرعی باید به آن پایبند باشیم «حفظ وحدت» است. وحدت مسلمانان مهم‌ترین عامل اجتناب از تهدیدها و نقض حقوق اسلام و مسلمانان است. اتحاد و همدلی مسلمانان به عنوان یک جامعه، قوی‌ترین سلاح برای مقابله با دشمنان اسلام و حفظ حقوق اسلامی در جهان می‌باشد. وحدت بین مسلمانان به اجرای مؤثر تکالیف دینی نیز کمک می‌کند؛ زیرا وقتی مسلمانان با همدلی به اهداف مشترک خود پایبند باشند و از تفرقه و اختلافات دوری کنند، بهترین شرایط برای اجرای وظایف دینی فراهم می‌شود و جامعه اسلامی به سوی رشد و پیشرفت حرکت خواهد کرد.

وحدت و اتحاد مسلمان‌ها یک امر تاکتیکی نیست که بعضی خیال کنند به خاطر شرایط خاصی ما بایستی با همدیگر متحد باشیم، بلکه یک امر اصولی و فریضه قطعی قرآنی است؛ خدای سبحان در آیات فراوانی به آن دعوت کرده و از تفرقه و جدایی نهی فرموده است؛ مانند:

- همگی با هم به ریسمان الهی چنگ بزنید؛ «واعتصموا بحبلِ اللهِ جميعاً ولا تفرقوا» (آل عمران: ۱۰۳)؛
- دین را اقامه کنید و در آن فرقه فرقه و گروه گروه نشوید؛ «... أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...» (شوری: ۱۳)؛

- مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد، پراکنده و گروه گروه شدند و [در دین] اختلاف پیدا کردند؛ «... وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا...» (آل عمران: ۱۰۵).

خدای سبحان در این آیات ابتدا به اعتصام به جبلِ الهی و اقامه دین فرمان داده است، پس از آن از تفرقه و جدایی نهی فرموده است و این نشان می‌دهد که راه‌رهای از تفرقه، پیروی از دین و صراط مستقیم خداوند یعنی بندگی اوست.

رسول خدا (ص) مردم را به وحدت کلمه فراخواند، می‌فرماید:

مسلمانان با هم برادرند، خوششان برابر است، در برابر دیگران یک دست‌اند و کمترین آنها می‌تواند کسی را به امان و زنده‌ار همه‌شان در آورد.^۱

معنای وحدت تنها این نیست که با یکدیگر اختلاف نداشته باشیم، معنای وحدت آن است که اختلافات خودمان را کنار بگذاریم و یک واحد بشویم نسبت به بیگانگان. اگر وحدت به این معنا شد که جامعه اسلامی علیه بیگانه یک دست شود آن گاه عزت خود را باز خواهد یافت.

امیر المؤمنین (علیه السلام) در حدیثی می‌فرماید:

همراه جامعه بزرگ اسلامی باشید و از آن جدا نشوید؛ زیرا قدرت و حمایت خدا با جامعه متحد است و از اختلاف و جدایی پرهیز نمایید؛ زیرا کسی که از امت اسلامی فاصله بگیرد، طعمه دیو شیطنت است؛ همان طور که گوسفند جدای از رمه، طعمه گرگ است.^۲

امام (علیه السلام) در این حدیث شریف جامعه انسانی را به جامعه حیوانی تشبیه کرد تا ما بهتر درک بکنیم؛ از این رو فرمود اگر گوسفندی برای اینکه در دامنه کوهی علف تازه‌ای آن را به خود جذب کرد برود و از رمه فاصله بگیرد این طعمه گرگ می‌شود، خب همان طوری که یک گوسفند و اماند از رمه طعمه گرگ می‌شود یک انسان و اماند از جامعه نیز طعمه شیطان خواهد شد.

برای حفظ وحدت در عصر حاضر و اجرای تکالیف دینی بهتر است مادر مسائل مهم و اساسی که وحدت را تضعیف می‌کنند، از آن‌ها دوری کنیم و به مسائل مشترک و اصولی توجه کنیم که همه

۱. الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ وَيَسْعَى بِدِمَتِهِمْ أَذْنَاهُمْ هُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ (محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسة آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۹، ص ۷۵).

۲. وَالزُّمُورُ السَّوَادُ الْأَعْظَمُ؛ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ؛ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

مسلمانان را به هم متصل کند. برخی از راهبردهای کلان برای حفظ وحدت و اجرای تکالیف دینی در عصر حاضر به شرح زیر است:

الف) اهمیت تدبیر و آموزش: آموزش مردم و تدبیر وحدت و اتحاد اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است. حوزه‌های علمیه، مؤسسات آموزشی و رسانه‌های توانمند نقش مهمی در این تدبیر و آموزش، افزایش شعور اجتماعی و ترویج وحدت اسلامی ایفا کنند.

ب) اجتناب از تفرقه افکنی: باید از تفرقه افکنی‌ها و فعالیت‌های تحریک آمیز که به منظور افزایش تفرقه و دو قطبی‌سازی در جامعه انجام می‌شود، پرهیز کرد. مسئولان و رهبران اجتماعی مسلمانان مسئولیت حمایت از وحدت و کناره‌گیری از اقدامات تفرقه افکن را دارند.

پ) توجه به مسائل مشترک: برای اجرای تکالیف دینی و حفظ وحدت، مسلمانان باید به مسائل مشترک و اصولی توجه کنند. این مسائل شامل مسائل دین واحد، پیامبر واحد، قرآن واحد، هویت فرهنگی واحد و مشترک، راه و هدف مشترک و دشمن واحد و مشترک است که همه مسلمانان را به هم نزدیک ترمی کند.

ت) اهتمام به هویت فرهنگی: هویت فرهنگی باید به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ وحدت اسلامی، مورد توجه قرار گیرد. حفظ و حراست از هویت اسلامی و ارزش‌ها و اصول اسلامی به وحدت فرهنگی کمک می‌کند.

ث) مبارزه با تبلیغات ناسازگار با اسلام: برای اجرای تکالیف دینی و حفظ وحدت، باید در برابر تبلیغات ناسازگار با اسلام و اقدامات مخرب و تحریک آمیز، مبارزه کرد و مسلمانان را آگاه‌سازی کرد که این گونه تبلیغات به وحدت اسلامی آسیب می‌رساند.

با رعایت این راهبردها و ارتقاء وحدت اسلامی، مؤمنان می‌توانند به بهترین شکل به تکالیف دینی‌شان در عصر حاضر عمل کنند و جامعه اسلامی را به سوی پیشرفت و ترقی هدایت کنند. بله، اگر بخواهیم به هدف نظام جمهوری اسلامی که تحقق تمدن نوین اسلامی است دست پیدا کنیم راهی جز وحدت و اتحاد وجود ندارد. اتحاد میان مردم بایکدیگر، اتحاد مردم با مسئولان، اتحاد امت‌های اسلامی.

راهبرد کلان دیگری که برای عمل به تکلیف در عصر حاضر بسیار اهمیت دارد، «تبیین و روشنگری» است. تبیین و روشنگری به معنای توضیح دقیق و واضح مسائل و ارزش‌ها، مخاطبان را در مورد مسائل مختلف آگاه کردن و شبهات و ابهامات را برطرف ساختن؛ همان چیزی است که رهبر انقلاب آن را «جهاد تبیین» نامید و به عنوان فریضه‌ای فوری و قطعی معرفی کرد. اینکه نامش را جهاد می‌گذاریم به این دلیل است که در مقابل هدف‌گذاری دشمن انجام می‌شود. گذشت که برنامه و هدف دشمن جداسازی مردم از نظام اسلامی است و مهم‌ترین کاری که در این عرصه انجام می‌دهد دروغ‌پردازی، شبهه‌افکنی و لجن‌پراکنی است. حال برای مقابله با این برنامه دشمن باید به تبیین و روشنگری پرداخت و ماهیت پلید دشمن را برای همه آشکار کرد. از آنجایی که «تبیین و روشنگری» راهبردی در مقابله با دشمن است، آن را «جهاد» می‌نامیم.

در روایات اسلامی از این جهاد به جهاد با السنه و زبان‌ها یاد شده است. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «با اموال، جان‌ها و زبان‌تان با مشرکان جهاد کنید». ^۱ امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز مؤمنان را به چنین جهادی ترغیب کرده، می‌فرماید: «خدا را خدا را در مورد جهاد در راه خدا با دارایی‌ها، جان‌ها و زبان‌هایتان در نظر داشته باشید». ^۲

وظیفه تبیین، بیان کردن، روشنگری امروز بر دوش همه ماست. بسیاری از حقایق هست که باید تبیین بشود. در مقابل این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است «حرکت تبیین» خنثی‌کننده است. همین است که دیده‌بان انقلاب امام خامنه‌ای (مدظله العالی) آن را وظیفه همه بر شمردند و فرمودند:

هر کدام از شما به عنوان يك وظیفه، مثل يك چراغی، مثل يك نوری پیرامون خودتان را روشن کنید. امروز خوشبختانه میدان باز است برای انتشار افکار. این فضای عمومی در کنار مشکلاتی که

۱. جاهدوا المشرکین بأموالکم و أنفسکم و ألسنتکم (ابو القاسم پاینده، نهج الفصاحة، تهران، دنیای دانش، 1382، ص 429).

۲. اللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَأَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (نهج البلاغه، نامه 47).

ممکن است به وجود بیاورد، برکات بزرگی هم دارد؛ می‌توانید افکار درست را، افکار صحیح را منتشر کنید، پاسخ به اشکالات را، پاسخ به ابهام‌آفرینی‌ها را در این فضا با استفاده از این امکان منتشر کنید و می‌توانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید؛ البته اصل قطعی در این باب این است که بایستی از شیوه اخلاقی در این کار پیروی کرد. از این کاری که بعضی‌ها در فضای مجازی یا در مطبوعات و در مقاله‌ها و اینجا و آنجا انجام می‌دهند که با دشنام، با تهمت و فریب و دروغ با افکار عمومی مواجه می‌شوند، باید به شدت اجتناب کرد. بایستی حقایق را با منطق قوی، سخن متین و عقلانیت کامل، همراه با زینت عاطفه و عواطف انسانی، و به کارگیری اخلاق منتشر کرد. امروز همه ما بایستی در این میدان حرکت بکنیم؛ هر کدام به نحوی و با سهمی که در این راه داریم.^۱

تدوین و روشنگری می‌تواند به شکل‌های مختلفی انجام شود، از جمله:

الف) تدوین مفاهیم و اصول اسلامی: توضیح دقیق و واضح اصول و مفاهیم اسلامی به افراد کم‌می‌کند تا مفاهیم دینی را به درستی درک کنند و از احتمال بروز اشتباهات در فهم مطالب اجتناب کنند.

ب) انتقال ارزش‌ها و اصول اسلامی: روشنگری درباره ارزش‌ها و اصول اسلامی به افراد، آن‌ها را به سمت پذیرش این ارزش‌ها و رفتارها هدایت می‌کند و ارتباط آن‌ها را با مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برقراری سازد.

پ) مقابله با شبهات: تدوین و روشنگری می‌تواند ابهامات و شبهاتی که در مورد اسلام و مسائل مختلف دینی وجود دارد را برطرف کند و افراد را از تأثیر شبهات و افکار غلط در تصمیم‌گیری‌هایشان محافظت کند.

ت) اطلاع‌رسانی: تدوین و روشنگری به عنوان یک ابزار ارتباطی می‌تواند اطلاع‌رسانی درباره مسائل مختلف اسلامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به مخاطبان انجام دهد و آن‌ها را از اخبار و تحولات روز جامعه آگاه سازد.

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی، دسترسی ۵/۷/۱۴۰۰.

به طور کلی، تبیین و روشنگری با ارتقاء سطح دانش و آگاهی افراد، نقش مهمی در تکمیل تشخیص تکلیف دارد و می تواند به عمل به تکالیف دینی و اجتماعی در عصر حاضر کمک کند. این راهبردها به افراد کمک می کند تا بهترین تصمیم ها را بگیرند و از مسئولیت پذیری و انجام وظایف شان به بهترین نحو اطمینان حاصل کنند.

۱۲-۳. تقویت ولایت مؤمنین

بر اساس آموزه های قرآن، مؤمنان نسبت به یکدیگر دارای نوعی ولایت هستند که برخاسته از همان ولایت الهی است و به سبب ایمان در مؤمنان جاری و ساری می شود؛ ولایت عبارت است از پیوستگی، پیوند افراد جامعه اسلامی، در هم پیچیدن و در هم تنیدگی. ولایت، مفهوم وحدت، دست به دست هم دادن، با هم بودن، با هم حرکت کردن، اتحاد در هدف، اتحاد در راه و وحدت در همه شئون سیاسی و اجتماعی را برای انسان، تداعی می کند.^۱

خدای سبحان درباره ولایت مؤمنان نسبت به یکدیگر می فرماید:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (توبه: ۷۱)؛ و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وای دارند، و از کارهای ناپسند باز می دارند، و نماز را برپا می کنند و زکات می دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است.

این آیه به صراحت بیان می کند که ولایتی که برای زنان و مردان مؤمن نسبت به یکدیگر است، یک ولایت اجتماعی است که به طور طبیعی مرزهای سیاسی را نیز در می نوردد، به طوری که حاکمان اسلامی نیز با آنکه خود دارای ولایت سیاسی هستند، بیرون از دایره ولایت اجتماعی امت اسلام نیستند. همچنین این آیه بیان می کند که این ولایت یک حق الهی است که به هیچ وجه ساقط نمی شود و کسی نمی تواند مؤمنی را از این حق ولایت الهی محروم سازد.

۱. ر.ک. بیانات امام خامنه ای (مدظله العالی) در دیدار کارگزاران نظام، ۲۷/۱/۱۳۷۷.

این آیه مورد تأکید قرار می‌دهد که ولایت و تعاون مؤمنان بایکدیگر در امر به معروف و نهی از منکر، اقامه نماز، پرداخت زکات و اطاعت از دستورات الهی، باعث رحمت و مغفرت خداوند برای آنها می‌شود. همچنین این آیه نشان می‌دهد که ولایت مؤمنان بایکدیگر به عنوان یکی از ویژگی‌های مؤمنان شناخته می‌شود و این تقویت و ایجاد وحدت در جامعه اسلامی را ترویج می‌دهد. ولایت مؤمنان بایکدیگر دو جنبه دارد؛ یک جنبه آن، تعاطف، همدلی، تعاون و همکاری است و جنبه دیگر آن، توأسی به صبر و حق یا امر به معروف و نهی از منکر.

مؤمنان با همبستگی و ولایت بایکدیگر، مسئولیت‌ها و تکالیف اجتماعی را بهتر به عهد می‌گیرند و توانایی مشارکت فعال در امور جامعه خود را دارا می‌شوند. این همبستگی نه تنها به سبب معانی دینی و الهی است، بلکه بر اساس نیازهای جامعه و اصول انسانی و اجتماعی است.

در طول تاریخ اسلام، مفاهیم ولایت مؤمنان بایکدیگر و تقویت احساس انسجام اجتماعی، نقش مهمی در پیروزی‌ها و پیشرفت‌های مسلمانان داشته است. از زمان انقلاب اسلامی در ایران نیز، همبستگی و ولایت مؤمنان بایکدیگر به عنوان عاملی کلیدی در حفظ و حراست از نظام اسلامی و پیشرفت کشور ایفای نقش کرده است.

بنابراین، تقویت ولایت مؤمنان بایکدیگر و ایجاد اتحاد و همبستگی در جامعه اسلامی، یکی از راهبردهای کلان در عمل به تکلیف است. این راهبرد باعث افزایش همدلی و همکاری بین اعضای جامعه، تحقق اهداف دینی و اجتماعی اسلامی، و پیشرفت جامعه به سوی ایدآل‌های انسانی و دینی می‌شود. از این رو، تکریم و احترام به همدیگر، تقویت روابط اجتماعی، و ایجاد همبستگی و ولایت بایکدیگر، برای مسلمانان امری بسیار حیاتی و مهم است.

۴-۱۲. استقامت و پایداری

استقامت و پایداری به عنوان راهبرد کلان در عمل به تکلیف، یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین ویژگی‌هایی است که مؤمنان برای انجام وظایف دینی و اجتماعی خود نیازمند آن هستند. «استقامت و پایداری؛ یعنی راه را مستقیم ادامه دادن؛ در جهت درست حرکت کردن، بیراهه نرفتن، خط را گم نکردن، هدف را فراموش نکردن. فریب جلوه‌های مادی را نخوردن؛ اسیر هوا و هوس نشدن؛

دستورها و فرائض اخلاقی و معنوی و ادب اسلام را رها نکردن و به لذت طلبی و عشرت طلبی روی آوردن.^۱

این امر، این قدر حساس و مهم است که خدای متعال به پیامبر با آن عظمت توصیه کرده، می فرماید: «مواظب باش راه را گم و اشتباه نکنی؛ کسانی هم که همراه تو و با تو هستند، این راه را درست ادامه بدهید و منحرف نشوید؛ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا» (هود: 112). نقطه مقابل این استقامت و پایداری و حرکت مستقیم در این آیه شریفه، طغیان قرار داده شده است؛ «وَلَا تَطْغَوْا». طغیان، یعنی سرکشی؛ منحرف شدن. به پیغمبری فرماید: هم تو- شخصاً- هم کسانی که همراه تو و با تو هستند، این راه را درست ادامه بدهید و منحرف نشوید.

انسان ها در راه رسیدن به هدف، سه دسته اند: عده ای در آغاز راه بازماندند و از ادامه مسیر منصرف می گردند. گروهی نیز نیمی از راه را رفته و خسته می شوند. این دو دسته چون استقامت ندارند، از هدف باز می مانند؛ اما دسته سوم کسانی اند که استقامت می ورزند و درست حرکت می کنند و با تحمل همه مشکلات خود را به هدف می رسانند.

مؤمنان در هر دوران و با هر شرایطی ممکن است با مشکلات و چالش های بسیاری مواجه شوند که ممکن است به نظر برسد انجام وظایف دینی و اجتماعی آنها را دشوار می کند. در این مواقع، داشتن صبر و استقامت بسیار اهمیت دارد. اگر مؤمنان در مقابل مشکلات و ناملازمات زندگی دست از کار بردارند و ناامید شوند، این ممکن است به ناتوانی و شکست منجر شود و وظایف دینی و اجتماعی آنها تحت تاثیر قرار بگیرد.

به عنوان مثال، در انقلاب اسلامی ایران، مردم با چالش های فراوانی مواجه شدند و برای اجرای وظایف اسلامی و انقلابی خود، نیازمند صبر و استقامت بسیار بودند. از ابتدای حرکت انقلابی تا به امروز، دشمنان اسلام و انقلاب تلاش های زیادی برای تضعیف و ضربه زدن به اراده مردم

۱. رک. بیانات امام خامنه ای (مدظله العالی) در دیدار جمعی از پاسداران، 17/7/1381.

داشته‌اند؛ اما با تلاش، پشتکار، و استقامت ملت غیور ایران، انقلاب اسلامی پابرجا ماند است و به موفقیت‌های بزرگی دست یافته است.

استقامت و پایداری، از اساسی‌ترین ویژگی‌های مؤمنان و قوام قلبی‌شان بوده است که آن‌ها را در مسیر انجام تکالیف دینی و اجتماعی تثبیت کرده است. با داشتن این ویژگی‌ها، مؤمنان توانسته‌اند در مقابل مشکلات و ناگواری‌ها ایستادگی کنند و با شجاعت و ایمان به دستاوردهای بزرگی دست یابند. همچنین، در مواقع دشوار، صبر و استقامت به مؤمنان کمک می‌کند تا خود را در کنترل نگه دارند و از عملکرد نادرست و غلط در مواجهه با مشکلات جلوگیری کنند.

در نتیجه، استقامت و پایداری به عنوان راهبرد کلان در عمل به تکلیف، از اهمیت بسیاری برخوردار است و مؤمنان با داشتن این ویژگی‌ها می‌توانند بهترین نتایج را در راه پیروی از دین و انجام وظایف اجتماعی خود به دست آورند.

۱۲-۵. امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده

راهبرد دیگر، امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. رهبر معظم انقلاب برای دستیابی به دو آرمان بزرگ و هدف راهبردی جمهوری اسلامی ضمن اشاره به سرفصل‌هایی چون «علم و پژوهش»، «معنویت و اخلاق»، «اقتصاد»، «عدالت و مبارزه با فساد»، «استقلال و آزادی»، «عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن» و «سبک زندگی»، از «امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده» سخن گفته است. در بخشی از سخنانش آمده است: «... اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه من، امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت.»^۱

رهبر معظم انقلاب در اینجا اولاً امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده را سرفصلی اساسی و اولین توصیه خویش معرفی کرده که نشان‌دهنده اهمیت آن است. ثانیاً آن را کلید اساسی سایر قفل‌ها دانسته که باز نشان از اهمیت و زیرنابودن امید است؛ به گونه‌ای که بدون این کلید، هیچ گام دیگری نمی‌توان برداشت. ایشان در ادامه ضمن اشاره به این مطلب که این امید و این نگاه خوش‌بینانه، امیدی کاذب

۱. همان.

و فریبند نیست، از سیاست تبلیغاتی دشمن در چهل ساله گذشته که با ترندهای خاص، در صدد القای ناامیدی در میان مردم و مسئولان بوده سخن گفته و درخواست خویش از جوانان را این گونه مطرح می فرماید: شما جوانان باید پیش گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آیند را پرورش دهید. ترس و نومیدي را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه ای ترین جهاد شماست.^۱

اگر بخواهیم این سخن رهبر و مقتدا ایمان را تحلیل کنیم به سه تکلیف خواهیم رسید. در واقع در اینجا سه تکلیف بر عهد ما گذاشته شده است:

تکلیف اول اینکه امیدوار باشیم، به آیند امید داشته باشیم و هرگز ترس و ناامیدی را به خود راه ندهیم؛

دوم اینکه منشأ امید و انرژی، بلکه گلوله انرژی باشیم و دائم به دیگران امید بدهیم و نهال امید به آیند را در دیگران پرورش دهیم و آن ها را از ترس کاذب و ناامیدی بیچاره خذر داریم؛ سوم اینکه تحت تاثیر القائات شیطانی کسانی که می خواهند ما را نسبت به آیند مأیوس کنند قرار نگیریم و با آن ها مبارزه کنیم.

در آموزه های دینی نیز همواره از امیدواری سخن به میان آمده است. قرآن کریم امید را عاملی مهم در حرکت و زندگی بشر بر می شمارد. از منظر قرآن، امید به آیند برتر در این دنیا و یا آخرت است که موجب می شود افراد باورها و کنش ها و واکنش های خویش را تصحیح کنند و به بازسازی و اصلاح اعمال و رفتار خود پردازند.^۲

امام علی (ع) نیز در نهج البلاغه ضمن تأکید بر امیدواری به خداوند به طور کلی از امیدواری به آیند سخن گفته است.^۳ همچنین از منظر ایشان ترس و ناامیدی امری ناپسند است به گونه ای که آن حضرت به منظور غلبه بر ترس و نگرانی از آیند پیشنهاد کرده هرگاه از چیزی می ترسید و

۱. همان.

۲. یونس (10)، آیات 7-8.

۳. نهج البلاغه، حکمت 377.

نگرانی دارید، خودتان را در آن امر بیندازید. این سخن حضرت به این معناست که قرار دادن خویش در دل حوادث و شنا کردن در دریای متلاطم زندگی می تواند به انسان امید دهد و نگرانی و ترس را از وی برطرف سازد و وی را برای ساختن آینده بهتر مهیا سازد.

برخی از آثار امیدواری در زندگی عبارت اند از:

- امید و نگاه خوش بینانه به آینده، به ماکمات می کند تا به طور فعالانه و پویا در جهت پیشرفت تلاش و کوشش کنیم و در مسیر ارتقاء جامعه اسلامی و انسانیت پیش برویم.

- امید و ایمان به آینده، انسان ها را به سمت تحقق اهداف بزرگ تر و معنادار تر هدایت می کند و افرادی که به این امید متعهد هستند، انرژی و انگیزه بیشتری برای رسیدن به اهداف خود از خود به نمایش خواهند گذاشت.

- امید به آینده باعث می شود که انسان ها در مواجهه با شکست ها و ناکامی ها از حالت ناامیدی و سرخوردگی جلوگیری کنند و تلاش کنند تا مشکلات را برطرف کرده و به بهترین نتیجه هادست پیدا کنند.

- نگاه خوش بینانه به آینده و امید به بهبود شرایط، باعث می شود افراد به طور مثبت و سازنده تر به مسائل و چالش ها نگاه کنند و به جای غرق شدن در انتقادات و منفی گرایی ها، تلاش کنند بهترین راه حل ها را پیدا کنند و اقدامات مؤثرتری انجام دهند.

در کل، امید و نگاه خوش بینانه به آینده از جمله تکلیف های مهم ما است که باید در زندگی های خود به طور فعالانه به آن پایبند باشیم. این امر به عنوان یک راهبرد کلان، ما را به سمت بهبود و تحقق اهداف دینی و انسانی مان هدایت می کند و باعث می شود تا در مسیر رشد روحی، انسانی و اجتماعی پیش برویم.

۱۲-۶. توجه به علم و دانش و ارتقای آن

تکلیف دیگر ما در عصر حاضر برای رسیدن به دو آرمان بزرگ نظام اسلامی، «توجه به علم و دانش و ارتقای آن» است. رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در بخشی از بیانیه، افزون بر اشاره به توانمندی‌هایی که جوامع از ناحیه علم به آن دست می‌یابند، بر ضرورت توجه به علم و دانش تأکید کرده، به عنوان یک تکلیف و مطالبه عمومی می‌فرماید:

آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده‌ایم... ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پا خیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است ناکام سازید.^۱

همچنین می‌فرماید: «ما به سوء استفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم؛ اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم».^۲

در اسلام بسیار به علم و دانش اهمیت داده شده است. در اولین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) واژه‌هایی چون «خواندن»، «قلم» و «یاد دادن» چندین بار تکرار شده‌اند.^۳ به کارگیری این الفاظ نشان از اهمیت جایگاه علم و دانش در این کتاب آسمانی دارد.

۱. بیانیه «گام دوم انقلاب» امام خامنه‌ای (مدظله العالی) خطاب به ملت ایران، ۲۲/۱۱/۱۳۹۷.

۲. همان.

۳. علق (۹۶)، آیات ۵-۱.

در نگاه قرآنی و اسلامی هرگز عالم و جاهل یکسان نیستند. هرگز کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند برابر دانسته نشده اند. صاحبان علم و دانش در نظام ارزشی اسلام از مقام و مرتبه ای برخوردارند. 'خدای سبحان در قرآن کریم به پیامبرش توصیه کرد، می فرماید: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: 114)؛ ای پیامبر یگو: پروردگار! دانشم را زیاد کن».

در احادیث هم از آن حضرت نقل شده که دائم دانشش ارتقا پیدا می کرد. در حدیثی از آن حضرت می خوانیم که فرمودند:

اگر روزی بر من بیاید که در آن روز بر دانش خود چیزی نیفزایم که به خداوند متعال نزدیک گرداند، طلوع خورشید آن روز بر من مبارك مباد.^۲

علم و دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت يك کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. اگر دنیای غرب توانست برای خود ثروت، نفوذ و قدرت دوست ساله فراهم کند به برکت دانشش بود. غرب با وجود تهی دستی در بنیان های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن ها را به دست گرفت؛ البته منظور ما از دستیابی به علم و دانش و ارتقای آن، سوء استفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، نیست؛ اما بی شک کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود نیازمند است.^۳

۷-۱۲. توجه به معنویت و اخلاق

یکی از توصیه های مهم رهبر و مقتدای مادر بیانیه گام دوم در راستای دستیابی به تمدن نوین اسلام و زمینه سازی ظهور، توصیه به معنویت و اخلاق به عنوان جهت دهنده همه حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی است. معنویت در نگاه رهبر معظم به معنای برجسته کردن ارزش های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق نیز به معنای رعایت

۱. مجادله (58)، آیه 11.

۲. إِذَا أَتَى عَلَى يَوْمٍ لَا أَرْدَادُ فِيهِ عِلْمًا يُقَرَّنِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَلَا بُورِكَ لِي فِي طُلُوعِ شَمْسٍ ذَلِكَ الْيَوْمِ! (ابوالقاسم پاینده، همان، ص 177).

۳. بیانیه گام دوم انقلاب، امام خامنه ای (مدظله العالی) خطاب به ملت ایران، 22/11/1397.

فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است.

ایشان در این زمینه از طرفی حکومت و کارگزاران حکومتی را مسئول دانسته و از آنان می‌خواهد ضمن اینکه خودشان منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم سازند و از طرفی از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیز درخواست دارد، در این باره احساس تکلیف کنند و از خود رفع مسئولیت نکنند. ایشان معتقد است در گام دوم انقلاب می‌بایست با تنظیم و اجرای برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت، به گسترش معنویت و اخلاق کمک شود.^۱

۱. بیانیه «گام دوم انقلاب» امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) خطاب به ملت ایران، ۲۲/۱۱/۱۳۹۷.

کتابنامه

قرآن کریم

- نهج البلاغة، محمد بن حسین شریف رضی، نسخه صبحی صالح، قم، هجرت، 1414 ق.
 ابن اثیر جزری، علی بن محمد. الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، 1385 ق.
 ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، علامه، 1379 ق.
 ابن طاووس، علی بن موسی. جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، قم، دارالرضی، 1330 ق.
 ابن عقد کوفی، احمد بن محمد. فضائل امیر المومنین، قم، دلیل ما، 1424 ق.
 ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن محمد. شرح نهج البلاغة، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مكتبة آیت الله المرعشی النجفی، 1378.

- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی. الأملی، تهران، کتابچی، 1376.
 ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی. ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، قم، شریف رضی، 1406 ق.
 ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی. تذکرة الخواص، تهران، مكتبة نینوی، تهران، بی تا.
 ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. تحف العقول عن آل الرسول (ص)، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر نشر اسلامی، 1404 ق.
 ابن طاووس حلّی، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمة سید احمد فهری زنجانی، تهران، جهان، 1348.
 ابن عنبه، جمال الدین احمد بن علی حسینی، عمدة الطالب، قم، انصاریان، 1385.
 ابن قتیبہ دینوری، عبدالله بن مسلم. الإمامة والسیاسة (تاریخ الخلفاء)، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، 1410 ق.
 ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ ق.
 ابن نما حلّی، جعفر بن محمد. مثير الأحزان، قم، مدرسه امام مهدی (عج)، 1406 ق.
 ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین. الاغانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
 ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی. وقعة الطف، قم، جامعه مدرّسین، ۱۴۱۷ ق.
 اسلامی، سید حسن. امر به معروف ونهی از منکر، قم، نشر خرم، ۱۳۷۵.
 اسماعیلی یزدی، عباس. سحاب رحمت، قم، مسجد مقدس جمکران، 1383.
 امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، 1403 ق.
 الهامی نیا، علی اصغر. عبرت های عاشورا، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۰.
 امینی، عبدالحسین. گزیده ای جامع از الغدیر، تلخیص و ترجمه محمد حسین شفیعی شاهرودی، قم، سنابل، 1428 ق.
 باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه، 1379.
 بحرانی، سید هاشم بن سلیمان مدینه معاجز الأئمة الإثني عشر، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، 1413 ق.

- پایند، ابوالقاسم. نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.
- پیشوایی، مهدی. «ریشه‌های تاریخی و زمینه‌های اعتقادی نهضت عاشورا»، مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی (ره) و فرهنگ عاشورا، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۵.
- پیشوایی، مهدی. سیره پیشوایان، قم، موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴.
- تیمی آمدی، ۱۴۱۰ عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، درالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- جمال خوانساری، محمد بن حسین. شرح غرر الحکم، محقق و مصحح: جلال الدین حسینی ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. صحاح اللغة، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
- چوبینه، سجاد. نگاهی فلسفی به جریان عاشورا، قم، ابرار، ۱۳۷۷.
- حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی اجویه الاستفتات، تهران، نشرین الملل، ۱۳۸۸.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. بیانات، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی <https://farsi.khamenei.ir>.
- خوارزمی، موفق بن احمد. مقتل الحسین (ع)، تحقیق محمد سماوی، قم، انوار الهدی، ۱۴۲۳ ق.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. حماسه حسینی و ظهور حقیقت آدمی، تهران، دریا، ۱۳۸۳.
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- دینوری، احمد بن داوود. الاخبار الطوال، قاهره، منشورات شریف رسی، ۱۹۶۰ م.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد سید کیلانی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۲.
- سجانی، جعفر. مع الشیبه الامامیه فی عقائد هم، قم، مشعر، ۱۴۱۳ ق.
- سنگری، محمد رضا عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، قم، زمزم هدایت، ۱۳۷۶.
- سید نژاد، سید رضی. سیره تحلیلی امام سجاد (ع)، قم، نشر ادیان، ۱۳۹۵.
- الشاوی، علی ونجم الدین طبسی. مع الרכب الحسینی، مترجم عبدالحسین بدینش، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۲.
- صافی گلپایگانی، لطف الله. راه اصلاح، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
- طبرسی، احمد بن علی. الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق سید محمد باقر موسوی خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
- طبری، محمد بن جریر. تاریخ الأمم والملوک (تاریخ الطبری)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
- عماد زاده، حسین. زندگی امام حسین (ع)، تهران، اداره کل حج و اوقاف و امر خیریه، ۱۳۸۴.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد. روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم، انتشارات رضی، ص ۱۳۷۵.
- قاضی معتزلی، عبد الجبار بن احمد. المغنی فی ابواب التوحید و العدل، قاهره، دار المصریه، ۱۹۶۵ م.
- قائمی، علی. انگیزه‌های نهضت امام حسین (ع)، قم، هادی، بی تا.

- قمی، عباس. نفس المهموم، قم، انتشارات هجرت، 1386.
- قدوزی، سلیمان بن ابراهیم. ینایع المودة، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، 1418ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1407ق.
- کوفی، احمد بن اعثم. الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الأضواء، 1411ق.
- کشی، محمد بن عمر. رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال -، تحقیق و تصحیح محمد حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، 1409ق.
- لیثی واسطی، علی بن محمد عیون الحکم والمواظ، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶.
- ماندگاری، محمد مهدی. سوره های سخن (9)، قم، معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه کشور، 1397.
- مجلسی، محمد باقر. مرآة العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403ق.
- محدثی، جواد. پیام های عاشورا، قم، زمزم، 1384.
- محدثی، جواد. فرهنگ عاشورا، قم، نشر معروف، 1383.
- محمدی ری شهری، محمد. دانشنامه امام حسین (ع)، ترجمه عبدالمهدی مسعودی و دیگران، قم، دارالحديث، 1388.
- محمدی ری شهری، محمد. موسوعة الامام علی بن ابي طالب (ع)، قم، دارالحديث، 1421ق.
- محمودی، محمد باقر. نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، نجف، نعمان، 1378ق.
- مدنی، محمد حسین. عاشورا صراط مستقیم، قم، زمزم هدایت، 1399.
- مریجی، شمس الله. تدیین جامعه شناختی واقعه کرب و بلا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 1385.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی. مروج الذهب ومعادن الجوهر، تحقیق: اسعد داغر، دارالهجرة، قم، ۱۴۰۹ق.
- مسعودی، علی بن حسین. اثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب (ع)، قم، انصاریان، 1384.
- مطهری، مرتضی. مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۷.
- معین، محمد. فرهنگ فارسی (معین)، تهران، میلاد، 1387.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. الإرشاد، قم کنگره شیخ مفید، 1413ق.
- مکارم شیرازی و همکاران، ناصر. تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1374.
- مکارم شیرازی، ناصر. پیام امام امیر المؤمنین (ع) شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1385.
- موسوی خمینی، سید روح الله. تحریر الوسیله، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.
- موسوی خمینی [امام]، سید روح الله. صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، 1389.
- موسوی، سید مهدی. «نگاهی به قابلیت ها و روش های بهره برداری از نهضت عاشورا»، مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی (ره) و فرهنگ عاشورا، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1376.

- موسوی‌نیا، سیدنورالله «ولایت پذیری درس بزرگ واقعه عاشورا»، خبرگزاری مهر، دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/news/1755853>، 12 تیر 1402.
- نجمی محمدصادق. سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، قم، بوستان کتاب، 1390.
- نجمی، محمدصادق. خطبه حسین بن علی (ع) در منی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی قدس رضوی، 1373.
- نوری، حسین بن محمد تقی. مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، 1408 ق.
- هوشیار، محمدباقر. اصول آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه تهران 1327.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن واضح، تاریخ یعقوبی، قم، الشریف الرضی، 1414 ق.